



آریانا افغانستان آنلاین

مجله، پورتال، پایگاه خبری و فرهنگی

<http://www.arianafghanistan.com>

عنوان مضمون: نظر شما در مورد مطالب نشر شده (الی اخیر سال ۲۰۲۰)

اسم: Dr. Salah Sayedi محل سکونت: لندن تاریخ: 20.01.2021

سلام هموطنان گرامی و دست اندرکاران مطبوعات خوب کشور!
ما همیشه انتقاد و نقص و انگشت گزار هستیم و از خوبی‌ها و خوب‌ها یاد آوری نه می‌کنیم و اگر کردیم چاپلوس و ... لقب گزار می‌شویم.
ما عادت دیدن نیم خالی گیلان داریم و اصل و لُذ مُعَارِضاً و سیموت معارضاً - اپوزیسیون تولد شده و اپوزیسیون خواهد مُرد. هم در وجود ما بسیار قوی است.

افغان جرمن آنلاین و مطالب نشر شده آن من یا در معلومات روز و تجدید معلومات کمک نموده و حتی در کار وسیع ده ساله فرهنگی ام من را مساعدت کرد. نام جلال و تبصره‌ها دوستان معزز در بخش تبصره کار قاموس بزرگ نامها را که بیشتر از 2500 صفحه و در پنج زبان است درین بخش تکمیل تر کرد تشکر از شما.
و ام یک تصحیح عام که با تأسف بخش از قاموس‌ها نیز آنرا غلط نوشته‌اند:
(ان شاء الله و یا انشاء الله؟) هردو از متون و اصل زبان عربی‌اند.

ان شاء الله تعالی: (درست) اگر الله تعالی خواسته باشد و یا خواسته بود که یک عمل و روش اسلامی و درست، مطابق اعتقادات دینی اسلامی ماست و مسلمان در مورد امور و کارهای است که در آینده واقع میشوند و یا توقع دارند آنرا متصل خواست خود به کار میبرد.
انشاء الله: از لحاظ معنا نادرست و اگر آگاهانه گفته شود انسان را به کفر میکشد.
الله تعالی میفرماید: اِنَّا اُنشَاْنَاهُۦۙ اِنْشَاًءَ (الواقعة/ ۱۳۵) ما پیدا شان کردیم به شکل ایجاد می. که همان مسأله خلقتی است. انشاء از فعل انشاء - پنبشی یعنی ایجاد است. اگر به این معنا آورده شود که ما در (انشاء الله) العیاذ بالله میگوییم که الله را ایجاد کردیم و این کفر مطلق است اگر آگاهانه گفته شود. و العلم عند الله
داکتر صلاح الدین سعیدی ۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸

اسم: Akhtar Yusufi محل سکونت: Fair fax VA تاریخ: 31.12.2020 چرا نظرم را نشر نمی‌کنید؟

این خود مقاله نیست که مشاورین و حواریون تان قهر می‌شوند.
شما مدعی مستقل بودن و بیطرف بودن خود را نزد خود را نزد حساب می‌کردید چه شد یک دم پا خود را به خط افغان جرمن آنلاین گذاشتید.
در این کشور مدخل نمانده که مستقل و صادقانه عمل کند.
اختر محمد یوسفی

بناعلی اختر یوسفی!!
تاسو حضور ته مو په کراتو استغاثه وکړه ځی خپلو لیکنو کی غور وکړی. دا اخیرنی ځل دی ځی گوندی تاسی د مور عرض واورى. مور نه سو کولای ځی د تاسی په یو مضمون باندى ۴-۵ ساعه ضایع کړوو. دا د اکابر کورس نه دی!!!!!!!!!!!!

اسم: Akhtar Yusufi محل سکونت: Fair fax VA تاریخ: 31.12.2020 هموطنان عزیز در کشورهای غربی سال نو تان مبارک!

جنگهای خونین پنج دهه دشمنان و اجبران رنکارنک در افغانستان با ادامه ابعاد طولانی تخریب میهن از خود عمال و عوامل متعدد دارد، که در چهره مخروبه افغانستان، انتقال حکومت فاسد غیرقانونی یکی در پی دیگر در کشور نمایان است. باید تمام وطنپرستان نویسندگان متوجه یکی از عوامل چکیده تفاله جنگ عناصر مفتخوار تاریک فکر بنام "روشنفکران" در کشورهای غربی می‌باشد، عده از این عناصر تفاله گردانندگان صفحات نشراتی وب سبتهای بنام نشراتی بنام "آزاد" و نویسندگان آن مشخص همفکر ایشان هستند. عده از این وب سبتهای بنام نشراتی "آزاد" به گونه فریبنده اطلاعات را برای استخبارات جمع آوری مینمایند و در عین زمان عقده پرانی های سیاسی خود را نیز پخش می‌کنند. هرگاه نویسندگان آزاد مطالب مستند را بر اساس اسناد بنویسند، که دروغها و توطیه دشمنان میهن را افشا میکنند، اولاً چنین مقالات مستند را به بهانه های مختلف نشر نمی‌کنند. هرگاه نشر هم بکنند، گروهی از بلی گویان و دشنام دهندگان خود را در جنب وب سبتهای خویش دارند، که دفعاً علیه نویسندگان اسناد مستند هرگونه اتهام و دشنام را سر میدهند. هرگاه هموطنان عزیز ما اسناد خواسته باشند، برایم اطلاع بدهند تا اسناد خدمت ایشان تقدیم نمایم.

جناب اختر محمد و یا محمد اختر یوسفی:

احتراماً عرض میشود که ما تا به حال حیثیت شما را به حیث یک هموطن حفظ نموده و به آن احترام قایل استیم. لطفاً کار را به آنجا نرسانید که علت عدم نشر مضامین تان را ماده وار در محضر عام بگشانیم. ادا و اطوار دوگماتیک شما مغایر اصول دیموکراتیک آزادی بیان است. نشر مضامین حق ناشر است و امتیازی است به شما به حیث یک نویسنده و اشتراک کننده نه خلاف آن، چنانکه شما اوامر صادر می فرمائید.

اسم: حمید کمان محل سکونت: کانادا تاریخ: 31.12.2020

جناب محترم صلاح الدین سعیدی!

سلام بر شما.

راست بگوئید در تحت این اصطلاح نخبگان و پیشنوازان چه کمیت از کسانرا می شناسید که در خارج از محافل جوانب درگیر در کشور بد روز ما، موجود باشند و از جانب دیگر با چه اطمینان می توانید بگوئید که درین حلقات کسی نظرات این نخبگان شما را بشنود. با احترام، کمان

اسم: Dr. Salah Sayedi محل سکونت: انگلستان تاریخ: 31.12.2020

سلام در جستجوی یک نظام مؤثر برای افغانستان

به نخبگان و پیشنوازان جامعه است که مانند این تحقیقات را به با منطق آن در اختیار ملت جهت انتخاب راه درست پیش کش نموده و ادای رسالت کنند که تلاش بس بجا و درست است. اما مذاکرات سیاسی نباید به این مسایل معطل و متمرکز شود. دوحزب وسازمان سیاسی و حلقات سیاسی اگر ائتلاف و اتحاد و پلاتفورم مشترک میخوانند میتوانند براین مسایل برای برنامهء مشترک برای مبارزه کار کنند و لی ارزش طالب با جمهوری قرار اظهارات شان در تقابل است که درین چوکات مذاکره بر سر ارزش ها اول از صلاحیت ایشان نیست و این دو جانب کل نتیج سیاسی نیستند و تلاش برای اینکه ایشان کل نتیج سیاسی و عوض ملت تسمیم میگیرند کی تلاش خطاء نادرست و اغیر معقول است و مارا از نتایج مثبت مذاکرات سیاسی مأیوس میسازد.

تشکر

اسم: A. Halim Hakimi محل سکونت: USA تاریخ: 31.12.2020

Thank you Abbasi Sahib,

I have been noticing for some time now that some of us are inserting our own personal feelings in lieu of facts while analyzing matters and/or political affairs. A current good example of such would be a printed article courtesy of highly educated Dr. Mojaddidi preaching religion based fault-line credit, finding cure for COVID-19. Quite likely and hopefully by now the head personality of Afghan German Online realized that the websites similarity emotion throw he launched earlier, will not be able to fly very far.

اسم: عارف عباسی محل سکونت: کالیفورنیا تاریخ: 30.12.2020

جناب محترم حکیمی صاحب!

گرچه پاسخ گفتن و حتی مورد توجه قرار دادن چنین اتهامات بی اساس صیاع وقت است، ولی در واقعیت این تهمت بستن های بی معنی مظهر جهالت در امور تکنولوجی است بالاخص که ساخته و پرداخته مغز متفکر به نام انجنیر باشد.

کدام کورد مخصوص که اختراع هیئت تخنیکی افغان جرمن آنلاین بوده باشد و به حیث ملکیت تخنیکی شان در کدام مرجع ثبت شده باشد اصلاً وجود نداشته و ندارد که سرقت و یا کاپی آن غیر قانونی و قابل مواخذه است. امروز وسعت قلمرو تکنولوجی برای اشخاص انفرادی زمینه آن را فراهم ساخته که با استفاده از امکانات و وسایل و تطبیق طرز العمل های مشخص برای خود Blog یا Website ایجاد کنند. اگر سرقت و خلاف رفتاری قانونی می بود شخص دانا و اهل فنی چون آقای فرید فهیم چنین گناه را مرتکب نمی شد مگر این که آقای نوری رشوه گزافی برای شان داده باشد.

اما در افغان جرمن آنلاین به روی عقده، دشمنی و دردمخرش سوزشناک کاری کرد که در قوانین و مقررات جهان اطلاعاتی نا جایز و خلاف قانون است و آن حبس نمودن و برداشتن پدیده های قلمی چندین ساله نویسندگان است از آرشیف افغان جرمن که در حقیقت ضبط و غصب دارایی معنوی یک نشریه است که باید فارغ از دشمنی و عقده های شخصی درج آرشیف باقی می ماند. بیرون شدن چه بلکه فوت یک همکار نباید باعث حذف آثارش از آرشیف گردد.

آریانا افغانستان آنلاین متواضعانه در فضای دوستانه و مسالمت آمیز بدون پروراندن اندک ترین دشمنی و حسادتی با افغان جرمن مصروف کار خود است ولی گاه و بیگاهی از آن سو تحقیر، توهین و ناسزا می شنود.

اسم: محمد حسن وفا محل سکونت: کندهار تاریخ: 30.12.2020

جناب داکتر مجددی!

محصول کار و زحمت هر انسان در ساحه علم اگر به موفقیت می انجامد که در حیات انسان مفید واقع گردد، قابل تقدیر هم بوده می تواند. اما محصول کار علمی هیچ نوع رابطی به دین ندارد. شما ممکن از "جهان اسلام" و "جهان عرب" حرف بزنید، این اختیار شماست، که چه

احساس می کنید. اما انسان های معقول یک جهان را می شناسند، که اجتماعات مختلف در یک جهان زندگی می کنند. علم را هر کس که خواهد می تواند فرا گیرد، بدون اینکه با عقیده دینی او ربط داشته باشد. با احترام وفا

اسم: Akhtar Yusufi محل سکونت: Fair fax VA تاریخ: 30.12.2020

گرداندگان محترم آریانا افغانستان!

من نوشته هجوم قوای شوروی در افغانستان را مجدداً بر اساس اسناد موثق نشر شده منابع معتبر بین المللی اصلاح نمودم و غرض نشر بشما دوباره فرستاده ام، اما تا هنوز نشر نشده است. جلوگیری از نشر نظریات دیگران در کار اطلاعات جمعی کار نادرست است، نظرات دیگران را هم نشر کنید تا خوانندگان قضاوت کنند.

امروز صبح صفحه آریانا افغانستان را باز نمودم چه **** ها و مقالات دیگر نیست که شما آنها را نشر کرده بودید.

قابل خنده و هم قابل گریه است که **** ها را نشر میکنید، مگر مقالات سیاسی بحث روز را نشر نمی کنید؟

دیدم مقاله محترم شعبی مجددی را راجع کوید 19 را هم نشر نموده اید.

آیا در مرض کوید 19 هم نوع ویروس مسلمان و غیر مسلمان وجود دارد؟

آیا در طبیعت مسلمانان و پیروان دیگر ادیان از هم جدا زندگی میکنند؟

در کره زمین و طبیعت موجود، انسانها مسلمان و پیروان دیگر ادیان یکجا زندگی میکنند، امراض در طبیعت وجود دارد که بالای ساختمان موجودات زنده و انسانهای مسلمان و پیروان دیگر ادیان اثر گذار است. امراض و منجمله مرض کوید 19 نوع ویروس آن نوع مسلمان و نوع غیر مسلمان را تشخیص داده نمی توانند. تداوی و ادویه امراض نیز منجمله مرض کوید 19 مربوط به علم ساینس است. علم ساینس برای مسلمان و پیروان دیگر ادیان جدا وجود ندارد. ضیوالحق پاکستانی برای ساخت بم اتم "اسلامی" از یهود هم پول جمع کرده بود، بر اساس صبغه دشمنی با پیروان دیگر ادیان بم اتم "اسلامی" را ساخته است.

آیا یورانیوم که از آن بم اتم ساخته می شود نوع مسلمان و غیر مسلمان دارد؟

آیا تولید بم اتم "اسلامی" و بم های اتمی دیگر که بدست انسانهای غیر مسلمان ساخته می شود فرق دارد. بیست و هشت قبل روحانی بزرگ حضرت صبغت الله مجددی تهداب دولت افغانستان را گذاشته است. در طی سه دهه حکومت متعدد در افغانستان بنام "اسلام" جویهای خون مردم بیگناه افغانستان را جاری نگهداشته است، همه مردم پاکدل مسلمان را بیرحمانه می کشند.

به لحاظ خدا تقسیم علم ساینس انسانها را بر اساس عقاید شان مانند پاکستانیها را بس کنید. این نوع طرز دید علم نیست، خداوند انسانهای مسلمان و پیروان دیگر ادیان را یکسان خلق نموده است.

تشکر.

اسم: A. Halim Hakimi محل سکونت: USA تاریخ: 30.12.2020

جناب ولی احمد نوری ... و "

با سرقت کد های «پورتال افغان جرمن»، به کمک دوست بسیار نزدیکم «انجیر فرید فهیم» و بسایت مشابه را به نام «آریانا افغانستان آنلاین» ایجاد کردند که از دیدگاه "حقوقی بدان یک «سرقت معنوی» گویند.

There are numerous very-similar and uniform business and media related websites all over the world and it is quite normal to build on the successes of others as long as copy right and other legally binding laws are not violated. As an example Microsoft and Apple followed an exact similar path and while both were verbally accusing each other of thievery, none was legally bounded breaking any laws.

Unless the principals of Ariana Afghanistan Online used the said access code/s transferring already saved authors archives within Afghan German Online database, such strong accusation based on similarity of both website is toothless. That said, admire Eng. Kabir deviation from Afghans not so good cultural tradition keeping animosity mostly permanent.

اسم: مشعل خواجه محل سکونت: کابل تاریخ: 30.12.2020

در روز سوم حوت بعد از تجاوز شوروی، این لعنت شده برادر زاده تره کی قاتل و خلقی در قسمت مکتب ثانوی در سرای غزنی با خادیسث ها سنگر گرفته بود و بالای مظاهره کننده گان فیر می کردند. این چیزی بود که من به چشم خود دیدم و چندین نفر از مردم مظلوم هزاره در مقابل چشمان من به زمین افتیدن. فردا امروز از پسر کاکای خودیک خلقی که فعلاً "جنرال شده پرسیدم که این فیر ها از کجا می شد؟ جوابش به افتخار این بود که دو برادر زاده تره کی بود که در قسمت مکتب ثانوی سنگر گرفته بودند

اسم: محمد داود مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 29.12.2020

معذرت خواهی قیس جان کبیر

شاغلی قیس جان کبیر تحت عنوان «دلایل شخصی در جدال های دو ویب سایت افغانی» مطالبی به ارتباط نقاضت ها و سوء تفاهات میان زعامت سایت آریانا و افغان جرمن نگاشته اندو طوریکه از عنوان مقاله شان مستفید میگردد، این کشیدگی ها بصورت اعم جنبه شخصی داشته است.

در ضمن مقاله فوق الذکر قیس جان کبیر وانمود میسازد که اگر وی شیوه درست نوشتن را در زبان دری از محترم نوری آموخته است(زیرا وی در سنین کم به جرمنی آمده است)، وی نیز به نوبه خود محترم نوری صاحب را در قسمت استعمال تکنالوژی جدید آشنا ساخته است. محترم قیس جان بصورت عام برای بار اول از تمام نواتی که ممکن در نتیجه اهانت های منتشره در سایت افغان جرمن متاثری شده و مورد هتک حرمت قرار گرفته باشند معذرت خواسته و لی بصورت اخص از استاد نوری و استاد معروفی معذرت خواهی نموده اند، که به نظر نگارنده این سطور کاری است نجیبانه.

شاغلی قیس جان کبیر ادامه میدهند: در اخیر قسمی که اطلاع پیدا کرده ام، نوری صاحب مسئولیت ویب سایت آریانا افغانستان را به دوش

انجنیر صاحب سیدال هومان واگذار کردند، این اقدام نیک را من هم تعقیب میکنم و مسئولیت سایت افغان جرمن را به دوستان بسیار عزیز خود محترم رحمن غوربندی، محترم پوهندوی آصف بهاند و محترم نبیل عزیزی واگذار میکنم.

از اعتراف محترم قیس جان کبیر معلوم میگردد که نوری صاحب تا هنوز هم حیثیت «رول مدل» را برایش دارد. امیدوارم این معذرت خواهی مورد قبول استاد نوری و استاد معروفی قرار گرفته و حیثیت بهار نو و فصل جدیدی را در مناسبات دو سایت فوق الذکر داشته باشد.

این جانب در حالیکه به نوبه خود مسئولیت پیشبرد امور سایت افغان جرمن را به ذوات محترم سه گانه فوق الذکر تبریک گفته و آرزومندی موفقیت شان را میمانیم، در عین زمان امیدوارم ذوات محترم، لوث و لجن اتهامات، توهین ها، دشنام ها و آبرو ریزی های یک عده هتاکان را بخصوص در قسمت دریچه، برای دائم پاک سازند.

در ضمن گله های فراوان از محترم قیس جان کبیر در یک مورد از ایشان مشکورم که بر خورد شان با این جانب برخلاف یک عده هتاکان و پاچه گیران آن سایت، همیشه مهربانه و نجیبانه بوده است، پیروزی و موفقیت های مزید خود را از زمره تمنیات و آرزو هایم بشمرم.

مننه

اسم: محمد عالم محل سکونت: کانادا تاریخ: 28.12.2020
معروفی صاحب محترم باز سلام عرض می کنم!

نهایت ممنونم از شما، که به چند سطر کوتاه تذکر محمد عالم توجه نموده اید و تبصره شما خیلی آموزنده است. شما واقف هستید که در جنگ دوم جهانی، که پادشاهی افغانستان در جنگ موفق بی طرفی اتخاذ نموده بود، "رژیم هیتلر"، افراد "حزب نازی" را در بخش استخبارات زیر پوشش "مأمور" سفارت فرستاده بودند. وقتی دولت افغانستان کشف می کند، رژیم پادشاهی از مجراهای رسمی، مانع فعالیت آنها می گردد. درین مصاحبه وقتی "نجفی" در رابطه با دیدار شخص نظامی امنیتی که به دیدار والی بامیان می رود سوال می کند و می گوید که، والی در انتظار شخص "معاون سفیر" بوده است. اگر چنین بوده باشد، ازین رسوائی خجالت آور دیگر نمی شود تصور کرد. آیا والی هم مأمور تقرر یافته دولت ایران بوده است؟... ما آزادی بیان داریم، اما امنیت جان برای همه ژورنالیستان نداریم. ژورنالیست فراموش ناشدنی سیاوش را فقط به نمایندگی یاد می کنیم با احترام، محمد عالم.

اسم: Dr. Salah Sayedi محل سکونت: انگلستان تاریخ: 28.12.2020
سلام خدمت شما يك شعر سمیع البین افغانی که توسط طاهر شباب خوانده شده تقدیم است.

<https://youtu.be/URZFBbhx4m0>

لینک مرتبط...

اسم: خلیل الله معروفی محل سکونت: المان تاریخ: 28.12.2020
چه خوب شد، که تذکر رفت!!!

ممنونم و بسیار زیاد متشکر، که به اثر یادآوری دلسوزانه ام، عنوان کلیپ مصاحبه تلویزیون طلوع با "داکتر جواد ظریف"، در صفحه "آریانا افغانستان آنلاین" تصحیح گردید. چه خوب میشد، که اداره محترم "آریانا افغانستان آنلاین" به اشتباه خود تن میداد و میگفت، که واقعاً چنین اشتباهی رخ داده است!!!

نفس مصاحبه را میتوان از دو دیدگاه مطالعه کرد؛ یکی دیدگاه افغانان و دیگر دیدگاه برادران ایرانی. تا جائی، که نشرات انترنتی این طرف و آن طرف را از نظر گذرانده ام، درین مورد دو نظر متفاوت و بلکه متضاد به مشاهده میرسد:

- دیدگاه افغانان درین خصوص چندان مثبت نیست و چنان، که وطندار عزیز ما آقای "عالم جان" ضمن تبصره خود فرموده است، این مصاحبه مثل این بود، که "جواد ظریف" با "جواد ظریف" مصاحبه کرده باشد. این وطندار گرامی به مانند بسا وطنداران دیگر ما توقع داشت، که آقای "لطف الله نجفی زاده" باید صریحتر پیش رفته و وزیر خارجه ایران را "سوال پیچ" میکرد و مات میساخت. البته هموطنان ما با توجه به از ادبیهای نسبی بیان در افغانستان و شناخت از شیوه برخورد مصاحبه کننده، توقع داشتند، که نباید به وزیر خارجه ایران مجال تبلیغات به نفع رژیم اسلامی ایران داده میشد!!!

- از طرف دیگر دید و دیدگاه ناظران ایرانی را در سراسر دنیا میبینم، که ازین مصاحبه بسیار خوشنود هستند و بر جرأت و حرفه ئی بودن آقای "نجفی زاده" آفرین فرستاده اند. ایشان حسرت آن را میخورند، که در کشور خودشان نه آزادی بیان وجود دارد و نه کسی از ژورنالیستان جرأت و مجال طرح چنین سوالها را پیدا کرده میتواند. ایشان بدین نظرند، که وزیر خارجه کشورشان ضمن این مصاحبه به "تته پته" - یعنی به "وارخطائی" - افتاده و معروض با "آچمز" شده است؛ یعنی چیزی نظیر "کشت و مات".

بله؛ اکثریت مطلق ایرانیان واقعبین جرأت و شهامت آقای "نجفی زاده" را ستوده و حسرت میخورند، که در کشور خودشان چنین امری اصلاً ممکن نیست، چون دران سامان، نه آزادی بیان وجود دارد و نه کدام کادر فنی و حرفه یی و ورزیده ای در سطح ژورنالیستان افغانستان. البته منسوبان دولت ایران نظر دیگر دارند، که خط و حسابشان کاملاً علیحده است و مورد نظر واقعیبینان هم بوده نمیتواند!!!

اسم: Dr. Salah Sayedi محل سکونت: انگلستان تاریخ: 28.12.2020
سلام واحترامات تقدیم است

خوشا به حال آنکه میداند که خواننده امروز چشم، گوش، بصیرت، عقل، و امکانان گرفتن مطالب از منابع مختلف دارد و میتواند جو، گندم، سیاه دانه، جودر، و سنگ چل در بین گندم، سیاه، سفید، خاکستری، تلاش فریب دیگران را با روشنی لازم تفکیک کند. لذا خواهش من چنین خواهد بود که این حقایق را همگانی سازیم و بدانیم که مردم روی ورق، پشت ورق و وسط سطر های با بصیرت الهی و توانایی های فکری آموزی میتوانند بخوانند و درک کنند. لذا آنچه باید نوشت و گفت که غیر از خود ما دیگران هم آنرا قبول کرده بتوانند و سخن منطق و قوت

منطقی داشته باشد. اگر این مشخصات منطق و قوت منطق و مستند را داشت ضرور نیست همه قبول کنند ولی اکثریت قاطع قبول دارند و این اصل گپ است. گفتم، میشنوم، یا قبول میکنیم و یا نمیکنیم و به پیش میرویم. اگر کار را به همین جهت استقامت دادیم، خواننده، نویسنده و اداره میدیا درین استقامت حرکت کرد، راه خود را یافته ایم. من باور داریم که این را کرده میتوانیم و درین استقامت باید کار متداوم کرد.

با استفاده از فرصت از نوشته جناب ستانیزی در مورد نظام فدرالی در شرایط افغانستان به جز تجزیه نتیجه و دست آورد بزرگ دیگر نه خواهد داشت، نوشته قابل تمجید است. دروغ برانگی های عده درین راستا تا مردم به فدرالی باورمند سازند قبل از همه خجالت آور برای دروغ برانگی معذور و یا مذکور است، قرار معلومات مؤثق تیزس علمی سخنگوی اردوی پاکستان نظام فدرالی برای افغانستان که در امریکا از آن دفاع کرد و این زمزمه ها عده از ستمی ها و فتنه جویان قومی و ستمی به صورت وسیع با امکانات منابع مادی و معنوی پاکستان و ایران و بخش از شئونیهای آسیای میانه و با عده از مریضان فکری و خابین به وطن زمزمه و برای آن امکانات وسیع را به کار برده اند و برای آن کار وسیع پلان شده دارند که برماست تا چنین معذوران و یا مزدوران را به تمام قوت افشاء و تجرید کرد.

فدرالی در شرایط ما مساوی به تجزیه و نابودی افغانستان است. مشکلات و کاستی های موجود در نظام راههای حل دیگر دارد و نظام فدرالی متضمن حل مشکلات موجود در حاکمیت نیست.

اسم: محمد عالم **محل سکونت:** کانادا **تاریخ:** 27.12.2020
معروفی صاحب سلام!

در دید اول جمله در مورد مصاحبه شما درست فهمیده اید. اما وقتی اگر ترتیب سوالات و اینکه تا چه اندازه برای جواد ظریف، فرصت مساعد گردیده است، تا برای دولت خود تبلیغ کند و ژورنالیست تلاش ننموده است، تا از دروغ ها و گریزها مانع شود، می توان چنین قبول کرد که بطور فرضی یک "جواد ظریف" با یک "جواد ظریف" دیگر که وزیر خارجه ایران است، مصاحبه انجام داده است... بااحترام، محمد عالم.

اسم: خلیل الله معروفی **محل سکونت:** المان **تاریخ:** 27.12.2020

خندیدم و خندیدم

تا پیش شما آیم

رقصیدم و رقصیدم

در کتب قدیم صنف اول مکاتب، این شعر مرحوم "آصف مائل" درج شده بود:

«من آب روان هستم، من راحت جان هستم،

پائین شوم از کوهها، پیچیده و غلتیده

تا پیش شما آیم؛ رقصیده و رقصیده.»

و اگر مزاق و مزاح و به اصطلاح غلط، "شوخی!!!"، را یک طرف بگذاریم:

تصادفاً چشم به عنوان کلیپ مصاحبه "داکتر محمد جواد ظریف" در صفحه "آریانا افغانستان آنلاین" افتاد، دیدم نوشته اند:

«مصاحبه جواد ظریف با وزیر خارجه ایران»

حیران و "هک و پک" ماندم، که چطور ممکن بود، "جواد ظریف" با وزیر خارجه ایران؛ یعنی با "جواد ظریف" مصاحبه کرده باشد؟؟؟

نمیدانم، که متصدی "نوکرپوال" ولی محترم و گرامی و ارجمند و عزیز دل این قسمت صفحه "آریانا افغانستان آنلاین" در خواب "ناز" بوده

است یا در بیداری؟؟؟

صبح مردان است و سر آن دارم، که با اولیای امور این وبسایت محبوب، کمی مزاق و خوشطبعی کنم.

روز همه ما و شما خوش و به آرزوی آن، که همینطور اشتباهات را ببینیم و بخندیم و بخندیم و بخندیم!!!

والسلام علی من التبع الهدی

اسم: محمد داؤد مومند **محل سکونت:** متحده ایالات **تاریخ:** 27.12.2020

محقق ارجمند شاعلی احسان خان لمر

باور بفرمائید که من بسیاری مضامین افغان جرمن را مطالعه نمیکنم و با پیروی از شاعلی سدید، به خواندن عناوین و نام های نویسندگان

اکتفاء مینمایم، ولی مضامین شما و یک عده نوات محترم دیگر را همواره از نظر میگذرانم.

دو نوشته اخیر تان را در مورد استاد برشنا که مرحومی را در منزل مرحوم غلام محمد خان فرهاد ملاقات نموده بودم و هم چنان مضمون

دانشمند کم نظیر کشور شهید راه آزادی پوهاند داکتر بهاء الدین مجروح را «مرحومی را استبشمنت پاکستان و جهادی های قلاده به گردنش به

خاطری کشند که به یک رای گیری نمونه وی یا استصواب رای در کمپ های مهاجرین افغان پرداخت که در نتیجه آن اکثریت به اتفاق آراء

مردم به زعامت پادشاه محبوب القلوب اسبق کشور یعنی جنت مکان اعلیحضرت محمد ظاهرشاه رای دادند نه به لیدران قلاده به گردن

پاکستان» در مورد فخر زمین نابغه ای روزگار علامه سید جمال الدین افغان که البته دوام دارد، خیلی جالب یافتم.

تکرار احسن میدانم که یک بار دیگر تقاضا نمایم تا نظر فاضلان خود را در مورد کتاب (جفای بزرگ) به قلم شاعلی محترم داؤد ملکیار،

بدست نشر بسپارید.

افغان جرمن به اصطلاح عوام (قر) زد و مضمون مرا در مورد کتاب جفای بزرگ نشر نمود، دیده شود که نظر عالمانه شما را نشر میکند و

یا نه؟

یک مطلب دیگر که مرا در موقف بیطرفی جناب شما در میان مشاجرات افغان جرمن و داکتر صاحب روستار تره کی، مغشوش ساخت سؤال

مطروحه شما عنوانی داکتر صاحب تره کی است، که الزاماتی مبنی بر اخذ یک مقدار پول بر افغان جرمن به عمل آورده است، اگر جناب شما

مخالفت خود را با نظر استاد تره کی در مورد عقیده شان در مورد مقاومت ملی، ابراز داشته و به استدلال میپرداختید برایم کاملاً موجه به

نظر میرسید، زیرا نشرات افغان جرمن را در ارتباط قضیه کودتای میوندوال و الاحضرت سردار صاحب بیطرفانه نمیبینم، در حالیکه در

گذشته جناب شما از شخصیت مرحومی به دفاع پرداخته اید.

مطلب آخری که میخواهم خدمت تان به عرض برسانم این است که قبل از کودتای ثور حکومت ملی افغانستان طبق ارشادات علامه طرزی و

وصایای غازی امان الله در قسمت تعمیم زبان اکثریتی ملتی پشتو سعی نمود که یک عده اصطلاحات این زبان در جامعه افغانی عمومیت پیدا

کند، یکی از این اصطلاحات هم استعمال کلمه «میرمن» برای میرمن های کشور بود، مثلاً میرمن پروین، میرمن قمر گل و غیره، متأسفانه

جناب شما این اصطلاحات افغان شمول را به کلمه «خانم» تبدیل نموده اید که نا مانوس به نظر میرسد، این جانب دلیل حساسیت شما را با استعمال اصطلاحات ترویج شده زنان مذکور، در زبان دری فهمیده نتوانستم. امیدوارم تذکرات دوستانه فوق الذکر موجب کدورت خاطر مبارک تان نگردد. په درناوی

اسم: محمد داود مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 26.12.2020
د قیس جان د بچه خاله ټیټانه

ده په خپل «ډیرانی» سایت کی، افغان جرمن د (پرچمی زاده سایت) په نامه تورن کر. اوس گورو چی په ډیره «گردن پتی» او ټیټانی سره د پرچمی زاده سایت ته محتاج شوی دی. بی ایمانی او بی پرنسیپی له دی نه زیاتیری. مور په خپله ملتی ژبه کی یوه وینا لرو چی:

(مړی خدای شرموی په تخته یی ... بهیری)
دلته د شاعر یوه کره وینا هم ذهن ته تداعی مومی او مصداق سخن گرخی:

خه بلا یی احتیاجه
چی سری کری *** مزاجه
مسلمان هندو روش کری
او هندو مسلم رواجه

اسم: حمید کمان محل سکونت: کاناډا تاریخ: 26.12.2020
جناب محترم رهیاب رحیمی!
عزتمند باشید.

هدف این نبوده است، که چرا در یک نوشته اشتباه و یا کمبودی وجود داشته است. در عمر بیش از چهل سال کم و بیش با کتب و نشرات اروپا و امریکا کمی آشنائی حاصل شده است. این مردمان وقتی کدام کتابی را جالب می یابند، نقاط خیلی مهم را به خواننده رونویس می کنند، تا دیگران هم از آن بهره ببرند. آنها با چنین کلماتی که چه خوب کتاب نوشته است، به عنوان تقدیر نمی نویسند. البته از جانب اتحادیه های معین مطابع کتب، برای ارج گذاری و ممکن برای تشویق و تقویت مادی کار نویسند را، ممکن به ارتباط فروش کتاب، جائزه بدهند. کمان می خواست، اشاره کند که تا چه وقت ما به توصیف ادامه می دهیم. بهتر می بود به جای اینکه با کلمات تقدیر کنیم و برای یکدیگر عالیقدر و عالی مقام و غیره بنویسیم و یا بگوئیم که چه خوب نوشته است، ممکن برای خواننده مفیدتر این باشد که برجسته سازد، که این خوب چه کیفیت داشته است. با احترام کمان

اسم: رهیاب رحیمی محل سکونت: کابل تاریخ: 26.12.2020
دوست عالیقدر آقای حمید کمان سلام بر شما.

می خواهم صادقانه اعتراف کنم که در فلسفه و دینیات نه چندان مطالعه دارم و نه هم علاقمندی بیش از اندازه. از ابراز نظر شما در مورد نوشته مختصرم که عنوانی آقای داود جان ملکیار نوشته ام زیاد چیزی دستگیری ام نکرد. همینقدر دانستم که خواسته اید بالای آن فی گرفته و یک چلیباگک روی آن بکشید.

می خواهم هدف خود را از آن نوشته خدمت تان واضح تر عرض کنم: در فرهنگ ما و در عقاید مردم ما که از زمان بدینا آمدن در رگ و خون و مغز ما خانه کرده همه بر این باور هستیم که بخاطر فرزند دارای اعمال بد و کردار ناروایش در جامعه، همیشه خودش و پدرش مورد دشنام قرار می گیرد و ارواح پدر و نیاکانش در قبر هم آرام نمی ماند. اینکه تاچه اندازه درست است یا نادرست به آن کاری ندارم.

بهمین ترتیب زمانی که کسی کارهای خوب و پرمفعت برای مردم و میهن خود انجام می دهد، مردم می گویند خداوند هفت پشتش را بیامرزد. اینکه خداوند می آمرزد و یا نه کی؟ چه می داند؟ اما معمول است. اینجانب هم به همین آرزومندی که مردم کشور ما با خواندن کتاب ارزشمند جناب ملکیار صاحب، می دانند که مرحوم میوندوال یک شخصیت کودتاچی، خودخواه و دشمن آرامش مردم نه بلکه یک شخص بی آزار، دلسوز، ملی و دارای اخلاق بلند انسانی و اجتماعی بوده. بناءً در حقت دعای خیر می کنند و ارواحش خشنود می گردد. به همین سادگی. هدف عمده از آن نوشته من سپاسگذاری از کار و زحمات آقای ملکیار بود نه بحث در مورد ارواح و عقاید آمرزش، که برسبیل عادت نوشتن آن یک امر عادیست.

اینهم ناگفته نماند که اگر ما بخوایم قلم انتقاد و خرده گیری برنوشته های دیگران برداریم باور کنید هیچکسی یافت نمی شود که در نوشته های خود خلایبی کوچک و یا عمده برجای نگذارد. از حسن نظر شما در مورد نویسندگی پر از معایب من باز هم سپاس. شما بسلامت باشید.

اسم: دوکتور غروال محل سکونت: وینا تاریخ: 26.12.2020

شاغلی دوکتور محمد عثمان تره کی ته سلامونه، پنجابی پاکستان د افغانستان تباھی لپاره د ۱۹۸۱ کال راپدی خوا د مقتدر مملکت (د انگلیس په حمایت) پلیتو هدفونو رسیدو لپاره دا کثیف مسولیت په اوږو اخیستی دی اوږدی لپاره ئی علاوه په ملیاردو ډالرونه هم مسلسل تر لاسه کری او هم دوام لری (لکه چی جوئی بایدن یو وخت واضح وویل چی امریکا ته پاکستان نسبت و افغانستان زیاتره معتمد تر او اهمیت لرونکی دی او خائین خلیزاد چی ځینو مالکو ته په منډو کبني دی دا یوازی د قاتلو طالبانو راوستلو لپاره تبلیغی شکل لری!!!! په ډیر افسوس سره می د تاسو خطرناکه مجمله نظریه ولوستله، اوس پوه شوم چی تاسو ولی ماهرانه د مصنوعی قاتلو طالبانو خوا نیولی دی او تاسی ولی ناراضه ملت د مصنوعی طالبانو لیکو کبني مدغم اعلانوی لکه چی هغه وخت د ملت مقاومت د شورویانو پر ضد د مصنوعی ایجاد شوو قاتلو تنظیمونو کبني مدغم تبلیغ کری شو، پس د ځینو علتنو له کبله پدی برخه کبني نور زیات بحث لازم نه وینم!!!!

اسم: عارف عباسی محل سکونت: کلیفورنیا تاریخ: 26.12.2020
جناب محترم نبیل عزیزی صاحب!

باید چنین تبادل افکار بین دوستان قدیم و دیرین موجود باشد.
در تبصره شما در مورد موقف آریانا افغانستان آنلاین پیرامون مشاجرات در سایت شما و جواب گفتن در وبسایت ماندگی سوء تفاهم رخ داده.

بعضاً نویسندگان محترم در مشاجره، مجامله و مناقشه ای در افغان جرمن آنلاین گیر می آیند ولی در صفحه آریانا افغانستان جواب می گویند و تبصره می کنند. ما حیران می مانیم که گپ از چه قرار است و خواهش ما این است که ما را در ابهام قرار ندهند و در جایی که پای شان گل آلود شده همان جا باید پای خود بشویند و یا این قصه را سرتاپا برای روشن شدن ذهن ما بازگو کنند که فلان شخصی در آن جا در حقم چنین جفا کرده.
ورنه درب هردو رسانه به روی همه هم وطن عزیز باز است و بعضی نویسندگان دو فیله می دوانند و در هر دو سایت عین مقاله را نشر می کنند که ممانعتی نیست.

اسم: غ.حضرت محل سکونت: سویدن تاریخ: 26.12.2020
سلام.

یاد آوری کوتاه به مناسبت روز سیای شش جدی.
شش جدی سال ۱۳۵۹ عبارت بود از :
جهش و زنده شدن و پندارِ غلطِ تحقق آروزهای دیرینه کرملین (آرزوهای به تاریکی و درازای شب های زمستانی ماه جدی).
در آنطرف میز کازینو:
شش جدی یعنی
مرحله آغازین تحقق فعال شدن تله به دام انداختن کرملین با انتظار شیرین و بهاری و طولانی شش دهه
زیبائی ! و شگفتی این بازی پلید در این بود که:
بتاریخ ۲۷ دسمبر سال ۱۹۷۹ هم (آنجا) و هم (آنجا) به شکرانه و افتخار احساس پیروزی های بزرگ ، جام و بسکی و ودکا با تولید صدا های (هورا) و (هیرا) سر کشیده شدند.
ده سال بعد جام ودکا از دستان لرزان برژنیف و اخلاف و مزدوران دون همت شان افتاد و شکسته شد

ولی
جام (آنطرف) در پهلوی لذت بخشی، مملو از شراب جفاها و بی اعتنائی ها و ادامه مستی ناشی از احساس مالکیت (جدی زده گان) شد.
اما

در این میان:

شیشه های ریز جام های شکسته شده کرملین نشینان پاها و دستان پاک افغان مظلوم را زخمی و خون آلود نمودند
و

محتویات جام های پر شده (میز نشینان ماهر و پیروز کازینو) داخل لوله عملیه کیمیاوی خطرناک شده و با تصاعد دود های سمی، تمام
اعضای بدن افغان مظلوم را دچار آلام و سوزش های (ظاهراً) قطع ناپذیر نموده.

بنابراین

شش جدی

یعنی

جوش خوردن و جوش دادن و جوشیدن و جوشاندن لبه ها و عمق دیگ تاریخ و جغرافیای وطن عزیز ما و منطقه
و همچنان

دوشیدن (تئوریک و پراکتیکی) گاؤ خوابیده در زیر زمین جغرافیای ما (ثروت های بی پایان) و گرسنه و سرگردان نگهداشتن مالکین اصلی این ثروت در طول یک قرن اخیر.

اسم: نبیل عزیزی محل سکونت: آلمات تاریخ: 26.12.2020

جناب تره کی

بنده از آغاز فعالیت پورتال افغان جرمن آنلاین همکار و مسؤل بخش فرهنگی این سایت بوده و استم. آنچه شما من حیث یک حقوق دان در مورد اخذ پول از امنیت ملی و در خدمت آنها قرار داشتن پورتال افغان جرمن آنلاین می فرماید، باید ثبوت گردد تا ما هم آگاه شویم که مرتکب همچو یک خیانت کدام شخص گردیده است؟ در غیر آن شما مسائل حقوقی را بهتر میدانید که متهم بدون ثبوت، مجرم شمرده نمی شود که اگر ما از نگاه حقوقی با شما برخورد کنیم ۱۰۰ فیصد نتیجه به نفع پورتال خواهد بود.

چرا ما افغان ها موقعی که به گفته عوام در بحث ها جام ماندم شروع به کوبیدن، توهین نمودن و اتهام بستن می نمایم.
اقلاً اشخاص چیز فهم و تحصیل کرده نباید از جاده منطق بیرون شوند.

جناب تره کی! فردی که به دفاع از طالبان است به عبارت دیگر در خدمت سازمان جاسوسی پاکستان قرار دارد، که بدبختانه شما هم جز آن می باشید.

نوت: به ادرس مسوولان سایت آریانا افغانستان: شما چندی قبل در اعلامیه خویش ذکر نمودید که مشکلاتی که دوستان در دیگر سایت دارند آنجا باید حل و فصل گردد و شما مضمون شان را اینجا نشر نمی کنید. اما دیده میشود فرق بین گفتار و کردار است. با عرض حرمت

عزیزی صاحب گرامی، تشریف آوری تانرا خیر مقدم میگوئیم. مطلب تان فهمیده شد. ما نکفتیم که هیچ مهمانی را از افغان جرمن آنلاین نمی پذیریم ، هدف از آن یادداشت یا اعلامیه متوجه کسانی بود که به سویه کوچه و بازار مینویسند نه کسانی که با مراعات پالیسی نشراتی ما میخواهند داخل بحث و گفتگو گردند. ما ندانستیم که فرق بین کدام گفتار و کدام کردار ماست؟ اگر منظور تان مضمون جناب تره کی است ،

لطفاً به یادداشت منتشره ما در همین مورد در قسمت مقالات توجه فرمائید. نشر آن در نظر خواهی سهواً صورت گرفته بود که به اسرع وقت حذف گردید. از طرف دیگر مضمون متذکره از دو روز به این طرف در یکی دو سایت دیگر به نشر رسیده است که چیز پنهانی نیست.

اسم: Dr. Salah Sayedi محل سکونت: انگلستان تاریخ: 25.12.2020

سلام فهم من از میدیا و وسایل اطلاعات جمعی منعکس کننده بیطرف آنچه در جامعه است، رسالت پیغام و صدای مردم و ملت، اقشار مختلف جامعه و تنویر. درین میان زمانیکه که بیطرف گفتیم طرف ما معلوم است و ان طرف ملت و منافع ملی کشور است. لذا این گیرودار های افغان جرمن و به نام افغان جرمن و آریانا افغانستان آنلاین را چندان خوش آیند نمی بینم. کی کی را خرید و کی کی را فروخت و سند این کجاست و چه توجیهات وجود دارد کار بسیار دشوار است. اما سند متناسب که من را قناعت بدهد برای من مهم خواهد بود که قبل از اتهامات کسی مستند بیاورد که نوشته و فکر و طرح و نامه و مضمون من بخاطر چنین و چنان نشر نه شد و یا سانسور شد. من که تعقیب دارم من کدام سانسور درین راستا نه دیدم و مضامین نشر شده منعکس کننده نظریات مختلف جامعه است.

به هر صورت برای تنویر متقابل کار میکنیم و الله تعالی کند که راه خود را بیابیم و در خدمت حق و مردم خود قرار گیریم و ادای رسالت کنیم.

تشکر

اسم: Dr. Salah Sayedi محل سکونت: انگلستان تاریخ: 25.12.2020

امتان و دعای خیر!

به نام الله تعالی

نن د جمعی ورخ ده: اللهم صل علی محمد و علی ال محمد کما صلیت علی ابراهیم و علی ال ابراهیم انک حمید مجید.

تاسی خبر یاست چی سمیع الدین افغانی د اوردی ناروغی له کبله په 22/12/2020 په حق ورسېد او د تمامو محدودیتو او عمومی رخصتیوسره د الله ج په مرسته په 12/2020/ 23 د لازمو اسلامی احکامو سره سم او جنازې روسته په اسلامی حضیره کې خاورو ته وسپارل شو. د تمامو دوستانو له دعاوو او حضور نه د شته محدودیتو سرسره مننه. الله تعالی دې تاسی ته اجر و نه درکړي..

نن ۲۵/۱۲/۲۰۲۰ د جمعی ورخ په افغانستان اروپا او د نړۍ د شمیر ښارو او جامع جوماتو او خانګرو ناستو کې د مرحوم سمیع الدین افغانی پسی په مختلفو د قرآن کریم په ختمو کې په افغانستان، لغمان، کابل، ناروی، فرانسه، سعودی عرب، جده، پاکستان، لندن، امریکا. اتلانتا، هالند، فرانسی، جرمني مساجدو او مختلفو نور ډله ایزو او انفرادی ناستو او سوسیال میدیا کې ختمونه او دعاوې شوي، صوتي او تصویری، لیکلي دوعا گانې او د همدردی پیغامونه مو ترلاسه کړي.

الله ج دې تاسو ټولو ته اجر و نه درکړي. په دې توګه د خان له خوا، د مرحوم سعید افغانی د کورنی لخوا اود مسلمان رور په توګه له تاسو ټولو نه بیا هم مننه او الله ج دې ستاسی دعاوې او همدردی قبولی کړي. الله ج مو په حسناتو کې حساب کړه او الله ج دې ستر اجر و نه درکړي..

د مسلمان رور په حق کې دعا او د ښیګڼو یادونه اودمغفرت غوښتنه او ددې ښیګڼو ځواب او مننه، مؤدب، اسلامي او ثوابي کار دی.

الله ج دې تاسی ته ستر اجر و نه درکړي او په دوعاو کې مو یاد ساتئ. د الله ج په یاد اوسئ.

مننه و جزاکم الله خیراً. د سمیع الدین افغانی روح دې ښاد او جنت فردوس دې نصیب شي.

منزل د ټولو بو دې خو سفر جدا جدا!!

تمام یادداشت های شما خواندیم، کاپی و حفظ کردیم و تا حق توان جواب و امتنایانیه ارایه شد و برای بزرگان فامیل ما نیز خبر داده شده. الله تعالی شما را نیز اجر عظیم نصیب کند و تشکر از شما همه عزیزان.

ربنا تقبل منا انک انت سمیع علیم.

د سعید افغانی د کورنی په استاخي توب

25/12/2020

اسم: م، ع، تره کی محل سکونت: فرانسه تاریخ: 25.12.2020

سلام او نیکی هیلې دوکتور غروال :

۱- د دینی مدارسو فارغان د پاکستان پوځ پیاده نظام جوړوي : چیرته چه پوځ د بین المللي الزاماتو له کبله مداخله کولې نشي، طالب العلمانو ته دنده سپاري. په افغانستان کې د شوروي یرغل نه وروسته کله چه د جهاد بازار مخ په گرمیدو و د ټولې نړي پام دینی مدرسو ته وارول شول. د مدارسو فارغان د مختلفو تنظیمونو د اعلانی شوي جهاد د قوت الظهر په توګه مطرح شول. په مدارسو کې د افغان کدوالو په جلب او جذب کې د پاکستان سره عربی او لویډیزو هیوادونو شریک و. پاکستان کوم چه تاسی ويلي یوازی نه و.

۲- هیڅکله مې ندې ويلي چه مقاومت منحصرأ د طالبانو په قبضه کې ده. د طالبانو په لیکو کې ګن شمیر داسی مسلمان افغانان شته چه د ملي جذباتو تر انگیزی لاندې د بهرنیانو سره جنگیروي. په کلیو او بانډو کې د بهرنیانو چوت اندازو بمباریو زیات کلیوال غچ اخیستنې ته اړ کړل. خو پرته د طالبانو د تحریک نه د بل سیاسي - عقیدوی جوړښت د نشتوالی له کبله ټولو جنگیالیو د طالبانو تر چتر لاندې راوستل شول.

۳- د طالبانو او اسلامي ګوند تر منځ د ائتلاف شایعه نوې خبره نده. پاکستان د امریکا سره په ګډه دغه پلان تنظیم کړي. پاکستان له دغه لاری په کابل کې د یو تحت الحمایه حکومت د جوړیدو خوبونه وینی. خو د افغانستان د ننه او د باندې واقعیتونو ته په کتو سره د پلان عملي بڼه کمزوري ښکاري.

۴- زه چه وینم متأسفانه د جګړې او سولې په اړه واک د افغانانو له لاسه وتلی ده. لامل یې هم د افغانانو تر منځ نفاق او شقاق دې چه د بهرنیانو له خوا ورباندې په شدت کار جریان لري. په دوحه کې مذاکرات تشریفاتې بڼه لري. پرېکړه په بل ځای کیږي.

لویدیزوال کوشش کوي چه د افغانستان قضیه، نه د افغانستان او افغانانو د پریکړو په محور، بلکې د نورو هیوادونو د مداخلې په حساب د حل لاره پیدا کړي: په سیمه او په ځانگړې توگه په پاکستان کې د خلیل زاد او د کابل د چارواکو مسافرتونه پدې نیت تر سره کيږي چه بهرنیان وهڅوي چه د افغانستان د «مال غنیمت» نه خپله ونده تر لاسه کړي. دا د خطر نه دکې پایلې لرلې شي: له یوې خوا د ستونزې د حلولو مرکزیت د افغانستان نه منحرف کيږي او د یو مرکزي ملي حکومت د جوړیدو مخه نیسي. له بلې خوا د گنشمیرو هیوادونو د مداخلې له لارې د افغانستان د توتو کیدو یعنی فدرالي کیدو زمینه برابریږي.

بهرنیان نه غواړي چه د افغانستان کنترول له لاسه ورکړي. بنأ د خپلو ټولو امکاناتو په کارولو سره په افغانستان کې د یو پیاوړې مرکزي، ملي حکومت د جوړیدو مخه نیسي. «پای»

م، ع، تره کي

اسم: محمد عالم محل سکونت: کانادا تاریخ: 25.12.2020
هموطنان عزیز!

حرف های دروغ و تبلیغاتی وزیر خارجه ایران، "ظریف" را بدون دقت نپذیرید. چه حرف بی معنی، که "افغان های مهاجر" را در ایرن "مهمان خود می داند". واقعیت های تلخ غیر از آنست. فقط یک نقطه را ذکر می کنیم که با کمال پر روئی می گوید که "افتخار داریم که افغانی ها در دانشگاه های" ما درس خوانده اند. اتباع خارجی در کشورهای همدیگر درس می خوانند. "ایرانی ها" هم چنان قریب در همه کشور های غربی بطور مثال تحصیل کرده اند و متأسفانه که رژیم ملاحا در ایران بسیاری از آنها را از برگشت به وطن آنها محروم ساخته است. حال سؤال است، که کدام رهبر غربی گفته باشد که "افتخار می کنیم که ایرانی ها در کشور ما تحصیل کرده اند". تحلیل دقیق ضرورت است، که این "راسیست" دروغگو چه گفته است. با احترام، محمد عالم.

اسم: Dr. Salah Sayedi محل سکونت: لندن تاریخ: 25.12.2020

سلطان جان کلیوال صاحب، سلام او احترامات و راندي کوم ستاسو له دو عاگانو نه د معزز رور سمیع الدین افغانی په حق کې مننه الله (ج) دې تاسې ته اجر و نه درکړي. ستاسې یادداشتونه او دو عاگانې مې د کورنۍ ټولو غړو ته ورسول مننه

اسم: جلال محل سکونت: جرمنی تاریخ: 25.12.2020

بسم الله الرحمن الرحيم
د مرحوم سمیع الدین افغانی د وفات له کبله، د هغه محترم مرحومی ټولې کورنۍ او دوستانو سره، خپل د زړه له کومې غمشریکې او تسلیت اظهاروم. الله تعالی ورته عفو و العافیة او جنت الفردوس ورپه برخه او د هغه محترم کورنۍ ته صبر جمیل او اجر عظیم ورنصیب کړی. و صلی الله علی خیر خلقه محمد و علی آله و صحبه و التابعین. آمین
انا لله و انا الیه راجعون
محمد داؤد جلال

اسم: حمید کمان محل سکونت: کانادا تاریخ: 25.12.2020

! جناب محترم رهیاب رحیمی
! سلام بر شما

استعداد نویسندگی شما قابل قدر است. اما برای همه مسلمانان همیشه بنابر عقیده دینی، و یک نوع آرزو ذکر می شود و دعا می شود، که "روح شاد باشد". اما اگر بگوئیم که "... در حقیقت ارواح میوندوال شهید را بیشتر خشنود و آرام ساختید..." با این حقیقت از کجا دست یافتید. امید است قبول ارزش های عقیدوی را از حقیقت احتمالی دست یافته عقل انسان و در عمل، فرق کنید. ما چه می دانیم که حدسیات ما تا چه قیمت حقیقت است و یا نه؟ با چنین یک تصور خطر وجود ندارد که کار انجام شده ما را بیش از حد قیمت بدهیم؟ ما در کدام نسل از توصیف های لفظی و عالیقدر و عالی مقام گفتن ها و هم در برابر زورمندان از سر خم کردن ها، فاصله خواهیم گرفت؟ هر فرد ما چه حق دارد که در باره باطن دیگران حرف بزند، در حالی که خود یک باطن ثابت خود را در تمام دوران زندگی نتواند تشخیص کند. دانشمندان تا اکنون دقیق نمی دانند که هدف زندگی در کائنات ما چه بوده است و پس از آن هم چه می شود. فقط بر اساس آرزو ممکن چشم امید به جنت داشته باشیم. موفق باشید. با احترام، حمید کمان

اسم: حنیف رهیاب رحیمی محل سکونت: کابل تاریخ: 25.12.2020

دوست عالیقدر و گرامی جناب داود جان ملکیار

باز هم بهترین تبریکاتم را بخاطر دستاورد تاریخی تان که از بابت نشر کتاب ارزشمند «جغای بزرگ» نصیب تان شده بشما و همه دوستان و اندیوالان تان تهنیت و مبارکباد می گویم.

شما با نوشتن این کتاب در حقیقت ارواح میوندوال شهید را بیشتر خشنود و آرام ساختید. زیرا او کسی بود که درد مردم و میهن را با رگ رگ جانش احساس کرده بود و اینک به همت شما و به همکاری کشورهای طرفدار دیموکراسی و انساندوستی، از یکسو مجرمین و قاتلین آن شخصیت معصوم افشاء و به سزای آنچه که مستحق هستند می رسند و از جانب دیگر سلسله پاره سرایی آن عده اشخاص که از روی تعصب و اغراض شخصی شان در رسانه ها علیه میوندوال مرحوم جفنگ پرانی می کردند پایان می یابد و دیگر کسی به آنها اهمیتی قابل نمی شود. خداوند شما را اجر دهد که منحصت فرزند صدیق این کشور و یکی از علمبرداران مکتب مترقی دیموکرات میوندوال شهید دین ملی و انسانی تانرا ادا کردید.
به امید پیروزی های بیشتر تان.

اسم: محمد بشیر دودیال محل سکونت: اروپا تاریخ: 25.12.2020
داکتر محمد بشیر دودیال،

دخو خوری مراتب

په دې توگه درانه ورور، بناغلی داکتر ص. سعیدی او د (افغانی) ټولې درنې کورنۍ ته د ارواښاد سمیع الدین افغانی د وفات له امله خپل د خواشینې مراتب او تاثرات وړاندې کوم. الله (ج) دی سمیع الدین افغانی ته فردوس جنت نصیب کړي او خدای پاک دی د ده ټولو متعلقینو ته صبر جمیل او اجر عظیم عنایت کړي. د خورې ورورې په احساس سره.
محمد بشیر دودیال

اسم: عارف عباسی محل سکونت: کلیفورنیا تاریخ: 24.12.2020

چرا فارو صاحبان محترم تقاب عدالت خواهی و احساسات بشر خواهانه به رخ دارند؟ چرا کتاب خون آلود جنایات جنگی حزب د.خ.ا. را ورق نمی زنند و تقاضای داد خواهی عادلانه را نمی کنند که مرتکبین این جنایات در قرب و جوار شان قرار دارد.

خانه بابه باز خواست گزان آسترالیا آباد که پرده از روی این جنایت برداشت.
متأسفانه انجمن شما از دادخواهی مظلومان افغانستان طفره رفته در حالی که اعضای تان از حقوق پامال شده مردم افغانستان آگاهی کامل دارند. آیا انجمن نام نهاد شما از مظلوم و جنایت وحشیانه اردوی سرخ و نوکران شان در طول ۱۴ سال باریختن خون ۱۸۰۰۰۰۰ انسان و ویرانی سرتاسری افغانستان، به حیث حقوق دانان!!! به کدام مرجع عالی قانونی اروپا اقامه دعوی کرده اید و نامه و یا راپوری نوشته اید. چرا با انتخاب چنین عناوین و القاب که در حقیقت اکثریت تان اعضای همان حزب بوده اید بر زخم های ما نمک و به چشم خاک می پاشید.

اسم: دوکتور غروال محل سکونت: وینا تاریخ: 24.12.2020

محترم دوکتور عثمان تره کی صاحب سلامونه ، د تاسو محترم مضمونونه لولم اما لا تر اوسه د تاسو له خوا ددی یاده ندی شوی چی پنجابی پاکستان ته د کوم مقتدر مملکت له خوا ددی اجازه ورکړی شوه چی د مهاجرینو کوچنی اولادونه په فریبي سره په مصنوعی دینی مدرسو کبني د ۱۹۸۱ کال شروع کبني په جبری توگه باید شامل کړی شی او ددی پروگرام لپاره ددی مقتدر مملکت له خوا څوک مؤظف شوی وو؟؟؟ په ۱۹۸۲ کال کبني دداسی مصنوعی دینی مدرسو پر ضد مستقیماً هم دی مقتدر مملکت ته او هم پنجابی پاکستان مسلسل اعتراضونه وشول اما مقتدر قدرت ددی اعتراضو په مقابل کبني دلیل وړاندی کاوه چی چیری شوروی یو مملکت ته داخل شوی وی نو بیا د هغه مملکت څخه دوباره ندی خارج شوی او مذهبی حلقی باید شوریانو ته دوامداره سردردی وی، ددی بی اساسه دلیل د افغان غیرتی ملت په برخه کبني واضحا ورغبرگه شوه چی تاسی لطفاً د خپل دوست مملکت انگلیس څخه معلومات تر لاسه کړی چی شوریان واقعاً په افغانستان کبني دوامداره پاتی کیدای شی ؟ نو وروسته به پوه شی چی افغانان په هیڅ ډول اجنبیان په خپله خاوره کبني نشی ځغملی ، بلی دا مقتدر مملکت د انگلیس په ملاتړ کاملاً مطمئن وو چی شوریان په افغانستان کبني نشی پاتی کیدای او وروسته له شوریانو باید پلانیز ایجاد شوی تنظیمونه او همدارنگه ددی ضمیمه سره طالبان هم وروزل شی تر څو راتلونکی کبني خپل خبیث پلان عملی کړی شی !

ولی تاسی محترم د واقعیتونو څخه سترگی پټوی ایا په ۱۹۹۵ کال کبني مرحوم جنرال عبدالولی وروسته له ډیرو هڅو پاکستان ته د کوم هدف لپاره تللی وو (دده سره محترم وزیري هم ملگری وو او هغه وروسته امریکا ته ولاړ) او دده څخه وروسته څه واقع شول ؟ د مرحوم جنرال تگ پاکستان ته اسان نه وو اود ډیرو مشکلاتو سره مخامخ وو اما بیا هم موفقیت تر لاسه شو او ممکنه شوه چی یو گروپ دافغانانو له خوا د قاتلینو تنظیمونو څخه سلاحگانی اخستلو لپاره جور شی اودا اقدام تر شپږو میاشتو پوری مثبت هم پر مخ ولاړ اما وروسته د مقتدر مملکت له خوا دا گروپ له مینځه یووړ شو او خائین خلیزاد تر رهبری د رانده طالب عمر گروپ رامخ ته کړ ! تاسی محترم په حیث د حقوق شناس ولی ملی مقاومت ددی تربیه شوو طالبانو باندی محدود کوی ، ملت د کابل تربیه شوو غلامانو او تربیه شوو طالبانو څخه نفرت لری او ددی سوال تاسو له خان څخه کړی چی ولی مقتدر مملکت په ۲۰۰۱ کال کبني ټول خپل غلامان د ملت پر اوږ و سپاره کړل ، وروسته قاتل گلبدین ئي هم ورته راوست او اوس طالبان هم ورسره یو ځای کولو کوشش کوی !!! ایا درک کړی مو دی چی مقتدر مملکت ولی دا ټول قاتلین سره یو ځای کوی او دی کبني ئي ددوی اخیری هدف څه دی؟ افغان ملت هم د شوریانو پر ضد راپورته شوی وو اما اجنبی قدرت د ملت مقاومت پر خپلو تربیه شوو تنظیمو محدود کړ او اوس هم ملت د کابل غلام دولت له خوا د تباهی سره مخامخ دی او ملت باندی ئي د کابل غلام حکومت او غلام طالبان خوشی کړی دی تر څو چی ملت تامی غلامی ته مجبور کړی ، دا چتل ارمان به دوی د ځانو سره گور ته یوسی
!!!!!!

اسم: محمد داود مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 24.12.2020

انحراف ثقافتی انجمن حقوق دانان افغان!! در اروپا
با کمال تأسف ملاحظه میگردد که انجمن فوق الذکر در تمام ابلاغیه های خود یک عمل ضد افغانی یعنی ضد ثقافت ملی را انجام میدهند، و آن ترویج اصطلاحات ایرانی و به دهل رقصیدن تهاجم فرهنگی ایران است.
تهاجم فرهنگی خطرناکتر از تهاجم نظامی است، زیرا اثرات تجاوز نظامی بعد از دفع تجاوز به زودی از بین رفته مضمحل میگردد، ولی اثرات تجاوز و تهاجم زبانی و فرهنگی و بخصوص با داشتن حکومت ضعیف و ناتوان و سرگردان و حکمرانی های ده سره در کشور، مانند درخت کهنسال ریشه میدواند.
این انجمن به اصطلاح حقوق دانان افغان، به حکم وجدان و شعور ملی، حقوق ثقافتی کشور و مردم خود را در نظر گرفته «از خود کش ایران پرور» نباشند.

این انجمن که ذهناً مسموم شده در یک جمله مینویسد: «بیمارستان پزشکان بدون مرز»

آیا اعضاء این انجمن که خود را افغان میدانند!! چرا در قسمت مقدسات ثقافتی مردم و جامعه خود، به این اندازه بی پروا و بی مسئولیت و غیر افغانی عمل میکنند؟

به قول علامه داکتر اقبال
... را هم به چوبش ده که آخر
حقی دارد به ... پالان گر او

اسم: A. Halim Hakimi محل سکونت: USA تاریخ: 23.12.2020

" بیست سال قبل بار اول در نوشته ها و مرکه ها از طالبان بنام مقاومت یاد کردم. صدای اعتراض بسیاری بلند شد. امروز وقتی امریکا حاضر شد با طالبان به مذاکره و موافقه بنشیند، به مقاومت بودن طالب مهر تائید گذاشت. از اشغال افغانستان حرف زد. ... امروز امریکا با درک واقعیت ها طالب را تروریست نمیشمارد و جنگ طالب علیه خود را قابل توجیه میداند. اما برخی افغان ها از همان موضع بیست سال قبل خود سر موئی بطرف واقعیت گرایش نشان نداده اند."

Wish I was able to enter Dr. Taraki's head to observe the interesting wiring system there: U.S. is a superpower, able to hold several playing balls in one hand, plus pick, drop and re-pick a few. Expressing your own feeling under the cover of assumption and present it longing to spread them as fact will not size it to real political events

ایکاش می توانستم داخل سر داکتر تره کی شده و سیم کشی جالب اش را مشاهده کرده بتوانم. امریکا زیر قدرتی است، قادر به گرفتن چندین توپ در یک دست، بر علاوه انتخاب، رها کردن و انتخاب مجدد چند تایی دیگر. بیان احساس خود را در لفافه فرضیات و ارائه و پخش آنها من حیث واقعیت، آن را به رویدادهای واقعی سیاسی برابر کرده نمیتوانند.

اسم: عارف عباسی محل سکونت: کالیفرنیا تاریخ: 23.12.2020

دردا و حسرتا که وطن در خون غلتیده و جان می کند و علائم فناء و انهدامش پیداست. و ما با خود در جنگیم و بر سر هم می کوبیم بیائید که طالب سازی پاکستان را درازنای تاریخ در سیاست های مشابه بپاییم.

هتلر مکتب تفوق پرستی و نژاد گرایی فاشیزم بکشود و مغز ها را سنجیده سیستماتیک و با شیوه ها و تحقیقات علمی شست و میلیون ها را در مکتب و فلسفه اش پیرو ساخت و جهان دگرگون و ویران کرد. لینی برخواست فرضیه غیر علمی و تخیلی مارکس را به زور توپ و توپ خانه ریختن خون ایجاد ارباب و استبداد پایه انقلاب دهشتناکی را گذاشت که ماحصلش محرومیت بشر از کلیه حقوق مدنی و طبیعی اش بود و بیش از بیست میلیون کشته و میلیون ها فراری و محبوس پیروانش دیوانه وار به اکاذیب دل بستند و قبول کردند و نظام میان مردم و واقعیت ها حائل غیر قابل عبور و نفوذ ایجاد کرد.

سلاطین عثمانی از ایتم ممالک متصرفه اروپایی قشون فرزند سلطان و صفوف جان نثاری ها آراست. پاکستان با سوء استفاده از احساسات انتقام جویی و حقارت شکست طالبان را تحت تربیه خاص مغز شویی قرار داده از ایشان لشکر و گروه جانور صفت، خون خوار ویران گر بی رحم بی عاطفه برای تعقیب سیاست ویرانی و بربادی افغانستان زیر نام جنگ با اشغال گر و مسلمان ساختن افغانستان به میدان گسیل داشت.

فهمیده، دانسته ما، استاد و داکتر حقوق ما با کمال تأسف و تعجب تحت تأثیر عواطف خون شریکی همه جنایات این گروه را در حق میلیون ها خواهر و برادر، خواهر زاده و برادر زاده اش از قوم خودش نا دیده گرفته این جریان مزدور و آلوده را "نهضت مقاومت مسلحانه ملی می خواند".

من از این قیل و قال کلکین مناظرات و این همه مشاجرات و منازعات بی حاصل، بی وقت و بی لزوم دلم سخت به تنگ آمده. ای هم وطن، ای قلم به دست وای چشم و چراغ جامعه با درک مسؤولیت ملی، همه جنجال ها را کنار بگذار و از تحقیر و توهین هم دیگر دست بردار. به حال میلیون ها فقیر و نادر، میلیون ها یتیم و بیوه زن و کشتار های وحشیانه روزمره نشانی شده و آینده و طنت بیندیش. شما مرجع امید و چراغ دالان تاریک بدبختی های این ملت برای رهایی از این حال رفت بار نا امید کننده آید.

اگر اضافه گویی کرده ام معذورم دارید، پیشنهاد است نه کلان کاری.

اسم: محمد اکبر یوسفی محل سکونت: آلمان تاریخ: 23.12.2020

جناب محترم صوفی نگارگر و متخصص کلمات!

در متن جواب اخیر این نویسنده گفته شد: " برای صوفی صاحب، از جانب نویسنده فقط اشاره شده بود که در تصامیم سیاسی توجه داشته باشند که با اعمال جنائی فرق می تواند داشته باشد. او نظرات سیاستمداران و فیلسوفان را ارزش نداده، فقط خصومت فردی خودش را تبارز داده است. با موصوف دیگر تبادل نظر مفید بنظر نمی رسد."

متأسفم که شما ممکن تا به حال تعریف یک "حزب سیاسی" و یا "جنبش سیاسی" را هم درست درک نکرده باشید. از جانب دیگر شما، در پوهنتون کابل، با امور آشنا بودید. می دانید که در هر کشور یک دفتر "ارزیابی اسناد تحصیلی" وجود دارد که بر طبق روابط کلتوری و فرهنگی رسمی بین دولت ها، مطابق نورم های قبول شده شناخته می شود. وقتی یک "تایتل اکادمیک" به کسی داده می شود، آن "تایتل" از حمایت قانون برخوردار است، کسی آنرا خود با نام خود پیوند داده نمی تواند. این به کس دیگر مربوط نیست و تشخیص شما یک نوع بی ادبی و توهین به مؤسسات علمی و حیثیت ارگان های دولت است. این "تایتل" هم در اجتماع برایش کدام موقف خاص نمی بخشد که در صورت انجام عمل جرمی او نسبت به شخص دیگری که "تایتل" ندارد، جزای کمتر داده شود. پس به زبان آوردن این کلمه از جانب شما، فقط می تواند، عقده های حقارت شما را تبارز دهد. بناءً حرف بر سر این نیست که یک کس چه تحصیل علم کرده و یا نکرده باشد. داکتر باشد و یا نه باشد. مسئله برین است که چه عمل انجام داده و یا چه گفته شده است. کرامت و شان و عزت انسانها مساوی است. اگر بطور نمونه، یک تحصیل یافته و غیر تحصیل یافته عین عمل را انجام دهد که دارای ماهیت جرمی باشد، حکم قاضی بر طبق قانون به ارتباط عمل

انجام شده صادر می گردد، نه اینکه عامل این عمل داکتر است و یا نه، در صورتی که حکومت قانون حاکم باشد. حال وقتی یک عمل مشخص بنابر تقسیم وظایف از جانب یک حزب، بسر می رسد، که شما در بخش تبلیغات تخریبی خود جا داده اید، در آنصورت اگر احیاناً تخلف مشخص از جانب کدام مجری مشخص در زمان و مکان معین صورت می گیرد، احزاب و یا دولت ها، مراجع جوابگوئی در رابطه با شناسائی شخص بوده می تواند. عمل شخص را محاکم ارزیابی میکند. یعنی این تشکل اجتماعی هم چنان باید اسناد لازم را در باره عمل جرمی فرد تهیه کند و در باره عضویت او در حزب هم، تصمیم بگیرد. محکومیت به "حزب نه"، بلکه به "فرد مجرم عمل"، مرتبط است. هر تخلف باید بر مبنای اسناد تشخیص شود، که وظیفه محاکم "نیوترال" است. این نویسنده داکتر حقوق نیست، اما چنین درک حد اقل را باید هر کس داشته باشد. مجرم زمانی مجرم شناخته شده می تواند، که یک محکمه حکم کرده باشد. من و شما در سنینی هستیم که باید از تعرض شخصی خودداری کنیم. کلماتی که شما بکار می برید، ناشی از عقده های حقارت شما شناخته شده می تواند و بخوبی محسوس است. صوفی صاحب، کدام "تایتل" نیست که استعمال آنرا کدام قانون تعریف کرده باشد و تشخیص کسی با این صفات ممنوع ساخته شده باشد. در جوامع عنعنوی ادای احترام است. توجه خوانندگان محترم را به ختم تعداد بی شمار نوشته های شما دعوت می کنیم، که ببینند، که یک مرید "ماؤ" در گذشته، که خوب می شناسند، حال چگونه تغییر عادت کرده است. « و هلا اعلم بالصواب »، « و هلا اعلم بالصواب »، « فاعتبروا یا اولی البصائر ».

صوفی نگارگر، بار دیگر تذکار می یابد که صحبت با شما مفید نیست. دشنام هر کس یاد دارد. این نوشته ها، جز موضوعات امتحانات علمی نبوده است. شما خواستید، تا تأیید ادعاهای تانرا با ذکر ادعاهای همفکران تان به عنوان ثبوت بفروشید. هر انسان حق تشخیص دارد. با احترام و ختم مکالمات بعدی با شما.

اسم: خلیل الله معروفی **محل سکونت:** المان **تاریخ:** 23.12.2020
جناب "استاد نگارگر" صاحب!!!

من گذشته سیاسی ندارم، که از آن نادم باشم. مرا در سال ۱۹۶۰ع به مجرد فارغ شدن از "لیسه حبیبیه"، به جبر و عنف و استبداد "سردار داوود" - دکتاتوری، که هم خود و خانواده خود را به باد فناء داد و هم مملکت را - در سلک عسکری کشیدند و در زمره یک گروپ هشتاد نفری به چکوسلوواکیا فرستادند، تا در رشته نظامی تحصیل بکنم و "درس کشتن" را یاد بگیرم. چون من در دامان "خواجه صفا" پرورده شده و هزاران بار بر فرق این کوه مصفا بالا شده و هوای طبیعت آزاد و آسمان بی ابر را تنفس کرده و از آن لذتها برده ام، طبعاً "آزاده" و "فرزنده کوهسار" بار آمده ام، که هیچگونه "زور و جبر" را قبول ندارم؛ نه "جبر دینی" را و نه جبر آیدپالوژیکی "چینی و روسی" و غیرهم را. من نه "انقلاب اسلامی" را قبول دارم و نه "انقلاب سوسیالیستی" را چون "زور و استبداد" با طبیعت آزاد و آزاده من سازگار نیست!!! در المان مدتی با دوستان سوسیالیست مربوط "شعله جاوید" در تماس بوده و سوسیالیزم را تا حدی مطالعه کرده ام، همان قسمی، که اسلام و تاریخ اسلام را نیز از نظر گذراننده و بدین نتیجه رسیده ام، که:

«نه کل بانه نه کدو، بلا بر سر هردو!!!»

- از همین سبب بود، که خود را مدتها قبل از قید عسکری و عسکریت و اردوی شاهی افغانستان رهانیده و در سال ۱۹۷۲ در شهر "برلین غرب" رحل اقامت افگندم؛ به تحصیل "انجینیری و علوم طبیعی" پرداختم و خود را از قید زور و ستم استبداد انسانی، یکسره رهانیدم. - از همین سبب هم از "جنبش طالبان" نفرت دارم، همان قسمی، که از "خلق و پرچم" و دولت و حکومت اسلامی "مجاهدان" و "غیر مجاهدان" نفرت داشتم و دارم. من تا زنده ام، استقلال فکر و اندیشه خود را حفظ خواهم کرد، نه زیر "باران" خواهم نشست و نی زیر "چکک"!!!

- افتخار تعویض مشرب را به اندازه ۱۸۰ درجه، لایق شأن و شایسته طبع منیع شما - "صوفی وارسته" - می انگارم. شما "صوفی" باشید و "صوفی" بمانید و "صوفی" هم بمیرید!!!
- من مگر آزادم و "آزاد و آزاده" خواهم مُرد، بدون تعلق به راست و چپ و هرچه دست و پای عقل را به زنجیر میکشد!!!
با عرض احترام و بدون جبر و اکراه چپ و راست!!!

اسم: Akhtar Yusufi **محل سکونت:** Fair fax VA **تاریخ:** 23.12.2020
إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

محترم داکتر صاحب صلاح سعیدی!

د علامه سعید افغانی تولى معززی کورنی غرو او دوستانو ته خپل غمشریکي او د داد گیرنی پیغام وړاندی کوم. په ډیر خواشیني سره مو خبر تر لاسه کړی چی خدای بخښلی سمیع الدین افغانی د گران هیواد څخه لری د هجرت په ملک کښی په حق رسیدلی دی. د ډیر افسوس ځای دی چی افغانستان د علامه سعید افغانی د لاس روزلی وطنپال نهال له لاسه ورکوی. مور تول دعا کوو چی الله تعالی دی سمیع الدین سعیدی افغانی وبخښی او جنت فردوس یی ځای کړی.
په درنښت

اختر محمد یوسفی د تولى یوسفی کورنی لخوا

اسم: عارف عباسی **محل سکونت:** کلیفورنیا **تاریخ:** 23.12.2020
جناب محترم نبیل عزیزى صاحب!

از تبصره دوستانه و واقع بینانه شما در وبسایت افغان جرمن آنلاین تشکر. به سلامت باشید.

اسم: عارف عباسی **محل سکونت:** goleta **تاریخ:** 23.12.2020
آیا هر مقاومت مسلحانه، جنبش آزادیبخش ملی است؟

به ارتباط نوشته عالمانه و پر محتوی حناب داکتر صاحب عبدالرحیم عزیز توضیح ذیل را دین خود پنداشتم.

آری احزاب نصر و وحدت آفریدگان دولت ولایت فقیه ایران بودند و هیچ نوع نقش مستقیم و یا غیر مستقیم در نهضت مقاومت ملی

کثیرالاقوام افغانستان نداشتند اما با مساعدت شرایط خلق شده سال ۲۰۰۱ امریکا در صف مجاهدین برای گرفتن سهمیه خود از دیگر خیرات امریکاییوستند.

اما در آوانی که این دو حزب مهمان آخند های ایرانی و بوده چلو کباب می خوردند دو جبهه برخاسته از بطن مناطق مرکزی هزاره نشین به صورت مستقل و یا با پیوند با اهالی میدان و وردک با دولت مزدور شوروی و بعداً با قوای سرخ می جنگیدند.

من در ماه جون سال ۱۹۸۰ یک هیئت بیست نفری هزاره های جبهات مستقل را در پشاور بر حسب تصادف ملاقات کردم که در شرایط بسیار ناگوار اقتصادی در یک سرای محقر زندگی نموده از تنظیم ها درخواست اسلحه داشتند ولی متأسفانه تعصبات مذهبی مانع کمک به ایشان می شد.

یک هم صنف مکتب شهید خیر محمد از لوگر با مولوی محمد نبی کار می کرد نزد او رفتم و از او کمک برای این برادران هزاره طلب کردم. او انسان شریف هم بعد از تحقیق لازم و اطمینان از صداقت مبارزه شان برای شان از محمدی اجازه اسلحه گرفت و هم پرداخت پنج صد کدرا پاکسانی برای هر نفر یعنی برادران هزاره اهل تشیع ما در جهاد افغانستان قبل از ورود وحدت و نصر سهم داشتند. اما حزب نصرت و حزب وحدت در بر گشت از ایران این جبهات مبارزین مستقل هزاره را مورد حمله قرار داده اسلحه شان را غصب و خانه های شان را به آتش کشیدند. (قوماندان امین وردک جنایات احزاب نصر و وحدت را در حق هزاره ها در کتاب خود توضیح نموده).

اسم: نگارگر **محل سکونت:** برمنگهم **تاریخ:** 23.12.2020

جناب معروفی صاحب؛ من آگاهانه و با اراده آزاد از انقلابی که در اتحاد شوروی؛ چین؛ افغانستان و دیگر جای ها مردم را به خاک و خون افگند بیزاری جستم و هرگز از تصمیم خود نادم نخواهم شد و شادمانم که جناب عالی هم زهره ترق نشده اید و اما شما هم نمیخواهید شمارا به اساس شیوه اعتقاد تان «انقلابی صاحب» و یا مائویست صاحب بخوانند. چنانکه یک معتقد به دموکراسی را هم کس دموکرات صاحب نمی خواند حالا بگذریم از اینکه لفظ صوفی از چه دهانی و به چه منظوری بیرون می آید. چه خوب است خود به انقلابی بودن تان افتخار کنید و کاری با دیگران نداشته باشید. با عرض حرمت و احترام. نگارگر

اسم: عبدالکریم صافی **محل سکونت:** ونکور - کانادا **تاریخ:** 23.12.2020

چاپ کتاب جفای بزرگ را به دانشمند عالیقدر جناب داود ملکیار تبریک میگویم. نمی دانم از کدام طریق با جناب ایشان در تماس شده میتوانم تا یک جلد کتاب مذکور را بدست بیاورم.

با عرض احترام

عبدالکریم صافی

اسم: آریانا افغانستان آنلاین **محل سکونت:** پاریس **تاریخ:** 23.12.2020

معضلات حال و ماضی در افغانستان مستلزم جر و بحث، مناقشه و تبادل افکار است. ولی با تأسف دیده میشود که طرفین داخل دیالوگ ها از حوصله مندی لازم کار نگرفته و با عدول از مثنی اصلی موضوعات، شروع به حملات شخصی، تحقیر و توهین متقابل مینمایند که هیچ دردی را دوا و هیچ زخمی را التیام نمیبخشد. آریانا افغانستان آنلاین طوری که قبلاً هم یاد آور گردیده است از تمام قلمبستان معزز خود آرزومند است تا خطوط اساسی آزادی بیان را در پرتو موازین دیموکراسی مجدانه مراعات نموده و با هم در فضای مؤدت و تحمل پذیری مسایل را به مناقشه گیرند. من بعد مضامینی که حاوی کلمات مخرش و توهین آمیز باشد، اقبال نشر نیافته و به منظور اصلاح آن به فرستنده مسترد میگردد. اداره

اسم: عارف عباسی **محل سکونت:** goleta **تاریخ:** 22.12.2020

الحمد لله که دانشمندان محقق چون محترم جناب حامد نوید داریم که واقعاً غنیمت قابل شکران و افتخار اند. هر پدیده ناب شان برای من درس آموزنده بوده و درب آگاهی عمیق تر و دقیق تر را پیرامون ثروت های سرشار فرهنگی حوزه های تمدن شمال و جنوب آمو وکناره های سند و هلمند و هریرود قبل از اسلام و بعد از آن در ادوار مختلف تاریخ براریم بگشود.

نوشته های نوید صاحب هر یک گنجینه از دانش است که بطور مستند با جزئیات ارائه شده. ولی در این بی سر و سامانی های کثیرالابعاد کنونی و خانه بی سقف و بی در و دیوار افغانستان کیست و کجاست که در حق افغانستان ظلم نمی کند و چه دسایسی است که بکار نمی رود که هویت ملی، فرهنگی و تاریخی این وطن به تاراج برده و امکان دارد روزی برسد که نوشته شود «بود نبود در ازمنه نه چندان در ملکی بود به نام افغانستان»

خیانت بزرگ مؤسسه بین املی یونسکو در بخشیدن مالکیت هنر های زیبای زاده مستند تمدن های درخشان هرات باستان (برای تفصیل مزید به نوشته نوید صاحب مراجعه شود) به ایران و ترکیه ظلمی است مساوی و یا فزون تر از جنایات و تهاجمات جنگی علیه کشوری.

تظاهرات خبرگان و نخبگان و اهل فضل و دانش هرات در اعتراض و احتجاج علیه این اقدام نابخردانه و جاهلانۀ یونسکو کافی نیست. اگر دولتی داشته باشیم مستقل و خود مختار با کم ترین علائق و توجه به صیانت ارزش های فرهنگی این وطن بی صاحب که با نشر اعلامیه های رسمی از طرف وزارت خارجه و وزارت اطلاعات و فرهنگ احتجاج و اعتراض نماید.

اسم: عبدالمجید **محل سکونت:** کلکان **تاریخ:** 22.12.2020

با سلام و عرض ادب،

در دو سه روز اخیر در نشرات آریانا افغانستان مطالب بسا دلپسند و حیاتی در ارتباط به مسائل سیاسی کشور عزیز ما به نشر رسید که مایه نهایت سرفرازی و خوشبختی سایت شما میباشد.

میخواهم برای همه نویسندگان شما منجمله محترم داکتر صاحب تره کی، محترم عباسی، محترم غلام حضرت، محترم داکتر صاحب یوسفی، محترم داکتر صاحب جلال در بخش نظر سنجی، محترم حامد نوید جهت مطلب یونسکو ایشان، محترم داکتر صاحب رحیم عزیز در ارتباط به تعریف از جنبش آزادیبخش ملی (که من بار اول متوجه این موضوع شدم که واقعاً طالب هزاره، ترکمن، پنجشیری و غیره تاهنوز دیده نشده، پس چطور میتوان گفت این جنبش ملی است) ابراز سپاس و امتنان خود را از این طریق وسیله گردم.

نوت: اگر کسی از قلم مانده باشد معذرت میخواهم.
تشکر

اسم: خلیل الله معروفی محل سکونت: المان تاریخ: 22.12.2020

از خواندن چند مقاله جاندار لذت بردم!!!
از تاریخ ۲۰ دسامبر تا به امروز، ۲۲ دسامبر ۲۰۲۰، چند مطلب جاندار و عالی الاعلا را در "آرینا افغانستان آنلاین" خواندم و از محتوا و منطقی و استدلال و طرز خرام هر کدام لذت بردم.
- موفقگیری اداره "آرینا افغانستان آنلاین" در برابر هتاکیهای هذیانگونه پورتال "افغان جرمن آنلاین" واقعاً قابل تأیید و ستایش است.
- مقاله تحلیلی و پرمحتوای جناب داکتر صاحب "میر عبدالرحیم عزیز" - "رحیم جان عزیز" - با منطقی برنده و بران خود ثابت میسازد، که "جنبش طالبان" به هیچ صورت وجهه و صبغه "ملی" ندارد!!! در مذاکرات "دوحه" - مرکز قطر - طرفین بدین نتیجه رسیدند، که هر دو هیئت جهت مشاورات مزید به جایگاه و پایگاه خود بروند. وقتی خواندم، که هیئت به اصطلاح "دولت اسلامی افغانستان"، به کابل رفت و اما هیئت طالبان رهسپار پاکستان گشت و به پایبوس "عمران خان" رسید، واقعاً شرمیدم و خجالت کشیدم!!!
- مقاله جناب استاد "حامد نوید" در مورد تخطی و حق تلفی صریح یونسکو در منوط ساختن هنر "مینیاتوری و خوشنویسی" مکتب هرات، به ایران و ترکیه، و نام نبردن از اکتور اصلی؛ یعنی "افغانستان"، مانند همیشه حقلبانان و مستند و مستدل است و چقدر حیف و افسوس است، که "یونسکو" از یک واقعیت مُترهن تاریخی چشم میپوشد!!! این نکته همان ضرب المثل معروف کابلی را به یاد میدهد، که:
«در خانه داماد خبری نیست، ولی در خانه عروس دنگ و دنگ اس!!!»
این موضوع را نیز باید در ذیل "تهاجم فرهنگی ایران" به حساب آوریم!!!
- نوشته جناب "عارف جان عباسی"، که به دفاع از حق برخاسته و ناسزاهای پورتال "افغان جرمن آنلاین" را به آدرس خودشان مسترد میکند، واقعاً سزاوار ستایش است.
- مقاله داکتر صاحب "محمد اکبر یوسفی"، بر سخنان استاد "اسحاق نگارگر"، انگشت انتقاد گذاشته است. و من ندانستم، که چرا "جناب نگارگر" از لقب "صوفی" بد برده اند؟؟؟ مگر تمام افکار و اطوار و حرکات و سکنات ایشان، غیر از "صوفیگری" ست؟؟؟ وقتی "گذشته انقلابی" ایشان را با اندیشه قهقرائی امروزیشان مقایسه میکنم، کم میماند، که "زهره ترق" گذشته و "قالب تهی کنم"!!! علاوه بر آن، مصراع "چه دلاور است دزدی، که به کف چراغ دارد؟؟؟" قطعاً از "حافظ" نیست!!! مینوت استاد "رحیم بخش"؛ یعنی "داکتر رنگین سپنتا"، هم یک وقتی دم از "انقلابی بودن" میزد، از "مکتب فرانکفورت" سخن میگفت و دهانش کف میکرد. و همین انسان عقیم و سترون بالاخره سر از گریبان "امریالیزم" امریکا بیرون کرد و نوکر "سی آی ای" برآمد. وقتی ترکیب غلط و بی نمود "گمانه زنی" را از دهان بی نماز "اسپنتا" میشنوم، کم میماند، که استفراق (استفراغ) کنم!!!
- از نوشته وطندار عزیز ما جناب "غلام حضرت"، هم بسیار زیاد خوشم آمد؛ خصوصاً از ترکیبات بکر و بجای و طرز خرام کلام ایشان بسیار لذت بردم!!!
همه خیر و بهره و برکت ببینند!!!

اسم: نگارگر محل سکونت: برمنگهم تاریخ: 22.12.2020

من در پاسخ آقای محمد اکبر یوسفی که متأسفانه برایش در فلسفه دوکتورا داده اند ولی سواد کافی یادش نداده اند مفید و مختصر می نویسم که این روباه (که من باشم) تنها دم خود را به عنوان شاهد ندارد زیرا جنایات حزبی که جناب عالی افتخار انتساب را بدان دارد آن قدر سنگین است که هیچ خانواده در افغانستان یافته نمیشود که حزب شما آن خانواده را به مصیبتی مبتلا نکرده باشد بنابراین همه مردم شاهد این روباه هستند. به شما در جریان درس های فلسفه باید یاد داده باشند که نه گذشت زمان جنایات جنگی را از میان می برد و نه جنایات جنگی یک گروه میتواند جنایات جنگی گروه دیگر را پرده پوشی کند. و اما در جریان درسهای فلسفی این موضوع را هم باید برای تان یاد داده باشند که اراده جرم تاوقتی که از قوه به فعل نیاید جرم تلقی نمی شود. جرایم جنگی حزب دموکراتیک خلق جرم های بالفعل است و من قویاً امیدوار استم که قانون کوچک ابدال های مدافع این حزب را نیز به محاکمه بکشاند. شما ده سال دیگر هم اگر تمرین پاسخگویی بفرمایید پاسخ خود را از همان نگارش چه دلاور است دزدی که به کف چراغ دارد پیدا میکنید جناب دلاور چراغ به دست هر چه یاد دارید به من الفاظ اهانت آمیز قطار کنید و مطمئن باشید که من حوصله کافی دارم و به عمل بالمثل توسل نمی جویم. خوشبختانه از روباه نیز کسی حق استغاثه و دادخواهی را سلب نکرده است و اگر حساب تان پاک است شمارا از محاسبه نباید باک باشد. با عرض حرمت نگارگر

اسم: م، ع، تره کی محل سکونت: فرانسه تاریخ: 22.12.2020

آقای محمد اکبر یوسفی سلام!
مخاطب اصلی من محترم جلال بود. نام شما صرفاً به قصد سهولت کار سهواً در کنار اسم محترم جلال ذکر شد. میباید به شما پیام جداگانه امتنانیه مینوشتم.
کسی حق داشتن نظر مخالف را در سائر موارد غیر از موضوع جنایات جنگی از شما سلب نکرده است. جور و سرحال باشید. م، ع، تره کی

اسم: Dr. Salah Sayedi محل سکونت: لندن تاریخ: 22.12.2020
سلام و احترامات تقدیم است!

لحظ برای بحث و سر زوری در بحث و خواننده را کم ارزش دادن عوامل مختلف داشته باشد، کهولت هم یک عامل است و چنین موقف قبل از همه کودنی و خود را بازی دادن است.

انفجار و انتحار که در آن انسانهای بی گناه کشته میشوند حرام و غیر مشروع و غیر انسانی است. اگر من عاصی که الله تعالی برایم حق توبه داده و از من با انتحار حق توبه گرفته میشود هم حرام و نا جایز و غیر انسانی است، در انفجار و انتحار چنین حق از من گرفته و سلب میشود و به صورت آبی من را از بین میبرد. این حرام است. در حدیث روشن از پیامبر اسلام است اگر کسی یک معاهد هم پیمان و بیگانه در چوکات اداره و کشور اسلامی را بکشد، بوی جنت بروی حرام است. بوی جنت از دوصد زرع (واحد اندازه است) احساس میشود.

کسیکه مسلمان را به عمد بکشد جزایش جهنم و به ابد در آن است. و به صورت ابد کافر در جهنم است. و به تعبیر ایشان من مسلمان که گنجهکارم اما مسلمانم و حق توبه دارم و الله تعالی این حق را به من داد، در انفجار و انتحار کشته میشوم و این حق توبه را از من میگیرند و همه میدانند که چه کسانی این انتحار و انفجار و استشهاده؟! و ... را اجرا میکند و همه میدانند که کی اجرا میکند و همه ای شان رسماً اقرار هم میدارند و منکر هم نیستند و به آن افتخار هم دارند و من باز کسی را با القاب اکادمیک ببینم و ببینید از آن جنایت و عمل ضد انسانی دفاع کند من ازین موضع خجالت میخورم. من بیست سال قبل عمرم بیست سال و حال هم بیست سال دارم. مردان را یک گپ است و برا برا برا... شرم هم خوب است.

فهم و دانش به ماستری و دوکتورا نیست، اگر چنین باشد من هم در جهان در سه سیستم حقوقی (اسلامی، کانتیننتال، کامن لا) تحصیلات عالی تا سطح دوکتورا دارم، و حال کسی آمده خود از شر و فساد، قتل و کشتار دفاع کردن و نه شرمیدن موجب خجالت من است.

این به هیچ صورت به این معنا نیست که حکومت کار خود میکند، هر روزیکه میشنوم دو صد طالب کشتیم و لست از آفرین ها میشنوم تأسف میخورم به آفرین فرستادن، انسان کشته شده، افغان کشته شده و ایشان آفرین میفرستند. پاکستان به کشتن این افغان باک ندارد، زیاد دارند و دیگر اعزام میکنند. شر و فساد را باید شر و فساد گفت و موضع نه گرفت که قبل از همه خود را توهین کرد.

منطق ترور و دهشت حرام و بی منطقی است. در افغانستان بمب میاندازند و من در بس و سرویس لندن انفجار میدهم. این شرارت است. آنجا انسان بی گناه کشت و اینجا بی گناه کشتی. این حد اقل حماقت و بی منطقی است. جنایت است و در موضع دفاع از آن جنایت است. مسلم این است که بخش عمده از عوامل تراژیدی به حاکمیت های پراشوتی و بی کفایت هم برمیگردد و درین شک نیست. ولی این به هیچ صورت مبرر و توجیه برای طالب و پاکستان ندارد که افغان و انسان بکشد، انفجار و انتحار کند و احمقانه ولو به تعبیر خود شان هم که شود برای اثبش پوستین بسوزد، این حد اقل احمقانه است و آنکه ازین عمل جنایت و حماقت دفاع کند چه خواهد بود؟ جواب را خود بدهید.

ما به صلح و تفاهم نیک ضرورت دارم و تمامیت خواهی هر جانب خطا است. مسلمان مکلف به بردن کس به جنت نیست. الله تعالی بر پیامبر خود قهر شده (عیس و تولی ان جاه الاعمی...) که الله تعالی فرموده که از شما رساندن پیام حق است و هدایت انتخاب خود شخص و کار من است.

مصالحه سیاسی و مذاکرات سیاسی که به نحوی موجود پیش میرود به جز ادامه تراژیدی ملت افغان از هر جانب، چیزی دیگری نیست و مواضع غیر سازنده طالب و حاکمیت هر دو خطاء و نادرست اند. تفصیل دارم اما از حوصله این دریچه بالا است.

و ما علینا الا البلاغ المبین.

داکتر صلاح الدین سعیدی ۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸

این لینک هم تکمیل کننده جواب است!

لینک مرتبط...

اسم: محمد اکبر یوسفی محل سکونت: آلمان تاریخ: 21.12.2020

جناب محترم داکتر تره کی!

از اینکه در نوشته تان نام اینجانب را هم ذکر کرده اید، چنین فهمیده شد که تأیید از محکومیت "جرائم جنگی" از هر طرفی که باشد، مورد قبول شما هم قرار گرفته است. یوسفی در سایر مطالب دیگر که در یادداشت اولی او گنجانیده نشده است، حق خود را محفوظ می داند. با توضیحات دیگران و یا موضعگیری وسیعتر ازین مفهوم را که شما در نشیب و فراز ذکر کرده اید همفکر نمی یابد. یوسفی بغیر از محکوم ساختن "جنایت جنگی"، از هر کسی که سر زند، دیگر موردی را تحت بحث قرار نداده و حق نظر مستقل خود را که درینجا نمی گنجاند، محفوظ نگاه میدارد. با احترام دوکتور محمد اکبر یوسفی

اسم: محمد اکبر یوسفی محل سکونت: آلمان تاریخ: 21.12.2020

جناب محترم حکیمی صاحب!

من همیشه جملات کوتاه ولی نهایتاً پر مفهوم شما را با دقت مطالعه نموده ام. در یک ارزیابی نظرات «کارل رایموند پوپر» گفته شده است، که هرگاه کسی نظرات "پوپر" را مطالعه کند، یقین است که در طرز تفکر اش تغییر رخ می دهد. او در جایی گفته است که: "ایدیالوژی جز وعده های میان خالی چیز دیگری نیست" و قتی از "ایدیالوژی ها" تنفر نشان می دهد، می گوید که: "یک انسان حق دارد برای هدف خود زندگی خودش را با خطر روبرو سازد، اما حق ندارد، زندگی دیگران به خطر روبرو سازد." در رابطه با برداشت شما، در مورد مناسبات هندوستان و پاکستان و یا آینده افغانستان و نقش "ایدیالوژ ها"، با نتیجگیری شما کاملاً هم نظر هستم.

اسم: م، ع، تره کی محل سکونت: فرانسه تاریخ: 21.12.2020

محترم جلال و محترم اکبر یوسفی از تعارفات دوستانه شما به آدرس اینجانب سپاسگذارم. اگر در بقیه زندگی بتوانم به معیار کوچکی خود را مستحق تعارفات شما بسازم، به حق ادعا میتوانم که ایام باقیمانده عمر به هدر نرفته است.

من در طول زندگی پر نشیب سیاسی که فرازی نداشته است با برخی هم وطنان خود در دعوی شناخت حقیقت و واقعیت در مناقشه قرار داشته ام. در چهل سال اخیر کمتر کسی مانند شما مواضع سیاسی من و امثال مرا درک کرده است. دامنه سوء تفاهم در بسا موارد موارد به اختلاف و دشمنی کشیده است. مخالفین با حربه تحقیر و دشنام وارد معرکه شده اند.

بیست سال قبل بار اول در نوشته ها و مرکه ها از طالبان بنام مقاومت یاد کردم. صدای اعتراض بسیاری بلند شد. امروز وقتی امریکا حاضر شد با طالبان به مذاکره و موافقه بنشیند، به مقاومت بودن طالب مهر تائید گذاشت.

از اشغال افغانستان حرف زدم. بسیاری آنرا جنگ مشروع امریکا بر ضد تروریسم طالب تعبیر کرد. امروز امریکا با درک واقعیت ها طالب را تروریست نمیشمارد و جنگ طالب علیه خود را قابل توجیه میداند. اما برخی افغان ها از همان موضع بیست سال قبل خود سر مونی بطرف واقعیت گرایش نشان نداده اند.

با تأسف که سرتبگی افغان ها در انکار از قبول واقعیتی که دنیا درک کرده و افغان ازان فاصله دارد، این ذهنیت را خلق میکند که میباید دست نیرومند خارجی بخشی از مردم افغانستان را به سوی واقعیت ها بکشاند: علی الرغم مخالفت اداره کابل رهائی پنج هزار زندانی طالب به حکم امریکا بیان درک واقعیت توسط آنکشور و عدم درک آن توسط عمال حکومت کابل است. ملتفت استید که امریکا واقعیت های سیاسی را به افغان ها دیکته میکند. این اوج ذلت کسانی است که به مسند قدرت تکیه زده اند.

« پایان »

دوکتور م، عثمان تره کی

اسم: دوکتور محمد اکبر یوسفی محل سکونت: آلمان تاریخ: 21.12.2020

شخص قیس کبیر، با تعداد دیگری، اصلاً پذیرش آنها، به حیث انسان های عادی و نورمال و مکالمه با آنها، صریحاً تخلف از نورم های اخلاقی و انسانی، شمرده می شود. این افراد در عصر تکنولوژی اطلاعاتی، با استفاده از وسیله "اطلاع رسانی" در تلاش کسب شهرت و جمع آوری پول و موقف اند. مرض بیسوادی و بیگانه از فرهنگ انساندوستی و درک از ماهیت علم و دانش با عمق و ابعاد وسیع آن که غیر قابل فرا گرفتن کامل است، خود آنها، حتی قادر نیستند که درک کنند که چه مطلب را و برای چه هدف و برای کیها، انتقال می دهند.

شخص اول این "رسانه" که: "افغان جرمن آنلاین" نامیده اند، در کشور آلمان بسر می برد و مانند هزاران افغان دیگر، ممکن از داشتن "حق تابعیت دولتی آلمان" و از مصوونیت خاص، نیز برخوردار باشد، با بی پروائی و بی شرمی کامل در حالی که از یکطرف مدعی شده است که این واسطه را برای پخش افکار هم وطنان افغان فراهم ساخته است، از اعتماد نویسندگان که برای او مطالب می فرستند و اعتماد می کنند، سوء استفاده به عمل می آورد و با بی شرمی کامل، در امر حفظ اعتماد، مشابه با "مدیر مسؤول" یک نشریه چاپی سابق، به خیانت مرتکب می شود، در باره نویسنده خلاف خواست نویسنده و مغایر نورم های اخلاقی معلومات در باره شخص را پخش می کند، به توصیف یک فرد و تخریب فرد دیگر می پردازد. در حالی که در قانون آلمان "محفوظ نگهداشتن" اطلاعات در باره شخص، و حریم زندگی فردی، تحت حفاظت قانون است، این بی شرم، روابط خونی نویسندگان را ازین طریق نیز پخش می کنند، که اصلاً، چنین روابط خونی، با افکار فردی و نظرات سیاسی فرد ارتباط ندارد. اینکه چه هدف دارد؟ معلوم نیست. ممکن فکر کرده باشد که ازین طریق تخریب به راه خواهد انداخت و ازین سرک یکطرفه، به قتل شخصیت ها و بی احترامی در برابر نویسندگان نیز متوسل می شود.

در جوامع "مدرن" و "متمدن"، و به خصوص در محافل کسانی که خود آنان را، به فعالیت های سیاسی بخاطر آینده، خود و جامعه علاقمند و مصمم می شمارند، دروغ گفتن و اتهام بر دیگران بستن، وزنه عمل جرمی می داشته باشد. در چند سطر نوشته یکطرفه خود می نویسند: «... افغان جرمن آنلاین، به زودی ماهیت اش را درک کرد، ولی آقای نوری به دلیل مقالات این دو برادر پرچمی را نشر می کند». احترام به شخصیت و کرامت فردی پادشاه فقید، اعلیحضرت محمد ظاهرشاه، برای همیش در ذهن این نویسنده باقی خواهد ماند. این نویسنده آنچه را خواهد نوشت که رخ داده باشد.

هموطنان گرامی و منجمله محترم ولی احمد نوری، که در صف کلانسالان نزد اینجانب از احترام بزرگ برخوردار اند، واقف اند، زمانی که این نویسنده بعد از بیست سال، یادداشتی را، تحت عنوان "هویت ملی افغان" نوشت و بنابر خواهش یکی از دوستان، که خود او هم آدرس این "سایت" را در اختیار قرار داد، به آدرس آنها فرستاد. محترم ولی احمد نوری و شخص "قیس کبیر" قبل از نشر مطلب تقاضا به عمل آوردند، تا یک عکس و بیوگرافی مختصر برای آنها فرستاده شود. آنها گفتند که می خواهند اسم اینجانب را هم در لیست "نویسندگان" شامل سازند. از بی خبری، چنین فکر شد که ممکن کدام طرز العمل باشد. تا الحال می بینید که نویسندگان زیادی، بدون تصویر و یا بدون زندگینامه شامل لیست اند. این نویسنده به تقاضای آنان جواب مثبت داده است. قبل از اینکه به تذکرات دیگر پرداخته شود، نویسنده با نشرات قبلی این گروه به زبان آلمانی و قبل از آن هم با افکار سیاسی گردانندگان آن، از دهه هفتاد قرن بیست، که از اندیشه های "تابناک ماؤ" نیز سخن می گفتند و در ضدیت با کودتای «داؤود خان» قرار داشته اند بلذیت داشته است. افراد آنها گردهم آتی در "شهر فرایبورگ" در "محل شب گذراندن جوانان" بر قلّه کوه، به یاد دارند. در مناقشات سیاسی از عبدالرحمن نجفی: از هامبورگ بطور نمونه یاد می گردد. از تفصیل می گذریم، این حلقه که به صفت بقایا و شاخه های جدا شده، از گروه های "شعله جاوید" چون پیروان "محمودی"، "اکرم یاری" و غیره یاد می شده اند، در عین زمان بعداً به پیروی از "بانده چهار نفری" در چین بعد از مرگ ماؤ، تحت رهبری "زن آخری ماؤ"، شهرت یافته بودند و حتی در زمانی که هنوز "انترنت" وجود نداشت، اکثریت آنها، با نام اینجانب و طرز فکر این جانب آشنا بوده اند.

حال که این "قیس کبیر"، صغیر صفت مدعی می شود: «... افغان جرمن آنلاین، به زودی ماهیت اش را درک کرد...»، دروغ می گوید، نام این نویسنده با این هویت و صفت که حال ذکر می کند، قبلاً برای او و گروهش معلوم بوده است. از قریب سی سال به اینطرف، این نویسنده موجودیت همچو نسبت سیاسی ایدئولوژیکی را که در تحت رهبری آن فعالیت سیاسی وجود داشته باشد، نمی شناسد و نویسنده ضرورت ندارد

که به همچو افراد گزارش دهد. اینها کیانند؟ این تذکرات را، فقط با احترامی که به خوانندگان وطنم دارم، تذکر داده ام. پس با دروغگو، انسان چه می تواند؟ اولین مقاله تحت عنوان: «هویت ملی افغان» درست به تاریخ ۱۷/۰۱/۲۰۱۱ در "سایت" افغان جرمن آنلاین" نشر شده است. بعد از سالها، شخص «قیس کبیر» از طریق «سکایپ» آموختاند، که چگونه، مقالات را خود «آنلاین» نمایم. وقتی اولین مقاله در «آریانا افغانستان آنلاین» که نو به کار آغاز نموده بود، تحت عنوان: «نه حدسیات و نه سربیات، محتوای نشریات»، به تاریخ ۰۵/۰۱/۲۰۱۵، منتشر شد، تا مدت زیادی مقالات در هر دو نشر می شد. تا ختم همکاری که تاریخ دقیق آن، دیگر برای نویسنده معلوم نیست، به نام این نویسنده در "سایت" آنها که تحت اداره، این "قیس کبیر"، با حثیت صغیر، فاقد اعتماد انسانی می باشد، درست ۴۱۱ مقاله و ترجمه نشر شده بود. از مدت هاست که خوانندگان محترم به آن مقالات، ترجمه ها و ریسرچ های شخصی که به پشتو و دری تحریر شده، دسترسی ندارند، زیرا اسم نویسنده را از لیست نویسندگان حذف نموده است. همه می دانند که ازین نوشته ها، هیچ منفعت مادی در نظر نبوده است. حال هم این گردانندگان، بنابر درک نا درست آنها از ماهیت اصلی انسان، فقط به ضرر این «سایت»، خود عمل می کنند.

ختم

اسم: A. Halim Hakimi محل سکونت: Tampa تاریخ: 21.12.2020

کسانیکه روی علل ایدئولوژیکی و یا ترس از حاکمیت احتمالی ملا، تحمیل و تحمل هر بلا و مصیبت را بر مردم و وطن ما روا میدارند، باید از وجدان خود بپرسند، که "چقدر مصیبت و جنایتی بالاتر ازین باید باشد، که ریاست امنیت و معاون رئیس جمهور نامنهاد بگ مملکت اشغال شده که خود این رئیس نوکران بیعزت و بیشراف نیز شریک برآلاء جرم میباشد، در پهلوی ده و صداهجانیت و قتل و کشتار بیگناهان، متهم و مظنون درجه اول قتل محصلین و محصولات همچو شاخه های گل در داخل پوهنتون کابل و "قتل زندهای حامله و زچه و نوزادان در زایشگاه، به خاطر سوتاز پروسه صلح و قطع جنگ و ختم اسباب آن باشند؟؟؟"

As always eager to read Dr. Jalal well thought political analysis with the current exception refers to war based on ideology. I am confident that Dr. Jalal is well aware that ideological based conflict manifest itself mostly with just two option, to either expand or be diminished. As such Soviet Union at the height of its expansion collapsed, China the smart kid in the bloc have abandoned all aspect of political ideology but kept party structure intact. Pakistan and India are in conflict since birth with no end in sight. Governing Afghanistan to be headed by ideologue likely make the present conflict permanent.

اسم: م، ع، تره کی محل سکونت: فرانسه تاریخ: 20.12.2020

تبصره بر اعلامیه سایت آریانا - افغانستان

امتنان از ابراز نظر سایت آریانا - افغانستان پیرامون مضمون «په ارغنداب کی د حکومتی سرتیرو نوي جنگي جنایت» .
آرزو ندارم خود را درگیر مناقشات دیرینه مطبوعاتی و مدیاتیکی میان دو سایت انترنتی آریانا - افغانستان و افغان - جرمن کنم. میخوام آنچه بصورت اخص ارتباط به مضمون اینجانب میگیرد با عرض چند نکته مزید سایت آریانا - افغانستان را از برداشت غلط و منفی از محتویات مقاله خود متوجه بسازم.

سایت آریانا - افغانستان در جایی مینویسد که :

۱- «اگر اداره آریانا افغانستان آنلاین ضمن تذکری نظریات روستار تره کی را تحسین و آن را تأیید می کرد، جا داشت که بر ما اتهام طالب پروری، آی اس آی پرستی و پاکستان دوستی وارد می شد».

در مقاله تره کی در دفاع از حق زندگی مردم ملکی دفاع شده است. دران کلمه ئی در توصیف از قربانی های طالب بر ضد تجاوز و اشغال و یا طرفداری از پاکستان (که عامل بسیار بدبختی های کشور شناخته شده است) نیامده است.

کوبیدن تاپه استخبارات خارجی به پیشانی مخالف سیاسی به حربه معمول مناقشات سیاسی در میان افغانان بدل شده است. ازین حربه وقتی استفاده سوء میشود که منقد در برابر مخالف احساس کمبودی و ذلت اخلاقی کند و برای دریافت دلیل در دفاع از خود بیچاره و دربیچال شود.

قابل ذکر است که اگر آی اس آی به قیاس سایت آریانا در موضع مثبت خلاف آنچه تا حال به مشاهده رسیده است در دفاع حق زندگی و امنیت شهدای ارغنداب صدا بلند کند، وی را باید صد بار به مقایسه افغان گمراه و ضمیر باخته ایکه از جنایت مشهود سرسری میگذرد کریدت داد.

دفاع از محتویات مضمون تره کی به سایت آریانا کریدت سیاسی قرار گرفتن در یک موضع ملی (آنچه به آن اشد ضرورت دارد) میداد نه متهم شدن سایت به وابستگی به آی اس آی.

به همه معلوم است که موضع سایت آریانا افغانستان در مخالفت با مقاومت مسلح متأثر از موضع امریکا و متحدین است. این را نویسنده با منافع افغانستان در تقابل میببند.

طالب یک سوته بر فرق متجاوز خارجی است. در شرایط جنگ این مهم نیست که سوته در دست کیست. مهم اینست که میباید در مرحله گذار از جنگ به صلح «سوته بدستان» خارجی را کنار زد. درین رابطه مذاکرات صلح دوحه بزرگ ترین و تاریخی ترین آزمونگاه در برابر ما است. فقط با استقرار یک حکومت ملی و انتقالی متعهد به دفاع منافع افغانستان میتوان از معرکه، از آفت سوته بازی ها کامیاب بیرون شد.

به باور من دفاع از مقاومت مسلح طالب در شرایطی که افغانستان اشغال است و قوای خارجی خود را ملزم به رعایت هیچ قاعده اخلاقی و حقوقی در برابر مردم افغانستان نمیداند، یک ضرورت است. اما این دفاع مشروط است نه قاطع و بلا شرط: اگر بعد از پایان جنگ طالب محموله نفوذ کشور یا کشور های همسایه ثابت شد و افغانستان را از یک متجاوز آزاد و در زیر سلطه متجاوز دیگر قرار داد، حمایت از وی

سلب میشود. درین حال مردمیکه در جنگ در عقب طالب قرا داشتند از وی رو میگردانند.

۲- در اعلامیه آریانا - افغانستان آمده است: « قدرت بزرگ نظامی و اقتصادی جهان-امریکا، طالبان را امتیازات سیاسی بخشیده و خواسته هایش را بر حکومت افغانستان تحمیل کرده و آنها در جامعه درون و بیرون افغانستان هواخواهانی دارند، ولی تا حال مردم افغانستان طالبان را به حیث یک نهضت رهایی بخش ملی و اولاد صدیق این وطن نه پذیرفته اند. »

بله! امریکا بعد از بیست سال به واقعیت وجود طالب به مثابه طرف معامله جنگ و صلح تسلیم شد، اما چون مرغ افغان یک لنگ دارد وی در موقف دو دهه قبل خود چون سنگ ثابت باقی ماند.

اینکه به زعم سایت آریانا - افغانستان مردم وجود طالب را نمی پذیرد قضاوت بی جا و آکنده از تلقینات و تبلیغات بیرونی است. معتقدات مذهبی و ملی، مجموع مردم افغانستان را با طالبان پیوند میدهد. طالبان علی الرغم بمباردمان ها و کشتار جمعی توانسته اند به حمایت مردم در بیش از نیمی از قلمرو افغانستان کنترول قایم کنند. نیم دیگر افغانستان به این دلیل بیرون از نفوذ طالبان قرار دارد که دران قوای خارجی در شراکت و ائتلاف با جنگ سالاران داخلی حاکم هستند. چاپ انداز دوستم و سائر گروه های جنگی در یک معامله مبتنی بر منفعت متقابل با قوای خارجی مردم مقیم در ساحات تحت کنترول حکومت را به گروگان گرفته اند.

تصور من اینست که مردم در مجموع طالب را به عنوان مدافع ارزش های ملی (به شرط دفع نفوذ احتمالی پاکستان) و مذهبی میپذیرند. استقبال مردم از طالب به موازات نفرت از جنگ سالاران و حامیان خارجی شان یک واقعیت است. اما اینهم واقعیت است که مردم افغانستان آمادگی ذهنی و روانی برای بازگشت به امارت اسلامی و نظام طالبی ندارند. کشور های دور و نزدیک دخیل در قضیه افغانستان نیز دست اندر کار مهار کردن طالبان در ادعای احیای نظام بیست سال قبل شان اند.

افغانستان چهل سال جنگ میان سنت و مدرنیته را از سر گذشتاند. با تأسف که درین مقطع زمانی بخشی از ضابطه های مدرنیته با تهاجم خارجی وارد شد و در تقابل با جذبات آزادیخواهی قرار گرفت. به آن به مثابه یک امتعه تحمیل شده خارجی نگاه شد. با اینهمه مدرنیته در درون شهر ها در باور ها و معتقدات مردم ریشه های ضعیفی دواند. ازین ریشه ها باید با احتیاط و دقت مواظبت کرد. این نه به خاطر نفس تجدد، بلکه از لحاظ داشتن پیوند سازنده و بارور با جهان متمدن. « پایان »

دوکتور محمد عثمان تره کی ۲۰/۱۲/۲۰۲۰

اسم: جلال محل سکونت: جرمنی تاریخ: 20.12.2020

بسم الله الرحمن الرحيم

استاد محترم و معظم، جناب تره کی صاحب گرامی سلام و علیکم و رحمة الله و برکاته!

شما افغان اصیل و وارث حقیقی احمدشاه بابا و میرویس نیکه و محمود غزنوی و امثالهم هستید. شما نمونه زنده همین واقعیت هستید، که الحمدلله مملکت آزاده و مسلمان ما هیچگاهی سلطه زروگویان و قلدران را قبول نکرده و همیشه گورستان متجاوزین بوده و ان شاءالله بعد ازین هم خواهد بود.

این روز بدی که بر وطن و مردم ما آمده است، در پهلوی تمام آلام و مصیبت های که با خود داشت و دارد، بزرگترین منفعت آن همین بود و است، که سرک را از پچک، اصل را از نا اصل و لافوک را از مرد میدان به وضاحت تمام مجزا و مشخص نمود. در جریان حوادث روزگار، نظرات شما نظر به استحکام حقوقی و قوت منطقی آن، باذن الله در جایش ثابت مانده، اما نظریات مخالفین اکثر مستعارنویس تان، مانند خس و خاشاک و کف دریا جز خود فریبی خود آنها و بیشتر نمودن بار گناهانشان نزد الله و تاریخ، برایشان ارمانی نخواهد داشت.

بعضیها روز تا شب از درد مینالد، مگر دوا و طبیب را از درد و مرض بدتر میبینند، در حالیکه مرض فعلی وطن ما را دیگر هیچ دواء مفیدتر و موثرتر از همینکه با وجود بیست سال سرکوب نظامی و مالی و تبلیغاتی، ماشاءالله نه انسجام و همبستگی خود را از دست داد، نه هدف خود را فراموش نمود و نه فریب کسی را خورد. بر عکس الحمدلله روز به روز قویتر، منسجمتر و در ساحه ملی و بین المللی پخته تر گشته و باذن الله منحيث يك قوت قابل اعتماد حافظ امنیت و ثبات، خود را مطرح ساخت.

درست که توجه به هنر و زیباشناسی و زیباپروری و ایجاد زمینه های تفریح سالم و مطابق عصر برای اتباع يك ممتک بسیار ضروری میباشد، مگر اولاً در چوکات اصول انسانی و اخلاقی و دوما اینکه پرداختن به چنین امور لوکس، زمانی مطرح میشود، که {< امنیت !!! >} بلی امنیت وجود داشته باشد.

امروز آواز دل مردم افغانستان امنیت است. بعد از تأمین و ثبات و دَرَو کردن قاتلان و دزدان و جنایتکاران است، که میشود، روی مسائل بعدی صحبت و دعوی نمود.

کسانیکه روی علل ایدیولوژیکی و یا ترس از حاکمیت احتمالی ملا، تحمیل و تحمل هر بلا و مصیبت را بر مردم و وطن ما روا میدارند، باید از وجدان خود بپرسند، که چقدر مصیبت و جنایتی بالاتر ازین باید باشد، که ریاست امنیت و معاون رئیس جمهور نام نهاد يك مملکت اشغال شده که خود این رئیس نوکران بیعزت و بیشرف نیز شریک بر آلاء جرم میباشد، در پهلوی ده و صد هاجنایت و قتل و کشتار بیگناهان، متهم و مظنون درجه اول قتل محصلین و محصلات همچو شاخه های گل در داخل پوهنتون کابل و قتل زنهاى حامله و زچه و نوزادان در زایشگاه، به خاطر سبوتاژ پروسه صلح و قطع جنگ و ختم اسباب آن باشند؟؟؟

صحنه سازیهای اشتکانه و تبلیغات لاشخوران بی وجدان شان که درین راستا هیچ اهمیتی پیدا نکرد و قادر به این نشد که حتی یک نفر را هم

فربید بدهد.

اگر مغزهای پاشان دختران و پسران محصل که قربانی صحنه سازیهای بك جنایتکار مرغزرد رذیل (الله داناست که به فرمان و امداد چند شیطان خبیث داخلی و خارجی صورت گرفته) هم وجدان های خفته شما را بیدار نساخت، پس بدانید، که شما اصلاً وجدان ندارید. بنا در محاسبات داخلی و خارجی مملکت، بر علاوه که نه نظر و نه خواهش شما اصلاً نه مطرح و نه قابل احترام میباشد، ان شاءالله به توکل الله متعال، هر حکومت ملی و مستقلى که باذن الله روی کار بیاید، برای پاک کاری آثار این مرض خبیث و مزمن، بسیار کارهای منظم، جدی و سیستماتیک را در پیش روی خواهد داشت.

توکل علی الحی الذی لایموت

اسم: محمد اکبر یوسفی محل سکونت: آلمان تاریخ: 20.12.2020

جناب محترم داکتر روستا تره کی!

نخست سلامها و احترامات تقدیم می دارم

به خاطر احترام و وفاداری عمیق به اصل "آزادی بیان" و ارج گذاری به آن و اعتماد کامل به "آگاهی های علمی و مسلکی شما، که در عرصه حقوقی و علوم سیاسی فرا گرفته اید به عرض می رسانم که، وقتی در باره "جنایات جنگی" می نویسید، هر کلمه آنرا با دقت می خوانم و می اندیشم. این همه را ناشی از احساس مسؤلیت شما در برابر زندگی انسان می شمارم و بدیده قدر می نگرم. درین راه، توان کاری و صحت کامل را برای شما آرزو می کنم. تحصیلی افتة رشته علوم حقوق نیستم. ما ممکن تفاوت نظر در موضوعات سیاسی-اجتماعی داشته باشیم. این تفاوت نظر ها هیچگاه نمی تواند ما را از مسؤلیت هر یک ما نسبت به آینده جامعه و وطن مشترک ما بکاهد. وقتی جنایت رخ می دهد، مجرم باید محکوم گردد، مهم نیست که چه کسی است که جنایت را مرتکب شده است. یکبار دیگر صحت و مؤفقیت برای شما و تمام خانواده و عزیزان تان آرزو می کنم. با سلام ها و احترامات مکرر

دیپلوم ریاضی و دوکتور فلسفه محمد اکبر یوسفی.

اسم: Akhtar Yusufi محل سکونت: Fair fax VA تاریخ: 20.12.2020

آقای قیس کبیر مسؤل افغان- جرمن آنلان!

ما هیچگاهی از مبارزه در راه خدمت به وطن و تأیید شخصیت شاه فقید منکر نیستیم و صادقانه بر اساس اسناد از شخصیت های ملی کشور در حدود خویش دفاع می کنیم. نظرات قضاوت دیگران مربوط خود شان است.

در گذشته نشریه شما هم مقالاتم را نشر نموده است و همه نزد شما موجود است.

شما تخریب های بچه گانه و نامردانه را کنار بگذارید. من در رد اتهامات نشرات نادرست شما چندین مقاله را به شما عرض نشر فرستاده بودم، که نشر نکردید.

اگر واقعاً اخلاق مطبوعاتی می داشتید که ندارید، مقاله امروز خودم را در جواب بت صوفی برمنکهم نوشته و ارسال نمودم، نشر کنید، تا مردم اهل سیاست و علم قضاوت کند، نه چند تن بلی گو و فرد معاش خور که دیوانه شدند.

اختر محمد یوسفی

اسم: صلاح الدین سعیدی محل سکونت: انگلستان تاریخ: 20.12.2020

خانم رئیس جمهور

بحث خانم رئیس جمهور بالای رأی اعتماد پارلمان بر وزیران که بحث وارد داشت و اظهار داشت که روشهای پارلمان بسیار به سطح پایین بوده و بازار خرید و فروش و ... این همه واقعیت ها اند و ثابت میسازد که درین بازار راشی و مرتشی هردو متخلف اند. ولی این بحث و این موضوع بحث برای خانم رئیس جمهور نیست. خانم رئیس جمهور نباید خود را در تقابل با پارلمان کشور قرار دهد. میدانیم که از دهها خلل در عدم مشروع بودن پارلمان یکی هم نه شدن انتخابات کامل که به صورت واضح تا حال انتخابات پارلمانی که در ولایت غزنی نه شده که این دلیل کاملاً روشن عدم مشروع بودن افتتاح و آغاز کار این پارلمان هم است ولی این بحث و این کار موضوع اجندا و صلاحیت خانم رئیس جمهور نیست و نباید خانم رئیس جمهور به آن بپردازد.

20/12/2020

داکتر صلاح الدین سعیدی

اسم: محمد داؤد مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 19.12.2020

افغان جرمن و بچه خاله قیس جان

ملهم از نوشته و شکایت شاعلی وحیدالله وحید بچه خاله قیس که چندی پیش در سایت نام نهاد استقلال خود صریحاً سایت افغان جرمن را «سایت پرچی زاده» قلمداد نمود یعنی بچه خاله، خود قیس جان را بچه یک پرچی دانست و سال های سال، با سایت افغان جرمن مقاطعه نموده بود،

بعد از طرد از سایت آریانا، چنان زبون و بیچاره گردید که برای نشر مطالب بی خوندش مجدداً به سایت مطابق ادعای خودش یعنی سایت «پرچمی زاده» مذکور مراجعه نماید و بی پررسی خود را ثابت نماید. زهی منافقت و ذلالت و ظلالت تلقی و تضاد گفتار و ادعا با عمل.

من این آغا را نمی شناسم و از زمره مضامینش در سایت آریانا بیشتر از چند مضمون معدود، بی خوندش را خوانده ام، این آغا مانند پیر و مرشدش میر غلام محمد غبار آدم متعصب و بد بین زبانی است که علامه محمود طرزی آن را زبان ملتی دانسته و دانش و تعمیم آن را به هر فرد افغان توصیه نموده است، این آغا مانند پیر و مرشدش غبار قادر به نوشتن یک پاراگراف در زندگی خود در زبان پشتون تباران که اکثریت جامعه ماست، نگردیده است.

این آغا ویدیوی جوانان چینیایی را که چندی پیش درین سایت وزین و سایت افغان جرمن نشر گردید مشاهده کند که جوانان چینیایی با چه شیرینی و حلاوت زبان اکثریتی پشتون تباران را فرا گرفته اند و با دیدن آن وجداناً خجالت بکشد.

من صرف یک بار به رهنمایی یک میرمن محترم، به اصطلاح سری به این سایت که مسماء به استقلال است زدم و آن را به اصطلاح پشتون تباران یک «دیران» یافتم، خلص کلام آن سایت استقلال نیست و یک «دیران» تلقیات مبتذل خودش است.

این آغا یکی از بزرگترین راد مردان تاریخ معاصر جهان را که غازی امان الله او را خطاب «فخر افغان» داده و حکومت محمد موسی شفیق در دوره انسانی و آزادی خواهانه دهه دیموکراسی آن را به سویه حکومتی مسجل ساخت و مردم نیم قاره هندوستان ایشان را به نام گاندی سرحد ملقب ساخته اند روی تعصب و بدبینی به پشتون تباران، و به مشرب ستمی های مفسد، ایشان را به نام «خان دو سره» توهین کرد. از سایت (دیران نمای مذکور) نمی توان بیشتر از این توقع کرد.

در مورد سایت افغان جرمن باید گفت که این سایت، شکل یک سایت حزبی «ملی غورخنگ» را دارد، پالیسی نشراتی این سایت کلاً و کاملاً در حقیقت ممثل پالیسی انواق چار کلاهان افغان جرمن است. آنچه به شامه سیاسی چار کلاهای افغان جرمن موافقت نداشته باشد، اجازه نشر نخواهند یافت. مثال ها در زمینه ولا تعد و لاتحصی است، که صرف به منظور جلوگیری از تطویل کلام از ذکر آن درین مختصر اجتناب میورزم.

قیس جان خود را سخت مجبور و مکلف به تطبیق احکام و فرمان روایی این چار کلاه ها میدانند، زیرا قیس جان هراس دارد در صورت عدم همکاری این چار کلاه ها سایت افغان جرمن سقوط خواهد کرد. خداوند به داد قیس جان برسد.

اسم: A. Halim Hakimi محل سکونت: USA تاریخ: 19.12.2020

در اخیر ازینکه گرد و خاک کلوخی که جانب من پرتاب شده است ممکن دانشمند محترم ولی احمد نوری را انبیت کرده باشد معذرت میخوام.... عوامل داخلی و خارجی " دست اندر کار قرار دادن طالب در شاهراه درک واقعیت های نو است "

Have no intention throwing dust or loos soil toward anyone but can tell this much for sure that Dr. Taraki is heavily failing to differentiate between ideological and nationalistic fight.

Ideological expansion is a vital need and standard aim of Afghanistan neighbors with variable degree of success so far utilizing Afghans, while at this moment no organized nationalistic force exist.

اسم: عبدالکریم رحیم محل سکونت: بریتانیا تاریخ: 19.12.2020
محترم و بناغلو،

د داکتر کریستین فیر (Christine Fair) سره دا مصاحبه دیره په زره پری ده. دي بڅخي ډير وخت په افغانستان او پاکستان کی کار کړی. او داسی بریښی چی د سی ای ای سره پی هم کاری ارتباط درلود. داکتر کریستین فیر وایی: امریکا په بیشرمی په افغانستان کی دیموکراسی تخریبوی او هغه غیر مشروع کوی. پامپیو غنی ته وویل چی یا ۵۰۰۰ طالبان له زندانه خوشی کړه یا در باندی مرستی بندوو. غنی پوهیری چی د امریکا په مرستو متکی دی نو دا خبره بی و منله. په داسی حال کی چی طالبانو خپلی ټولی غوښتنی په امریکا و منلی دوی د امریکا سره خپل یو تعهد هم نه دی پرخای کړی او افغانستان کی وژنه لاهم روانه ده. پاکستان په دی خاطر د داکتر عبدالله ملاتړ نه کوی چی پری گران دی بلکه پدی خاطر پی کوی چی دده په وسیله د افغانستان نظام بی ثباته او غیر مشروع کړی. پاکستان د گډودی په جوړولو کی استادی لری. داکتر فیر د بایدن په باره کی وایی: دی د افغانستان په باره کی کوم خارق العاده کار و نه کړی. د پاکستان اوسنی نظامی رژیم د ضیاء نه ډیر بد دی. طالبان په واشنگتن کی مرستندویان لری. او دهغوی پواسطه یو نورمال حرکت ورڅخه جوړ شوی. تاسی داسی فکر کولی شی چی د یو مشهور تروریستی قاتل تنظیم مشر دی واشنگتن پوست ته مقاله ولیکی. مونږ ټول پوهیرو چی داد هغه کار نه و. په قوی گمان پوهیرو چی دا مقاله چا لیکلی وه. د دوحی د خبرو په باره کی وایی چی زما باور نه کیږی چی یوه مشهوره قتل عام کونکی ډله دی د سولی د نورمالی پروسی یو اړخ وي. نوریی په خپله په لاندی لینک کی واورئ.

<https://www.tribuneindia.com/news/chandigarh/civil-war-could-break-out-in-afghanistan-as-it-is-being-handed-over-back-to-pakistan-christine-fair-186160>

لینک مرتبط...

اسم: عبدالمجید محل سکونت: کلکان تاریخ: 19.12.2020

سلام،
به ارتباط نوشته داکتر صاحب رحیم عزیز خواستم توجه شما را به مطلب که در سایت بی بی سی در ۱۴ دسامبر ۲۰۲۰ به نشر رسیده است جلب کنم. در خبر چنین آمده:

رامش راجا سنگم، معاون رئیس سازمان ملل و معاون هماهنگ کننده امور بشر دوستانه این نهاد گفته که شمار افرادی که به کمک های بشر دوستانه در افغانستان نیاز دارند در حال افزایش است. او در گفتگو با خلیل نوری، خبرنگار بی بی سی گفت که شانزده میلیون افغان در سال ۲۰۲۱ به کمک های بشر دوستانه نیاز خواهند داشت که نسبت به سال جاری میلادی شمار آنان پنج میلیون بیشتر خواهند شد.

آدرس خبر: <https://www.bbc.com/persian/afghanistan-55300486>

این خبر میرساند که در سال 2021 میلادی، بیست و یک میلیون افغان محکوم به فقر و گرسنگی میباشند، نتیجه حکومت دزدان و آدمکشان همین یک خبر است و بس. سوال این است که آیا ما به همین منوال ادامه میدهیم یعنی جامعه جهانی پول میدهد و بعد از ارسال پول به دولت دزدان و اداره آدمکشان پول ها در جیب های مفسدین سرازیر شده و برای مردم ما از گاو غنود میرسد، و یا در صدد یک تغییر کلی در حاکمیت کشور خود میگردیم.

قسمی که میبینیم دوران بردگی طلائی محترم حامد صاحب کرزی و بعد آن دو دوره طلائی دو داکتر متفکر و نستوه هریک داکتر صاحب غنی و داکتر صاحب عبدالله ما را به منزل مقصود نرسانید. متفکرین بعدی از جمله انجنیر صاحب حکمتیار و گروپ طالبان که برای حاکمیت کشور ما صف بستند بیشتر تجربه سیاسی در تخریب و گسترش جهل دارند آیا این دو جناح خواهند توانست کشور ما را از تنگدستی و بیچارگی به شاهراه ترقی و پیشرفت رهنمود باشند؟ جواب روشن است، هرگز نه.

والسلام

لینک مرتبط...

اسم: وحید الله وحید **محل سکونت:** از تورخم بندر **تاریخ:** 19.12.2020
نوشته ها باید بی تعصب باشند.

چند روز پیش جناب انوری نوشته زیر عنوان « رهنورد که زریافت اما وجدان باخت» به افغان جرمن فرستاده بود من در آن و یکتعداد دیگر نوشته ها بعضی ملاحظات می بینم.

من به رهنورد کار ندارم شاید ملحد و بیدین بوده است، اما باید همه بقایا به یک رقم دیده شود. مثلاً جناب انوری نوشته که سلیمان لایق، نغمه، منگل و ناشناس همه خوب شعر و خواندن داشتند اما چه فایده که در کابل بودند و مهاجرت نکردند. من موافق تان استم باید مهاجرت میکردند، خو احمد ولی هنگامه ظاهر هویدا و پرستو را نمی گوید این تعصب است.
من در اول کمونیستی عسکر بودم، بعد مهاجر شدم. احمد ولی و هنگامه را در کابل میدیدم میخواندند. زه د خلقیانو دوروروی خبر دارم آنها به لباس سارندوی میخواندند. برای انقلاب خلقی خیلی خواندند خو انوری صاحب انتقاد نکردند. او از ببرک که سرکرده بود بد نگفته خو از نجیب بسیار بد میگوید. من هم نجیب را بد می گویم.

ما درینجا از جوالی و درپور گرفته تا دوکاندار بندر و خانه ها همه مجاهد و مهاجر بودیم و تا چند وقت پیش که دروازه تورخم نبود الحمدالله اطفال ما همه از گیت تیر میشدند و در خاک پاکستان درس میخواند.

همین حالا اینترنت و تیلیفون ما از آن طرف تقویه میشود. من در دفتر تجارتي بندری خود از آن استفاده می کنم. تمام نوشته های اینترنت را میخوانم. نن تکی کام مربوط طالبان الاماره و جرمن افغان و آریانا و خبرهای هشت صبحانه و بی بی سی را و نماز خود را با آذان آن طرف تورخم میخوانیم. آذان شام کابل بسیار ناوقت قضا میباشد و آذان صبح نزدیک آفتاب برآمد است هیچ چیز شان به اسلام برابر نیست.

من زندگی رهنورد را خواندم دیگران یک گناه کرده اند او دو گناه کرده، در هر دو اشغال روسی و امریکایی در کابل بود، در حالیکه در نظام طالبان مهاجر بود چرا؟

این خط را به افغان جرمن نوشته کردم نشر نکرد به استقلال نوشته کردم نشر نکرد از آریانا مشکورم چون بیطرف، ملی و بی تعصب است.

والسلام

اسم: م، ع، تره کی **محل سکونت:** فرانسه **تاریخ:** 19.12.2020
هویت باختگی

در میان امراض ذهنی و روانی جوامع بشری یکی هم از دست دادن غریزه تعلق بیک جغرافیای معین است. این جغرافیا به انسان هویت و احساس تملک میبخشد. در مواردی غریزه تملک در حیوانات قوی تر از انسان ها است. چه زندگی طبیعی حیوانات معروض به قیودی که جامعه در فعل و انفعال انسان متمدن تعین مینماید نیست.
به همین دلیل اگر یک شغال در سوراخ یک روبا داخل شود، روبا از خود و خانه خود تا سرحد مرگ دفاع میکند. در حالیکه مواردی وجود دارد که ممکن انسان در تسلط به خانه و ماوای خود به دلایل سیاسی، عقیدوی و ایدیولوژیک با بیگانه کمک کند.
در جوامع بغرنج و کثیر الابعاد انسانی عوامل مختلفی چون فرهنگ، سیاست، ایدیولوژی و غیره غریزه مالکیت را از میان میبرد یا در سطح

نازل تشخیص قرار میدهد.

چهل سال جنگ در افغانستان و استفاده بیدریغ از ماشین های غول پیکر تبلیغاتی در آغاز توسط کمونیزم انترناسیونالیزم و بعداً بوسیله نیوکولونیا لیزم و ماندیالیزم به قصد شست و شوی مغزی جوانان، حالتی را بوجود آورده است که بخشی از مردم نه خود را از افغانستان و نه هم افغانستان را متعلق به خود قیاس میکنند. این قشر اجتماعی را به حق میتوان هویت باختگان نامید. هویت باختگان که انگیزه دفاع از جغرافیائی بنام وطن و ارزشی بنام آزادی ندارند به سهولت در خدمت مراجع استخباراتی قرار میگیرند و در بدل مزد ناچیزی بر ضد منافع علیای کشور و مردم خود استعمال میشوند.

مخاطب من محترم عبدالکریم رحیم است که نمیدانم سر و کله اش از کدام سوراخ و با چه اجرتی بیرون شده است. محترم رحیم لیست طولانی از سوابق کاری طالبان را به رخ ما میکشد. این مطلب که طالبان در گذشته اشتباهات بزرگی را مرتکب شدند، همه با منقد همونوا است. اما به دو نکته باید متوجه بود:

- یکی اینکه طالب امروز طالب بیست سال قبل نیست. عوامل داخلی و خارجی دست اندر کار قرار دادن طالب در شاهراه درک واقعیت های نو است.

- دیگر اینکه نزد طالب احساس وابستگی به جغرافیای افغانستان، به وطن نمرده است. طالب مانند آقای رحیم هویت نیاخته است. طالب یگانه نیروی ملی ضد تجاوز خارجی است که به قوت ایمان و زور توپک امریکا را به خروج از افغانستان ناگزیر ساخته است. طالب افزار مقاصد هژمونیستی امریکا نیست. به دلیل اینکه سر ۲۰۰۰ غمالم دشمن را زیر بال شان نموده است.

طالبان در بخش عمده از پشتون ها ترکیب شده است. تاریخ معاصر افغانستان شاهد است که احساس تعلق به افغانستان (حس مالکیت) و دفاع از آزادی و حق حاکمیت ملی نزد پشتون ها قویتر از سایر اقوام برادر است.

در اخیر باید به محترم رحیم و امثالهم اطمینان داد که مردمی که دعوی باز پسگیری زمین های غصب شده آنطرف خط دیورند را زنده نگاهداشته اند، هیچگاهی زیر اسارت طرف دعوا قرار نمیگیرند. ولو آقای رحیم و همکاران شان بکمک خارجی در رابطه زمینه سازی نمایند.

تصور اینکه افغانستان به مثابه مرکز چندین امپراتوری در طول تاریخ بالاخره تحت کنترل پاکستان درآید، تراوش یک ذهن مریض، علیل و مغرض میتواند باشد.

البته در زمان حاکمیت طالبان به مقتضای وقت پاکستان در امور داخلی افغانستان در مسائل فرعی اعمال نفوذ میکرد. اما در موضوعات عمده ملی مانند خط دیورند و مصیبت بن لادن حرف اول و آخر را طالبان میزد.

آقای رحیم! کوشش نکنید تخيلات و توليدات تبلیغاتی بیگانه را به کرسی حقیقت بنشانید. مردم بیدار و هوشیار شده اند. «پایان»

۱۸/۱۲/۲۰۲۰ دوکتور م، عثمان تره کی

اسم: تره کی محل سکونت: فرانسه تاریخ: 19.12.2020

سایت افغان - جرمن سخنگوی نیمه رسمی اداره مزدور کابل بر مضمون اخیر اینجانب که در سایت های آریانا - افغانستان، دعوت و ن تکی آسیا به نشر رسیده است مطالب انتقاد گونه با چهار نام و عنوان و غالباً از جانب یک شخص به نشر سپرده است.

انتظار چنین انتقادی از موضع حکومت از جانب سایت افغان - جرمن گپ عادی است. آنچه غیر عادی جلوه میکند طرح انتقاد در یک مقطع خاص زمانی است. من در سالیان اخیر در همین موضوع بخصوص صد ها مقاله در رابطه به جنایات جنگی به نشر سپرده ام. جنایتکاران جنگی را اعم از افغان یا غیر افغان از تیغ قلم کشیده ام. اما هیچیک مورد اعتراض قرا نگرفته است. انگیزه اینکه چرا امروز در دفاع قاتلین مردمان ملکی صدای اجنت های اداره کابل بلند میشود، اینست که امید قوی برای تأمین صلح پیدا شده است. متهمین بالفعل و بالقوه کشتار مردم ملکی از روز بازخواست به وحشت افتاده اند.

نظامیان و مدافعین شان در توجیه کشتن جناح دشمن همیشه دلیل میاورند که در برابر شان ملیشای پاکستان قرار دارد. در رابطه به نفوذ ملیشای پاکستان در صفوف طالبان اخبار ضد و نقیضی در بیست سال گذشته پخش شده است. گپ مهم اینست که اداره کابل و وکلای مدافع آن در موضع برحق انتقاد از طالب در اینکه صفوف خود را از ملیشای پنجابی رنگین و سنگین ساخته است قرار ندارد. چه اردوی حکومت کابل خود زیر بیرق بیگانه و در رکاب بیگانه میجنگد. سربازان اداره کابل افزار نقص حاکمیت ملی افغانستان بکمک کشور های متجاوز استند و طالبان که در بخش عمده هموطنان ما استند هم عکس العمل در برابر این تجاوز.

با کمال تأسف که امروز سربازانیکه میباید در دفاع از تمامیت ارضی و استقلال ملی در کنار مردم خود قرار می گرفتند به قاتل مردم خود تبدیل شده اند. سیزده طفل، زن و مردیکه از یک خانواده در ارغنداب به شهادت رسیده اند، همه افغان، غیر طالب، غیر محارب و هموطن اصیل سربازان قاتل اند نه ملیشای پاکستان.

سرباز اداره کابل در پیشگاه عدالت از دو قصور و گناه خود باید جوابده باشد: یکی قتل بدون دلیل افراد ملکی غیر محارب و دیگری دفاع از یک حاکمیت تا مغز استخوان فاسد و آلت مقاصد بیگانه.

اردوی افغانستان در قرار گرفتن در دفاع از یک حاکمیت فاسد و ضد منافع ملی خود را شریک کلیه تخلفات حکومت میسازد. نظامیان از ادامه جنگ زیر بیرق بیگانه بر ضد مردم تا سوء استفاده حکومت از کود ۹۱ باید در کنار مسئولین حکومتی پاسخگو باشند.

به وحدانیت خداوند سوگند، هر باریکه کشته شدن یک سرباز جوان هموطن خود را میشنوم به همان اندازه متأثر میشوم مثل اینکه یک عضو خانواده و یک فرزند خود را از دست داده باشم. هر باریکه خبر مرگ یک طالب بگوشم میرسد دنیای آندوه قلبم را میشکافد. هر دو طرف جنگ هیزم آتشی استند که دودش به ما و گرمی اش به دیگران میرسد.

در اخیر از اینکه گرد و خاک کلوخی که جانب من پرتاب شده است ممکن دانشمند محترم ولی احمد نوری را اذیت کرده باشد معذرت میخواهم. خداوند سایت افغان- جرمن را به صراط مستقیم منافع ملت هدایت فرماید. این سایت طی سالیان اخیر با مشی یک پهلو و جانبدارانه در رابطه به مسائل وطنی اکثریت همکاران قلمی خود را از دست داده است.

اسم: محمد اکبر یوسفی محل سکونت: آلمان تاریخ: 19.12.2020

جناب محترم مومند صاحب!

به اظهار نظر شما احترام دارم. جناب ایشان یک نام شناخته شده است. در کلتور افغانی معمول است، که کلمه صاحب صاحب ذکر می شود. وقتی جناب ایشان در مارکیت تبلیغات از نام "استاد" بهره می برند و هر روز ترشحات "ذهنی" تخیلی ایشان را پخش می کنند و با استقبال وسیع که در همه سایت ها از او صورت می گیرد، این صفت از خلال مطالب نشراتی ایشان حاصل شده است، که به حقیقت نزدیک است.

وقتی این مرید "ماؤ" بر یک حرکت سیاسی، 55 ساله در کشور عقبمانده ما، که اینک قریب سی سال است که دیگر در صحنه سیاسی کشور حضور ندارد و خونچکان از همه حقوق سیاسی و اجتماعی درین کشور محروم است و خود هم چنان وجود خارجی ندارد، تیغ خصومت او از غلاف کشیده می شود، به جاست که ایشان را در محفل "صوفیان" اعزام داشت، که در آن محفل بیشتر شانس مراقبه و عبادت داشته باشد و از عرش عظیم لذت ببرند. یوسفی در حقیقت از ایشان انتظار داشته است، تا فرق میان نظر و اقدام سیاسی را با عمل جنائی فرق کنند. با احترام، یوسفی.

اسم: محمد داود مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 19.12.2020

بروز سوء تفاهات میان نویسندگان و دانشمندان برایم درد آور است

چند ماه قبل شاهد یک سوء تفاهم میان دو سخنور و دو استاد با فضیلت و فضیلت شعار یعنی استاد معروفی و استاد آریا بودم، این دو شخصیت علمی در رشتهای تخصصی و تحقیقی شان بدون شک به مقام استادی رسیده اند و من شخصاً از خرمن فضیلت و دانش شان بهره برداری نموده مستفید شده ام و این استفاده از فیوض دانش شان دوام دارد.

اکنون ملاحظه مینمایم که سوء تفاهم مشابهی میان دو دانشمند، یکی در منزلت استاد یعنی شاغلی محترم نگارگر و دیگری که سند دوکتورا دارد یعنی شاغلی محترم داکتر یوسفی اتفاق افتاده است.

چون همچو مناقشات روی تقسیم حلوا و یا حسادت روی چوکی و بدست آوردن اکتساب مقام و منزلت و کدام جایزه نیست، و عامل بروز آن صرف در تفاوت برداشت های نظریات شان که ممکن در قالب الفاظ و کلمات و جملات شان وضاحت تام برای جانب مقابل نداشته و افاده ظاهری کلام با مقصود نویسنده، ممکن موجب مغشوشیت احتمالی گردیده باشد، محتمل دیده میشود، لذا یک کنگاش علمی و نظریاتی و تفاوت برداشت ها از مسائل، نباید موجب بروز سوء تفاهمی گردد، که از آن بوی کدورت شخصی به مشام رسد.

اگر محترم شاغلی داکتر صاحب یوسفی این نظر مرا جسارت، گستاخی و بی ادبی تلقی نفرمایند، من به لقب اعطاء صوفی به شاغلی استاد نگارگر از طرف جناب شان موافقت ندارم.

زیرا استاد نگارگر هرگز خود را صوفی ندانسته اند و از طرفی هم دوستان و هم فکران نظریات شان، ایشان را به حیث صوفی نشناخته اند، و یا حد اقل من از آن اطلاع ندارم.

هم چنان نباید شناخت و صحبت های شان در مورد مولانای بلخی موجب بروز همچو تلقی گردد.

من در حالیکه از چشم سفیدی خود و به اصطلاح عوام، اوقی گری خود در زمینه معذرت میخواهم، ناممکن نیمیدانم که در همچو موارد با تعاطی بوسه های بردارانه و دوستانه و باظهار یک معذرت کوچک، به التیام جرح وارده پرداخت.

با عرض حرمت

اسم: A. Halim Hakimi محل سکونت: USA تاریخ: 18.12.2020

" حرف آخر من نیز اینکه جناب محمد اکبر یوسفی بدون اینکه من برای خود لقب «صوفی» رابزرگزیده باشم چندین بار مرا صوفی خطاب کرده غیر مستقیم به من فرموده اند بحث بر موضوعات سیاسی درجه دوکتورا به کاردارد و توصوفی ساده لوح را بابتحهای سیاسی چه کار ولی هیچ قانون حقرقاضیان است که من با دادخواهی رازمظلوم سلب نکرده است. "

" فاعتبروا یا اولی البصار! "

,Dear Mr. Negargar

Indeed there are not much knowledge other than the field PhD degree is given for, but while saying that Dr. Yousufi might have a point lookin at your inability to part even momentarily with none-related Arabic state of mind textures visible at the end of your almost every .article

اسم: محمد اکبر یوسفی محل سکونت: آلمان تاریخ: 18.12.2020

چه خوشبخت است روباه، که دم خودش شاهد است!

جناب صوفی نگارگر، که در عین حال استعداد خداداد شعری نیز دارند، و در وقت ضرورت بسادگی می توانند، مشاور شیخ المشایخ و هم در نقش «شیخ الحدیث» عصر حاضر، با اسعار معتبر صاحب معاش بلند شوند، و حیات خود و بازماندگان خود را تضمین کنند، در برابر «مکتب» اینجانب، جوابیه در «افغان جرمن» بدست نشر سپرده اند، ممکن واقف باشند که از دیر زمان است، که این نویسنده در لیست، نویسندگان آن سایت درج نیست. بهر صورت حق دارند، هر چه بگویند. اما وقتی توجه نداشته باشند، که ممکن در جهان متمدن کسی وجود نداشته باشد، که مخالف «عدالت اجتماعی» بصورت عام باشد. این نویسنده در چندین مقاله، کودتا را اگر بدون «خونریزی» و «با خونریزی» بوده است، غیر قانونی خوانده و محکوم کرده است. داد خواهی را برای هیچ کسی منع نه نموده است. اما جناب ایشان «متهم» را نام گرفته، شیوه برخورد او طوری است، که باید در کدام محکمه از نگاه حقوقی، گویا «اقامه» دعوی داشته باشد.

اولاً این نویسنده هیچ باکی به تدویر کدام محکمه ندارد و در پوشاندن هیچ عمل «جرمی» کسی و یا عمل خود، تلاش بکار نبرده است، که جناب ایشان با هوشیاری و مهارت روباه مانند، در جنگل پناه می برد و تأیید افراد را از نوشته های خود نام می برد. ممکن برایش احساس زنده شده باشد، که چه خوشبخت است روباه، که دم خودش شاهدش است!

اینرا هم باید بدانند که محکمه، با نظر خواهی و یا جمع آوری امضاء با «محاکم عدلی» که در آن «قضات» با صلاحیت، بر طبق قوانین مبتنی بر اصول «دولت حقوق» فارغ از هر نوع تبعیض، صورت می گیرد و حکم صادر می شود، فرق دارد. محاکم «پیروزمندان» در هیچ مقطع زمانی، نتوانسته است، مقام یک محکمه عادلانه را داشته باشد. جرم یک عملی است، که در زمان و مکان معین، توسط عامل صورت می گیرد. برای صوفی صاحب، از جانب نویسنده فقط اشاره شده بود که در تصامیم سیاسی توجه داشته باشند که با اعمال جنائی فرق می

تواند داشته باشد. او نظرات سیاستمداران و فیلسوفان را ارزش نداده، فقط خصومت فردی خودش را تبارز داده است. با موصوف دیگر تبادل نظر مفید بنظر نمی رسد. با احترام، دوکتور محمد اکبر یوسفی

اسم: محمد داؤد مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 18.12.2020

جین کته سران افغان جرمن
من مضمون خود را تحت عنوان «جفای بزرگ» اثر محترم شاغلی ملکیار به افغان جرمن نیز فرستادم.
چندی قبل شاغلی داکتر صاحب سید عبدالله کاظم به ارتباط موضوع کودتای میوندوال و شهادت مرحومی، مضمون تحقیقی خود را در سایت افغان جرمن بدست نشر سپرد.

شاغلی ملکیار نیز به ارتباط موضوع کتاب مستندی به رشته تحریر کشید که با تحقیق شاغلی داکتر صاحب کاظم در تضاد قرار دارد.
برای نگارنده این سطور سعادت آن میسر گردید که به ارتباط موضوع و تحقیق شاغلی ملکیار مطالبی خدمت هم وطنان تقدیم دارم که در همان فرصت اول در سایت وزین آریانا و سایت دعوت انتشار یافت.

چون این موضوع در سایت افغان جرمن به شکل وسیعی مورد تحقیق قرار گرفته بود، رجحان دادم که نوشته خود را پیرامون موضوع به سایت افغان جرمن ارسال دارم.

تحقیق در همچو موضوعات باید شکل یک جانبه نداشته بلکه نقاط نظر بر علیه و برله، بگوش هم وطنان رسیده تا در زمینه یک تصویر مقایسوی قضیه به منظور قضاوت عادلانه نرد شان میسر گردد.

افغان جرمن حتی از نشر یک تبصره بسیار موجزم در دریچه نظر خواهی خود که شاغلی داکتر کاظم به حق آن را دریچه «نظر کوبی» نام گذاشته و من آن را لانه زنبور میدانم، خود داری نمود.

البته میدانم که افغان جرمن یک ملکیت شخصی است و هیچ مجبوریتی ندارد که به نشر مطالبی بپردازد که به شامه سیاسی شان (و نه پالیسی شان) موافق نباشد.

ولی کته سران افغان جرمن احساس مسئولیت مطبوعاتی و وجدانی نمیکنند که از نشر دشنام ها و اهانت های ضد کرامت بشری و حتی تعرض به شخصیت نواتی که مانند پدر مرحوم شست سال قبل رحلت نموده اند و در شعار نشراتی خود آن را مخالف پالیسی نشراتی خود، خود داری ورزند!!!

آیا افغان جرمن اسناد و مدارکی را ارائه کرده میتواند که پدر مرحوم من راشی و مرتشی و خائن بود؟
اگر افغان جرمن مدارکی در زمینه همچو اتهامات علیه خودم و پدر مرحوم ندارد، لذا با نشر همچو اتهامات و شخصیت کشی، خود، مرتکب یک عمل جرمی میگردد. باور دارم و معتقدم که در وجدان یک نشریه سالم و غیر مغرض و استخدام شده، همچو اتهامات، جعل کاری و شخصیت کشی، مجال نشر نمی یابد.

امیدوارم شاغلی احسان لمر و نوات حق پسند دیگر که از همکاران دائمی سایت افغان جرمن شمرده میشوند، نظریات خود را به حیث یک محقق به ارتباط کتاب مستطاب فوق الذکر، شاغلی ملکیار در آن سایت بدست نشر بسپاند.
با عرض حرمت

اسم: عبدالکریم رحیم محل سکونت: READING تاریخ: 17.12.2020

آقایون محترم،
آقای عثمان تره کی را یا عقده کور و کر ساخته و یا اینکه مشکل دیگری دارد. از زمان مداخلت امریکایی ها در افغانستان وی از طالبان حمایت میکند، طالبانیکه که زنان محجوبه افغان را بدون کدام عذر «شرعی» دره باران میگردند، افغانهای با عزت و با وقار را بخاطر کوتاه بودن ریش توهین و تحقیر کرده شلاق میزدند، طالبانیکه از نماز گزاران در داخل مسجد امتحان نماز میگرفتند، طالبانیکه در زمان زمامداری شان مجریان امور در وزارت خارجه پاکستانی بودند. طالبانیکه قوماندانان قطعات نظامی شان پاکستانی ها بودند، طالبانیکه در وقت حکمرانی شان نظامیان پاکستان بنام مجاهدین کشمیری در افغانستان مستقر بودند که در پهلوی سایر جنایات شان باغهای مردم دره شمالی را قطع کردند و بت بودایی بامیان را که میراث جهان بود تخریب نمودند.

آقای عثمان تره کی از یک جانب بر ضد اشغال افغانستان توسط امریکا شعار میدهد و از جانب دیگر از ایادی امریکا یعنی طالبان حمایت میکند. بقول میدیای غربی امریکا به پاکستان سال ۵۰۰ میلیون دالر تحت عنوان مقابله با تروریسم میدهد. اسد درانی رئیس اسبق ای اس ای در این اواخر به یک تلویزیون خصوصی پاکستان گفت که امریکا سال ۵۰۰ میلیون دالر به طالبان میدهد. در واقعیت مبلغی را که اسد درانی بران صحبت میکند همان مبلغیست که امریکا بنام ضد تروریسم به پاکستان برای تمویل و تسلیح طالبان میداد و میدهد. امریکا مصارف دفتر طالبان در قطر را که مبلغ ۱۵۰ میلیون دالر در سال است هم میپردازد. طالبان اجیران جنگی اند و برای خیر و ترقی افغانستان هیچ برنامه ندارند. اینها دشمنان استقلال افغانستان هستند و مبارزه و جهاد علیه شان وجیبه ملی هر افغان است. اردوی افغانستان با شهامت علیه این «شعبه ای اس ای» میرزمد و مخالفت با آنها توهین به این ملت و عمل ضد منافع ملی افغانستان است.

با عرض حرمت

اسم: Dr. Salah Sayedi محل سکونت: لندن تاریخ: 16.12.2020

سلام
یک از عادات بد ما و کاش یکی

ما عادت کرده ایم که بعضی ها را به جای میرسانیم که نعوذ بالله کم است که برایش سده کنیم و ما بعد چنان بد میگویم که از وی رذیل ترین انسان دیگر نبود. واقعیت چنین است که این افراط و تفریط و گاهی درین گذشته ماندن سخت مضر و کشنده است. گذشته را برای حال و آینده در یاد همیشگی داشتن حتمی است و من به گذشته را صلوات موافق نیستم. اما گذشته را در چوکات گذشته دیدن هم ضرورت است.
به یک شخص هندی مواجه شدم جوان هم بود با چنان عظمت از افتخارات دور حاکمیت مسلمانان مانند جز تاریخ هند صحبت و بحث داشت که بحث مختصر وی را فراموش کرده نمی توانم.

ایتالویان از عظمت روم و اقتدار، فرهنگ و افتخارات و جهان گشایی صحبت دارند و به دور و علایق برده گی آن زمان نه چسبیده اند.
شخصیت های مطرح نیم قرن اخیر ما و افراد مطرح در آن در مقطع های مختلف تاریخ زندگی خویش کارنامه های خوب و بد داشتند و یکی

زیاد و دیگری کم خدمت کرده و بعضی ازین مراحل زندگی این شخصیت ها قابل افتخار خود شان وما اند. امان الله خان غازی ممثل و سمبول استرداد استقلال افغانستان و مرد ریفورم و اصلاحات بود اما فراموش کرده نمی توانیم که از مردم به جبر و زور مالیات سه سال قبلاً جمع آوری کرد تا مصارف سفر خود را به جهان تهیه کند و ریفورم را بدون رفتن به عمق قضایا در تبدیل کردن تنیان به پطلون هم خلاصه کرده. این ظلم و تعدی که صرف درین عرصه شده کجاست. شخصیت های دیگر سیاسی و نظامی کشور هریک لحظات در زندگی شان دارند که موجب افتخار خود و ملت اند و لحظات هم است که اگر خود دوباره انتخاب میداشتند چنان لحظات را در زندگی خود دیدن نمی خواستند. داؤد خان مرحوم، داکتر نجیب الله و ... ارین قاعده ها مستثنی نیستند.

مشکل عصر مدرن تاریخ کشور ما حتی از احزاب سیاسی و حتی احزاب مدرن کسیکه یکبار بار رهبر شد، تالب گور رهبر است و ماندن والا نیست. لذا حزب و سازمان سیاسی که در جامعه و دیموکراسی امروز بس مهم و جز متمم این ساختار باید باشد عوض اینکه متمم، ممد و تکمیل کننده شود، مانع آن می شود و آب زلال، شیرین و خوردنی به گذشت زمان طولانی با ماندن دریک جای به زهر و گند مبدل میشوند. هفت سال قبل با خود آب زمزم در جعبه ای پلاستیکی سربسته یک بار مصرف آورده و نگه داشته بودم که روزی آنرا مصرف خواهم کرد. چند روز قبل یکی از بکسها را باز کردم این آب زمزم را دیدم که سبب مسرت من شد ولی متوجه شدم که بالای آب مذکور تاریخ تحریر است و مرور هفت سال آب مقدس و تبرک را کاملاً زهری ساخته بود.

ما باید این را بدانیم که این شخصیت ها حاضر و تأثیر کشور ما مقدس نیستند و در مراحل مختلف زندگی خوبیها و کم وکاستی های خود را مانند هریک از ما و شما دارند. بعضی از کاستی ها قابل تلافی و مرمت نیستند و لی بعضی بلی. بیعضی بخشیدنی نیستند ولی بعضی دیگر بلی. کارنامه های خودب شان قابل افتخار ولی در تفاوت دیدگاه به جان هم افتادن و تاریخ را عوض خونسردی با رد و بدل کردن کلمات رکیک خواندن و مطالعه و بررسی کردن نوعی از تکلیف روانی هم است.

دقت باید کرد تا خود را خود تداوی کنیم. از سی پی های خط شده که همیشه به دور خود میچرخند برآمد و از سی پی های مدرن و مطابق عصر با یک دید وسیع تر استفاده نموده و شهادت تجدید نظر در افکار و مواضع خود را به صورت معقول داشته باشیم. من باور دارم که ما چنین توان در خود پروراندیده و نمو داده میتوانیم. بیابید امتحان کنیم. تشکر داکتر صلاح الدین سعیدی ۱۶/۱۲/۲۰۲۰

اسم: خلیل الله معروفی **محل سکونت:** المان **تاریخ:** 16.12.2020

درود و دعای فراوان به برادران به جان برابریم، هریک "عارف جان عباسی" و "داوود جان مومند"!!! در مدت طولانی غیابت و به اصطلاح شیرین معمول ما "غیرحاضری"، که بنا بر گرفتاریهای روزگار بر من طاری گشته بود، از نوشتن و خواندن معمول، دور مانده بودم. با آن هم دزدکی و به اصطلاح عوام کابلی "دزکائی"، مطالب منتشره سه صفحه مورد نظرم را مرور میکردم. مرادم از پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"، وبسایت "آرینا افغانستان آنلاین" و پورتال "افغان جرمن آنلاین" است، که بلاناغه از آنها "خبرگیری" میکنم. سراچه نظرخواهی دو صفحه اخیر هم هیچگاه از نظرم دور نمیماند. درین مدت بسا نکات را خواندم و درد بسا سخنان ناوارد مقالات را به قراری خوردم و قُرت کردم. در پهلوی سخنان ناگوار، اما سخنان نوازشگری هم از عزیزان خواندم؛ در رأس همه سخنان نوازنده و لطف آمیز برادران عزیز به جان برابریم، "عارف جان عباسی" و "داوود جان مومند"، که هرکدام نویسنده توانا و دلسوز وطن هستند؛ و لحظه ای را فروگذار نمیکنند، مگر این، که لب به حقایق بگشایند و از درد بیکران وطن دردمند و عزیز دل همه ما سخنها گویند. بدین وسیله روی قلم هردو عزیز را میبوسم و از الطاف مکرر و بیکران ایشان سپاسگزاری میکنم. په درناوی

اسم: عارف عباسی **محل سکونت:** کالیفرنیا **تاریخ:** 15.12.2020
دوست محترم؛ عزیز و گرامی ام جناب خلیل جان معروفی!

احسنت، هزاران شادباش و آفرین به شما ای فرزند صدیق میهن که با نهایت شهادت و شجاعت و تحت فرمان انگیزه های حب وطن و ایفای دین ملی با مساعی و تلاش های متداوم برای نگهداشت اصالت های افتخار آفرین این کهن سرزمین زادگاه تمدن ها و پرورشگاه ثقافت هاو جایگاه علما، حکما، ادبا، شعرا، سخنوران، مصوران و هنرمندان و مکتب اصلی زبان لطیف، شیرین و خوش نوای دری/فارسی پایدار استوار و عزم پولادین عالمانه مبارزه می کنید.

متأسفانه این دارندگی های بزرگ و پر افتخار ما با نهایت بی رحمی خائنه، مزورانه و محیلانه در غفلت عمدی یا نا آگاهی جاهلانه اربابان ویا مشتکی دون همتان خود فروخته، گماشته و در گیر مانده زنجیر اسارت عدوان دیرین این وطن مورد تهاجم و فرو پاشی و درهم شکستن قرار گرفته است. ولی خوش بختانه وطن را چون معروفی فرزندان است که به رموز این طرح های خائنه پی برده در افشای آن و روشن ساختن اذهان مردم که نمی دانند، خدمت می کنند.

تبصره سراپا واقعیت شما در مورد "اعظم رهنورد زریاب" که هم دوره ام درمکتب حبیبیه بود و با وی شناخت داشتم، در آن وقت "رهباب" تخلص می کرد و نه زریاب"مورد پسند، تأیید و تحسین من قرار گرفت. شما بی هراس در مسیر خلاف جریان تند ثنا و صفت که توسط رسانه ها و یا جمعیت متشکل از مردمی که خود رهرو عین طریق مرحوم اعظم بودند و یا قضاوت شان سطحی و نا آگاهانه بود، ایستادید. دو دولت مرد افغانستان هم در وصف مرحومی سخنانی گفتند. گمان نمی برم که اشرف غنی و عبدالله از "اعظم" شناختی داشته و کدام اثرش را خوانده باشند مگر اینکه احتمالاً مشاوری برای شان چیزی نوشته و آن ها خوانده اند. چنان چه از اناهیتر ارباب زاد، سلیمان لایق و ثریا بلیکا خواهر وکیل تعریف و توصیف شد. به هر حال چنین تبصره های شما مورد خوشنودی، مسرت و تسلیت خاطر حقیقت پرستان است. ممنون شما. موفق باشید.

اسم: محمد اکبر یوسفی **محل سکونت:** آلمان **تاریخ:** 15.12.2020
محترم داکتر سعیدی!

منته چی دا کرینی مو لوستی. زه فکر کوم چی اصلاً زما اشارو ته مو توجه نده کری. ما داسی فکر درلود چی تاسی، ستاسی اکادمیک لقب

ته متوجه کرم. خبره پدی نده چی چیرته د دیموکراسی د نوم څخه بده استفاده سوی وی. تاسی باید تر عادی انسانانو، په دی مفهوم زیاتره پوه سی. نور نو د زیاتو تبصرو څخه ستاسی سره معذرت غواړم. زه پخوا هم پوهیدم چی پوهه میراثی نده. په درناوی، یوسفی.

اسم: صلاح الدین سعیدی محل سکونت: انگلستان تاریخ: 15.12.2020

سلام معزز رور داکتر یوسفی
ستاسی نظر می ولوست او ورنه مستفید شوم. اوږده بحثونه دي او ډېرې باریکې لري. مستقیمه او د استازو په واسطه او انتخابات او بیا ملت 5 کاله د تحمل حالت دا او دا ټول د حل لارې او جزییات لري او د مطبوعاتو نقش په دغه برخو کې سخت مهم دی. بشریت همدا ماته گوډه دیموکراسی لري او د هغه باید د 21 سدی د قوانینو ترسیوری لاندې گټه اخیستل په کار دي.
پو بحث په لاندې لینک کې 40% زمونږ د بحث سره رابطه لري چې لاندې راوړم. مننه <https://youtu.be/Xauj21BzHNS>

اسم: A. Halim Hakimi محل سکونت: USA تاریخ: 14.12.2020

"یک گفټ و گوی خیالی با جارچ
"برنارد شا" (SHAW Bernard) درامه نویس ایرلندی"

A valid admiration goes to Mr. Negargars' ability maneuvering flawlessly between Idealism and Realism as if the two established terms are compatible. The former is all set from or via the original .source while the latter folds as it happens mostly naturally

اسم: دوکتور محمد اکبر یوسفی محل سکونت: آلمان تاریخ: 14.12.2020

محترم داکتر سعیدی!
لمری سلام می ومنی.

فقط یوه آرزو می ستاسی څخه داد ده چی د ځینی اصطلاحات او مفاهیمو پر خلاف داسی غیر اکادمیک موقف و ننیول سی، چه گواکی د اصولو گناه وی. دیموکراسی، د آزادی، صلح او سپکولاریزم په فضا کبنی د یوی تجربی په حیث انسانی ټولنی ته د علماو د خوا څخه توصیه سوی. ځینی فیلسوفان حتی د «نمایندگی» د دیموکراسی» پر ځای چی یو ځل رای اخلی او بیا ټوله دوره هر څه چی وسوه، وخت تیروی د «شوراگانو» یا مشورتی جرگه او د هغو مستقیم تصمیم او اجرائیوی صلاحیت ته ترجیح ورکوی. که چیری په پوره ټولنه کبنی څو غله او قدرت غوښتونکی د زور خاوندان د دیموکراسی کلمه استعمالوی، نیاید د هغو، دیموکراسی د تعریف سوی کلمی سره چی په عمل کبنی د مثبتی نتیجی انتظار درلودل مجاز وی x مغالطه سی... به درناوی، یوسفی

اسم: محمد عالم محل سکونت: کانادا تاریخ: 14.12.2020

تشکر!

در آینده توجه خواهد شد. بهتر است، انسان نظر نداشته باشد.

اما کسانی که دارای موقف اند، ازین وسیله در تحریف نظرات عمل می کنند. وقتی اعتراض شود، بعضاً نشر نمی کنند. بااحترام، محمد عالم

اسم: خلیل الله معروفی محل سکونت: المان تاریخ: 14.12.2020

گردن "مهرة ایران" شکست!!!

خواندم و خواندید و خواندند، که "اعظم رهنورد زریاب" رهسپار دیار معدومان گشته و به اصطلاح شیرین عامیانه کابلی "شکل خود را گم کرد".
گرچه گفته اند:

به مرگ کسان دل مدارید شاد

که گردون همیشه نگرده به داد

ولی باز گفته اند، که:

ظالم بمرد و قاعده زشت ازو بماند

عادل برفت؛ و نام نکو اختیار کرد

"اعظم رهنورد زریاب" به خاطر نوشتن داستانهایش مشهور گشته بود. کمتر کسی مگر میدانند و میدانست، که این فرد ظالم و تبهار، "مهرة اعظم ایران" بود و همو بود، که بزرگترین "عامل افغانی" ایران در "تهاجم فرهنگی ایران" شمرده میشد. مسخ کردن ادبیات معمول ملی و افغانی، در تلویزیونهای مختلف داخل وطن، بزرگترین خیانت "زریاب" بود.

هروقتی نام "زریاب" را میشنوم، "خر طلائی" در برلین به یادم می آید. امید است، به زودی فرصت دست دهد تا ضمن نوشته مفصلی، از تبهاربهای "زریاب" - این خائن طلائی - پرده بردارم!!!

اسم: محمد عالم محل سکونت: کانادا تاریخ: 13.12.2020

به اداره محترم آریانا افغانستان آنلاین!

احتراماً عرض است.

از اینکه بعد از اظهار نظر اولی، جناب کاسی بدون اینکه مشخص نام بگیرند، اصطلاح انگلیسی را طوری بکار برده است، که تا حدی موهوم بنظر می رسيد. محمد عالم توضیح بعدی را به خاطر رفع احتمالی غلط فهمی فرستاد. بااحترام

شاعلی محمد عالم،

منظور ما این نبود که شما چرا توضیح میدهید. منظو ما این بود که این شخص در این سایت تشریف ندارد! ما چندی قبل این یادداشت را خدمت تان تقدیم کرده بودیم

یادداشت آریانا افغانستان آنلاین

اخیراً بعضی از قلمبستان گرامی، برخی نوشته ها و نظرات شان را در وبسایت آریانا افغانستان آنلاین به نشر میرسانند که اصل موضوع مورد بحث شان یا در شکل و ساخت یک اعتراض، انتقاد و یا به صورت تقریض و تأیید، در وبسایت دیگری به نشر رسیده است، این نوع نوشته جات و یا نظرات تا حالا صرف به خاطر رعایت ادب و حرمت به قلمبستان محترم بوده است و نه به تأیید و موافقت با آن نظرات منتشره.

بدین جهت اداره وبسایت آریانا افغانستان آنلاین یادآوری می نماید که: قلمبستان محترم تذکرات شان را پیرامون موضوعات منتشره در سائر وبسایت های محترم فقط به همان وبسایت ها جهت نشر بفرستند، مخصوصاً که اگر تذکرات شان حاوی نقاط نظر مخرش، جنجال بر انگیز و موهن باشد. طور نمونه یکی از محترمان نوشته شان را برای وبسایت دیگری نوشته بودند که در متن تحریریه شان کلمه "این وبسایت" نام برده می شد، در حالی که وبسایت ناشر، "این وبسایت" یعنی آریانا افغانستان آنلاین نبود که نوشته مورد اعتراض آن آقا در آن نشر شده باشد. وبسایت آریانا افغانستان آنلاین متعهد به محترم شمردن جدی حرمت به دیگران و سایر وبسایت ها بوده و لذا نمی تواند چنین تذکرات و نوشته جات را نشر نماید.

نویسندگان گرامی وبسایت آریانا افغانستان آنلاین اگر نقطه نظری در باره نوشته های منتشره در سائر وبسایت ها داشته باشند واضح است نظرات خویش را به همان وبسایت ها خواهند فرستاد، ولی اگر بازهم مایل باشند که نظراتشان در سایت آریانا افغانستان آنلاین اقبال نشر یابد، با مراعات موازین پالیسی ما و حفظ حرمت دیگران، زمینه برایشان مساعد است

اداره

اسم: A. Halim Hakimi محل سکونت: USA تاریخ: 13.12.2020
"ورود به موقع و معنی دار"

Almost every country that has an actionable say in the political affair of the world, presently are involved in Afghanistan.

And since the positioning of such multidirectional involvements are primarily handled by intelligence agencies first, prominence and rotation maneuvering of personalities and assets to fill the potential coming gaps likely a marketing test and preparation.

تقریباً هر کشوری که در امور سیاسی جهان ابتکار عمل دارد، فعلاً در افغانستان دخیل است. و چون تطبیق این نوع دخالت های چند رخه در قدم اول توسط سازمان های استخباراتی ترتیب میگرددند، مانور های شخصیت سازی و تغییر و تبدیلی این اشخاص برای پر کردن خلا های محتمل آینده احتمالاً یک آزمون بازاریابی و آمادگی است.

ترجمه از: آ.ا.ا

اسم: محمد عالم محل سکونت: کانادا تاریخ: 13.12.2020

جناب کاسی صاحب!

شما درست می گوئید. ممکن است به تیوری توطئه آگاهی وسیع داشته باشید و به آن باور کامل داشته باشید. در عنوان یکی از کتب خوانده شد، که "صادق احمق است" اما از گزارشات و نظریات دیگر شما هم چنان می دانیم که توجه شما بر کنترل خارجی ها، بر اوضاع کشور است. شما معتقد هستید که هیچ چیز بدون اراده "غربیها" و یا "اروپاییها" درین کشور از جا بی جا شده نمی تواند. در مورد چنین یک تصویر محمد عالم معلومات ندارد. اما در نوشته اخیر و کوتاه محمد عالم، این امتزاج "راسیزم نژادی" و "راسیزم مذهبی" را حاصل عمل گروپ های اشتراک کننده دعوت شده افغانی در "بن" می داند، که در تحت نفوذ، تمایلات "نژادی" و "مذهبی" و مفاهیم "اقلیت" و "اکثریت" و مفکوره و اندیشه های "جهادی" در تحت تأثیر "منتفدین" و "جنگ سالار ها" و به احتمال قوی به هدایت استخبارات "شوونیزم منطوقی" صورت گرفته باشد که قدرت سیاسی را طوری تقسیم کرده اند که بدین ترتیب راه دیموکراسی را درین کشور برای ابد بسته اند. آنچه محمد عالم برای شما می گوید اینست، که هیچ قدرت "غربی" علاقمند نیست که یک "حاکمیت خاص" را در کشور دیگر برقرار کنند. آنها که دولت های قانونی و استقرار دیموکراسی را در اختیار دارند، از جانب مردم خود هدایت می شوند، نه از جانب "افراطیون مذهبی" و "نژاد پرستان"، فقط متوجه اند، که از قلمرو دیگران صدمه به حیات مردم و کشور های آنها، نرسد.

جناب کاسی صاحب، ممکن است در مورد آگاهی ها که یقیناً محدود است، از یکدیگر کمی تفاوت داشته باشیم، اما در بی خبری های بیحد، همه یکی هستیم.

با احترام

محمد عالم

جناب محمد عالم،

دیده میشود یادداشت آریانا افغانستان آنلاین را شما نادیده گرفتید. شخصی بنام کاسی درین دریچه و "این سایت" وجود فزیک و مجازی ندارد. و اگر باز هم علاقمند نشر نظر خود برای خوانندگان آریانا افغانستان آنلاین استید، لطف نموده و برای زدودن ابهامات در نشر چنین نظر یکی دو سطر توضیحاتی ارائه فرمائید تا خواننده در تاریکی نماند. اداره

اسم: دوکتور غروال محل سکونت: وینا تاریخ: 13.12.2020

د امریکا جنایتی وحشت اوددی مملکت غولیدونکی شعارونو (دیموکراسی ، د بنخو حقوقو ساتل او د ملت د هوسا ژوند شرایطو برابرول) لاندی افغانستان په رنگارنگو فریبو تر استعمار لاندی کړی دی او خپل روزل شوی جاسوسان ئی په قدرت راوستل او ملیونران ئی کرل او کوشش کبني وو اودی چی پر ملت دا قاتلان او زهرناکه مکروبوته په ملت باندی حکمرانان او افغانی سیاستمداران جبراً قبول کړی او کوشش کبیری چی په جهان کبني دوی او هم د کوچنیوالی څخه تربیه شوی طالبانو (دا بل نوع امریکائی پلیته درامه ده) ته د یوازی رهبری حق تضمین شی ! امریکا هڅه کوی چی ددی خبیث پلان لپاره نه یوازی خپل غلامان اقتصادی قوی کړی بلکه ددی تقوئی لپاره داخلی او خارجی افغانی میدیاگانی او انفرادی اشخاص هم د دالرو په کومک ددی تبلیغاتو لپاره ددی اجراکوی لکه اوس د قاتل او چورکونکی امرالله صالح (نا صالح) لپاره تبلیغاتی ډنډوری روانی دی او ادعا کوی چی قاتل جاسوس صالح یوازی کس دی چی افغان ملت ته دقاتلانو او چورکونکیو څخه نجات ورکړی اما دا دروغجن تبلیغ کونکی هیڅ وخت ددی یاده نکوی چی صالح یوازی ددی فریبی شعار لاندی خپل مخالفین او کوچنی کیسه بوران له مینځه وری او نوموړی به هیڅکله د ځان په شان قاتلانو ، چورکونکیو باندی به غرضداره نشی او دده مصنوعی لفظی مناقشه د قاتل عطا نور سره یوازی د عوامو غولونی لپاره ډرامی صحنه وه او دی!

بلی دا حقیقت دی چی چیری امریکا د خپلو غلامانو په واسطه کوم مملکت ته داخله شوی دی نو دی مملکت ته ئی فساد ، وحشت ، فحش او نژادی تفریقی راوړی دی دا پلیت عمل خبیث انگلیس د خپلی امپراتوری دوره کبني هم تعقیبولو!

اتحادی شوروی او اوسنی روسیه د امریکا مکروبی سیاست څخه کم نه وو او نه دی دوی دواړو په خپل نوبت سره افغانستان کبني هم خپله او هم د خپلو غلامانو په وسیله افغان ملت عام قتل کړی او پاتی ئی د تباهی سره مخامخ کړی دی اما شوروی خائین قدرت د ملت په ستره قربانی د خاوری څخه وشړل شو او امریکا فریبکاره خائین قدرت هم په مندو کبني دی !

د کمونستانو په وخت چا چی شوروی مهر دلرود نو د مقامونو اعتبار ورباندی کیده او اوس چی د امریکا او ځینو غربی ممالکو مهرونه ولری هغوی اوس دا موقف نیولی دی ! افغانستان ملت ته به هیڅکله ددی قاتلانو ، غلامانو او تربیه شوو جاسوسانو موجودیت کبني صادقانه او ریښتونی صلحه رانسی ، افغانستان ملت ته امریکا او روسیه نه یوازی د جنگونو خساری باید حتمی ورکړی بلکه امریکا باید د خپلو غلامانو څخه د ملت پر نام ورکړشوی ډالرونه واخلی او ملت ته ئی تسلیم کړی او دا کمونستی او جهادی ؟ او دیموکراتیک ؟ مکروبوته ټول د ځانو سره امریکا ته انتقال کړی ، افغان ملت د خاوری استقلال او ملت ازادی لپاره به دومداره سوکرک (جوازی ږودی) او د غنمو وچه ږودی ته بهتری ورکړی او د اجنبیو مقابل کبني به سلاحگانی په ځمکه کبندی ! د افغان ملت ته پدی ۴۷ کالونو کبني د همدی خرڅ شوو تش په نامه افغانانو دا دوزخی اور راوړی دی او همدا مضر مکروبوته څه په داخل او څه په خارج کبني اوس هم د ملت تباهی لپاره ډالرونه تر لاسه کوی ، نور بس دی دا وخت راتلونکی دی چی د ۴۷ کالو ملی خائینان (کوم چی لا ژوندی دی) سره د مداری کرزی او چیغی وهونکی اشرف غنی به ملی محاکمه کیدونکی وی ، اشرف غنی د خپل غیرتی پلار له خوا د امریکا پرغلگر سره د همکاری او جاسوسی په خاطر عاق شوی وو نو هر څوک چی دداسی وطنفروشانو تبلیغاتی حمایت کوی هغوی باید نه یوازی ورتل شی بلکه هغوی ته د ملی مجرمینو په سترگو باید ولیدی شی !!!!

یوه بی سواده جاسوسه او د امریکا مهر لرونکی د معارف وزارت نامزده بشځینه وزیره (چی د افغان غیرتی میرمنو ابرو او عزت ته ئی ستره صدمه ورسوله) د امریکا په هدایت د طالبانو خوشحالی لپاره د کوچنیانو لپاره ئی جماعتونه د مکتبونو په عوض رسمی اعلان کرل او ددی څخه دوهم متفکر ؟ او قاتل فیشنی نه یوازی کاملاً آگاه وو بلکه ددی په مصلحت سره د افغانستان راتلونکی نسل لپاره د جماعتونو پروگرام په پښتنو سیمو کبني رامینځ ته شوی دی او هڅه کبیری چی پښتانه نه یوازی بی سواده پاتی شی بلکه ټول پښتانه په بین المللی شکل سره ترورستان معرفی کړی شی دا د امریکا سی آی ای او پنجابی پاکستان آی اس ای ارمان به دا بی سواده نامزده وزیره او اشرف غنی + دده انډیوال قاتل جاسوس عبدالله له ځانو سره قبرونو ته یوسی ، افغان غیرتی ملت د افغانستان استقلال لپاره همیش متحد او همیش ئی دی مقدس هدف کبني کامیابی نصیب شوی دی او دی ځل به هم خپله کامیابی تر لاسه کوی!!!!

اسم: محمد عالم محل سکونت: کانادا تاریخ: 12.12.2020

! هموطنان عزیز

! سلام بر شما

کنفرانس بن در سرنوشت مردم افغانستان در لایالی تصامیم آن، خیانتی را مرتکب شده است، که برای "راسیزم نژادی" و "راسیزم مذهبی" برای ابد، تخم فساد و نفاق پاشیده است. زمانی در حاکمیت حامد کرزی او را "نماینده پشتون" و "اسلامیست (سنی)" یاد کرده اند، "معاون اول" را "تاجیک" (سنی) و معاون سوم را هم "هزاره و (شیعه)" در بازار انتخابات نمایشی فروختند. در یک و نیم دهه بعد هم، همان ترکیب را مراعات کرده اند. در دوره اول "غنی" وقتی معاون اول "غیر تاجیک" تعیین شد، در تمام دوره عملاً راه صلاحیت کاری او را به هر بهانه، که بوده است، بستند. حال هم این مثلث "راسیستی" بر سه "پا" ایستاده است. به ظاهر "پشتون - تاجیک - هزاره" با "شور نخوت شیعه" و "قروتی سنی" همه و همه را هم "ملی" و هم "اسلامی" عرضه کرده اند. مثلث "ارگ" از جانب میدیا های الکترونیکی در مرکز توجه مقابله های لفظی گروپ های بی سر و بی پا، قرار گرفته است ازین راسیزم بیشتر دولت های ایران و پاکستان سود می برند. جان از مردم افغانستان می گیرند. بدترین راسیزم در تاریخ جهان شمرده می شود.

با احترام

محمد عالم

اسم: محمد داود مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 10.12.2020

گران او محترم اختر محمد خان یوسفی صاحب

یو ځل بیا زما سلامونه او د زره له کومی نیکی هیلې ومنه.

او همدا راز یو ځل بیا ستاسی د توضیحاتو نه مننه.

زه ستاسو د ټولو مدعیاتو سره موافق یم

دا حتمی نده چی څوک د روسی، امریکی، ایران او حتی پاکستان په تگ روسی، امریکن، ایرانی او یا هم پاکستانی شی.

هغه معروفه وینا چی موسی د فرعون په کور کی ستر شوی د ادعا مصداق گنل کبیری.

یا هم د حبیب الله خان په کور کی غازی امان الله خان پیدا کبیری.

خورا خویش شوم چی مور د محترم حفیظ الله خان کرزی صاحب غوندی مشترک دوست لرو، کرزی صاحب د هغه معدودو او د گوتو شمیر دوستانو څخه دی چی ما به تمامه معنی سره پیرنی.

که څوک زما د پیژندنې په مورد کی زما نه رفرنس و غواړی، زما لمړی رفرنس به کرزی صاحب وی. کرزی صاحب د یوه کلک پرنسپ خاوند دی چی خپله آبرو به د جمهوری ریاست د مقام سره هم معاوضه نکړی او زه په خپلی ادعا ایمان لرم.

که زموږ ملیگریان لکه د افغان ملت د گوند مشران، د کرزی صاحب غوندی په خپل پرنسپ وفادار پاتی شوی وی، نن په ما د هغوی په ملگرتوب افتخار کولای، څرنگه چی دا بی ایمانه ملی گرایان د غربی نړی د اشغال حامیان شول، نن زه پر هغوی لعنت وایم. لدی څخه چی ددی کمسواده او مات قلم مضامین لولی، زما د تشویق موجب کرزی. په هیواد کی د ملی حاکمیت د لمر د ختلو په هیله په مینه او درناوی

اسم: **داکتر سعیدی محل سکونت: انگلستان تاریخ: 10.12.2020**
تبریک ملت افغان!

افتتاح راه آهن خواف - هرات را به کل ملت افغان و ملت ایران و به حکومت افغانستان مبارک باد گفته و آنرا نقطه عطف بزرگ در توسعه روابط افغانستان با جهان میدانم.

بلی این توسعه و این نوع برنامه های بنیادی افغانستان را از وابستگی یکجانبه به پنجاب رها کرده میتواند و میکند. بلی همین علت است و یکی از عوامل اساسی همین است که دشمنان افغانستان در رأس استابلشمنت پاکستان به نهاد براندازی و سیستم براندازی در افغانستان کمر بسته و از تمام وسایل و امکانات و از جمله از مذاکرات صلح قطر و مذاکرات صلح بین الافغانی برای رسیدن به این هدف شوم نظام براندازی و نهاد براندازی در افغانستان به کمک نوکران داخلی به صورت دوامدار کار م کرده اند و میکنند.

ما دهها نواقص و حتی صدها نواقص در 20 سال گذشته در نوع حاکمیت و دولرداری افغانی را میدانیم و راههای حل را نیز به صورت دوامدار مطرح کرده ایم، ولی به هیچ صورت به نظام براندازی و سیستم براندازی در افغانستان موافق نیستیم و تلاشهای نظام برانداز و سیستم برانداز را مردود می‌شماریم.

زنده باد ملت افغان

زنده باد افغانستان و خدمتکاران آن!

از خدمات باید قدر دانی کرد.

10/12/2020

اسم: **Akhtar Yusufi محل سکونت: Fair fax VA تاریخ: 10.12.2020**

معظم مومند صاحب یو نری مننه ،

زه ستاسو د لیکنو لوستونکی یم او ستاسو د گران هیواد د مینی سره اشنا یم، ستاسی ملی موضعگیری ماته نه یواځی دا چی ماته د قدر وړ دی بلکه ماته په زړه پوری دی او زده کړی می تری کړی دی. ستاسو د تاریخی ژوندی لیکنی ماته د حقیقت هینداره ده. ما ځکه په دی هکله څه لیکلی وه چی څو ورځی د مخه زموږ او ستاسو یو مشر حفیظه الله خان کرزی پدی هکله د یو چا یوه لیکنه واستوه چی و سهیلا جانی ته ډیر بد او رد پکینی لیکلی وه زه ډیر خوادی شوم، نه غواړم چی د هغه سړی نوم دلته ولیکم.

خدای بختلی داکتر سهیلا جان صدیق په ۱۳۶۱ ش کال کینی زما د زخمی اخنسی شیراحمد جان مشهور په خروش د عسکری مکلفیت د دوهمی دوری د ټپونو تداوی یی د سردار داوود خان څلور سوه بستریزه عسکری روغتون کینی کړی وه، زما پیژندگلو ورسره پیدا شوی وه، نو می دا لاندی خپله خاطره په دری ژبه لیکلی وه چه تر اوسه هم ندی نشر شوی.

« در گرماگرم روز های داغ ماه اسد تابستان سال ۱۳۶۱ شمسی بود، خسربره ام شیراحمد سرباز در هنگام وظیفه زخمی شده بود، من به بسیار عجله به دیدنش به شفاخانه چارصد بستر اردو رفتم. در آنروزها نسبت علمیات های وسیع تابستانی دشمنان افغانستان، زخمی های زیادی را از جبهات جنگ به شفاخانه چارصد بستر آورده بودند، در همه جاه های شفاخانه چارصد بستر از دحام مردم بود، پای وازان مریضان منتظر اجازه ورود بداخل شفاخانه چارصد بستر بودند، بعد از انتظار لین دور و دراز پای وزان در دروازه ورودی شفاخانه عسکر نوکریوال دروازه به من هم اجازه داد تا به دیدن مریض خود در منزل ششم اطاق مراقبت عاجل شفاخانه بروم.

وقتی داخل اطاق مراقبت عاجل شفاخانه شدم، دیدم که خسربره ام شیراحمد سرباز که ما او را در خانه خروش صدا می‌کردیم، بعد از عملیات جراحی که توسط داکتر رمکی انجام شده بود، درد بسیار شدید دارد. بعد از احوال پرسی از وی از علمیات جراحی و درد شدید خود برایم شکایت کرد. خروش برایم گفت که من در هنگام عملیات جراحی با داکتر رمکی پرخاش نموده ام، ممکن داکتر رمکی در جریان عملیات ام قصداً بی توجهی کرده باشد و حالا درد بسیار شدید دارم. من دفعتاً برای کمک و رفع شکایت درد شدید خروش نزد داکتر ولایت خان رئیس شفاخانه چارصد بستر رفتم. داکتر ولایت خان به اطاق عملیات عاجل شفاخانه با داکتر سهیلا جان صدیق تلیفونی صحبت کرد. رئیس شفاخانه به داکتر سهیلا جان گفت که سرباز شیراحمد در اطاق مراقبت جدی است مگر بعد از عملیات درد شدید دارد، لطفاً در عملیات بوی عاجل کنید. رئیس شفاخانه برایم گفت که بروید داکتر سهیلا کمک می کند. درحالیکه دوکتور سهیلا جان تمام شب گذشته هم عملیتهای جراحی زخمیها را انجام داده بود، هیچ خواب نشده بود، قبل رسیدن دوباره من به منزل ششم شفاخانه، خروش را به اطاق عملیات جراحی شفاخانه برای عملیات انتقال داده بودند. بعد از حدود سی الی چهل دقیقه بود که داکتر سهیلا جان مانند فرشته از اطاق عملیات جراحی شفاخانه که تا هنوز لباس عملیات را در تن داشت، بیرون شد، به آوازه صدا کرد، بازواز شیراحمد کیست ؟

من جواب دادم داکتر صاحب مه استم، داکتر سهیلا جان با پشانی باز بعد از دادن سلام، برایم گفت که مریض شما مرد شجاع و افسانوی است، با معذرت که داکتر قبلی عملیات جراحی شیراحمد را انجام داده بودند، در جریان عملیات پنس را در شکم مریض فراموش کرده بود. لذا مریض شما درد شدید داشت، اکنون پنس متذکره دوباره از شکم مریض گرفته شده است، وضع مریض شما بزودی خوب می شود، تشویش نه کنید.»

پیاوړی مومند صاحب،

لومړی داچې زموږ ځنی د هیوادوالو اوس په ډیر بد مرض اخته شوی دی د عقدی له مخی پر نورو نه یواځی چه بیخایه گوتی بی نیولی، بلکی څوک چی خوینی نه وی بله سیاسی عقیده ولری نو هر ډول نامناسب توروته هم لکوی. زه په دی باوری چی تاسی هیڅکله داسی فکر او دا پېشداری نه کوی:

- ۱- که چیری یو څوک په روسیه زده کړی وی نو کرملین مزدور دی.
 - ۲- که چیری یو څوک په امریکی کینی زده کړی وی نو د سپینی مانی مزدور دی.
 - ۳- که چیری یو څوک په چین کینی زده کړی وی نو د پیکینگ مزدور دی.
 - ۴- که چیری یو څوک په انگلیستان کینی زده کړی وی نو د لندن مزدور دی.
 - ۵- که چیری یو څوک په مصر کینی زده کړی وی نو د القاعدی مزدور دی.
- دوهم زموږ د افغانان بل لوی مشکل دا دی چه هیواد کینی دغلو حکومتونه دی، القاب په چارشاخو باندی باد وی. قسیم فهیم، رشید دوستم بی تعلیم او بیسواده کسان د بیگناه هیوادوالو قاتلان مارشال کیری. زه یقین لری چه د لوړو تحصیلاتو لرونکو لکه داکتر سهیلا صدیق زحمتکین انسان د ورکړه شوی مکافات پوره وړتیا لری. ستاسو د ښه روغیتا او د نیکنامی اوږد عمر په هیله. اختر محمد یوسفی.

اسم: محمد داود مومند **محل سکونت:** متحده ایالات **تاریخ:** 09.12.2020

د طلا تپیه د لرغونی آثارو د ژغورلو په مورد کی د داکتر صاحب روغ وړاندیز او تشویش ددوی د ملی شعور او بیدار وجدان نمایندگی کوی. ددی لرغونو آثارو راورل وطن د دی مثال لری چی د غوښو ځاتنه پیشگانو او یا پیرانگانو ته وسپاری. حسن چپ معروف په شرق په خپل یو کتاب کی لیکلی وه چی سردار محمد هاشم خان د هیواد د طلا څه ذخایر د ژغورلو او ساتلو دپاره غالباً متحده ایالاتو ته لیږلی وه.

حسن چپ وایی چی لمړی ما سردار هاشم خان پدی تصمیم باندی اعتراضونه وکړل، ولی نن ورځ راته ثابت شوه چی د سردار هاشم خان دا تصمیم واقعا دغو ذخایرو د تحفظ دپاره وه او نن خجالت وباسم چی ما ولی بی ځایه اعتراضونه کول. تاسی د سردار هاشم خان د امنیت دوره وگوری او نن هغه دوره د دی پراگانو د دوری سره مقایسه کړی. مرحبا او حیذا داکتر صاحب روغ. ددی لرغونو آثارو د تحفظ په هیله.

اسم: محمد داود مومند **محل سکونت:** متحده ایالات **تاریخ:** 09.12.2020

شاعلی محترم اختر محمد خان یوسفی صاحب

زما سلامونه او احترامات و منی

سناسی د مهنډبانه لهجی او په اسرغ وقت کی زما پوښتنی ته د ځواب ویلو څخه مننه کوم.

پداسی مواردو کی زما غوندی پوه خالی ذهن شخص دپاره د دوه متضادو معلوماتو هضمول او پوهیدل د مغشوشیت، تردید او تردد موجب گرځی.

له بلی خوا د وگړو په ضد او نقیضو موافقو، د حب او بغض او د وگړو د زمانی په تال ځنگیدل، د سیاسی ملاحظاتو د نسیم سره د هغوی زلفو نڅا، هغه عوامل دی چی په انسانی کرامت باندی د شک او تردید موجب گرزی او د انسان اعتماد د خلل سره مواجهه کوی.

ما په خپل ژوند کی داسی انقلابی ملیگرایان ولیدل، چی د هغوی موقف او دریز د زمانی د شرایطو سره ۱۸۰ درجی تغییر وکړ، غربی استعمار او د هیواد د اشغال نه په سپین سترگتوب منکر شول او د چوکۍ او مقام پاره د حامد کرزی د فاسد او مفسد حکومت مجریان وگرزیدل.

ځانله دا بی ایمانه ملی گرایان نه بلکه ځینی دو آتسه انقلابی مارکسیستان لکه داوود پنجشیری د دستگیر پنجشیری ورور، د امپریالیزم په اصطیل کی په نشخوار وهلو شروع وکړه.

تفو بر تو ای چرخ گردن تفو

دا زما د زړه خواله او د زړه درد وه چی ما تاسی محترم سره شریک کړ. د خپلی پر گوپی نه معذرت غواړم.

سناسی نه یو ځل بیا مننه موم.

په درناوی

اسم: Akhtar Yusufi **محل سکونت:** Fair fax VA **تاریخ:** 09.12.2020

حضور جناب مومند صاحب سلام و عرض ادب تقدیم میدارم!

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.

من تاریخدان و سیاستمدار نیستم که بتوانم در مورد جهات سیاسی و ریشه تاریخی افراد و شخصیت کشور چیزی را در مورد سوال شما دانشمند ارجمند بنویسم، مگر من مرحومه دوکتورس سهیلا صدیق را بنابر کار مسلک طبابت ایشان از نزدیک می شناختم. دوکتورس سهیلا صدیق یک دوکتور (داکتر) طب بود و نه سیاستمدار، بعد از مرگ یک افغان و انهم یک دختر که طول عمر خود را در داخل کشور حتی در دوره طالبان در مسلک طبابت از هموطنان خویش دریغ نکرده باشد خطاب نمودن با الفاظ رکیک چون مزدور کرملین را دور از ادب و انصاف میشمارم. چنین برداشت و اظهارات را نمایانگر عقده کشایی و نظر مریضان سیاسی میدانم. تحصیل کردن مسلکی در شوروی ویا کار کردن چند وقت محدود در پست وزارت صحیه کشور آنهم در حکومت تنظیم های "جهادی" شخصیت را مزدور کرملین نمی سازند و آنهم بدون سند مؤثق، خطاب کردن با چنین شیوه بعد از وفات وی نه افغانیت و نه اسلامیت. مرحوم دوکتورس سهیلا صدیق یکی از دوکتوران مجرب افسردر شفاخانه چهار صد بستر سردار محمد خان بود، که در طی پنج دهه بحیث یک دختر دوکتور شجاع برای تداوی مریضان نیازمند در داخل کشور خدمت نموده است. من چند سطر را بعد از شنیدن خبر مرگ دوکتورس سهیلا جان صدیق نوشته بودم، اینک یک قسمت از آن را بحضور مبارک شما تقدیم میدارم.

آن دوکتور دختر قهرمان افغان که طول عمر پر بارش را برای مداوای هموطنانش شب و روز نخوابیده بود، دریغا که اکنون به خواب ابد فرورفته است. روحش شاد و خاطرات تابناک او به هموطنان افغان گرامی و عزیز باد.

مرحومه دوکتور جنرال سهیلا صدیق در طی سالهای جنگهای تحمیلی دشمنان مردم افغانستان قطارهای زخمی ها که از جبهات جنگ شب و روز به شفاخانه چارصد بستر اردو آورده میشد تداوی مینمود، دوکتور سهیلا صدیق اطاق عملیات جراحی شفاخانه چارصد بستر اردو نسبت کار شباروزی خویش به خانه تبدیل کرده بود، شب و روز زخمی های جنگ را تداوی مینمود .
من و همه فامیل ما در قطار میلیونها افغان مظلوم و بی دفاع قربانیان جنگ شوم دشمنان مردم افغانستان خدمات طبی و شخصیت وطنپرست واقعی دوکتور جنرال سهیلا صدیق را هرگز فراموش نمی کنم.
ما برای دوکتور جنرال سهیلا صدیق جنت فردوس برین را استدعا میکنم و برای تمام فامیل معظم صدیق و کافه هموطنان افغان داغیده افغان از بارگاه ایزد متعال صبر جمیل میخواهیم.
روان پاک این شیر دختر واقعی افغان دوکتور جنرال سهیلا صدیق همیشه شاد میخواهیم.

اسم: محمد داود مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 09.12.2020

آیا دگر جنرال داکتر سهیلا صدیق قهرمان بود یا مزدور کرملن؟

به تاریخ چهارم ماه دسمبر سال جاری شاغلی استاد سیستانی تحت عنوان «مرگ یک قهرمان-داکتر سهیلا صدیق» مطالبی در سایت افغان جرمن یدست نشر سپرد.

من برای اولین بار نام دگر جنرال داکتر سهیلا صدیق را آنهم به صفت یک قهرمان شنیدم.

تعجب نمودم که در طول سالیان متمادی در مطبوعات خارج کشور، نام و عنوان همچو قهرمان را ندیده و نشنیده ام.

قهرمان در تاریخ مشعشع ما نام ارجمند و جایگاه مقدسی دارد که اکتساب آن از طرف مردم کار ساده و آسانی نیست.

غازی ایوب خان، غازی وزیراکبر خان و ملالی میوند از زمره قهرمانان ملی ماست که مردم افغانستان ایشان را به صفت قهرمان میشناسند،

قهرمان قرار دادن و هم ردیف ساختن دختر صدیق خان والی، با قهرمانان بزرگ تاریخ کشور ادعای است نهایت بزرگ.

بعد از نشر مضمون مؤرخ سیستانی، دوست بزرگوار می مضمونی را در مورد این دگر جنرال برایم ایمیل کرد که به قلم بچه خاله قیس جان

کبیر نوشته شده و داکتر سهیلا صدیق را به حیث یک عنصر کثیف و دارای سوابق بسیار زشت معرفی نموده ادعا نموده است که داکتر سهیلا

صدیق یکی از مهره های کی-جی-بی در کشور بوده مرتکب جنایات غیر قابل انکار گردیده است.

اکنون آدم حیران میماند که در نتیجه این دو متن کاملاً متضاد در مورد داکتر سهیلا صدیق کدام آن را قبول کند؟

تا تحریر این سطور کدام پاسخی از طرف استاد سیستانی ارائه نشده است.

امیدوارم هم وطنان مطلع منجمله شاغلی داکتر صاحب سید عبدالله کاظم که آدم با معلوماتی است در زمینه صحت و سقم این دو مضمون

متضاد هم وطنان را تنویر کنند تا حق از باطل تفریق گردد.

مننه

اسم: A. Halim Hakimi محل سکونت: USA تاریخ: 08.12.2020

Transferring toddler education in its entirety from established

official school system at the age bracket while the foundation of their brains are set for life, is a jaw

dropping malfunction. One wonder if the world-second-thinker is still functioning that such fundamental

? danger passing him by

انتقال کلی تعلیم کودک نورسیده از سیستم مکاتب رسمی موجوده، در برحه سن و سالی که ذهن شان شیرازه زندگی را میریزد، مصیبتی است

تحیر آور. انسان حیرت مینماید که آیا مغز متفکر دووم جهان هنوز به هوش است که چنین خطر بنیادی از کنارش میگردد ؟

ترجمه از: آ.آ.آ.

اسم: محمد عالم محل سکونت: کانادا تاریخ: 08.12.2020

جناب محترم نگارگر!

جهان را نمی توان از روی تصورات تصوف مآبانه و تخیلات ساده شناخت و اصلاح کرد. شما جهان را از محدوده گروپ تان نبینید. اقدامات

سیاسی و وقایع سیاسی را مانند دانشمندان و دولتمداران عاقل به مفهوم یک "امکان" بپذیرید و هر اقدام "سیاسی" را از اقدام اعمال "جنائی"

فرق کنید. شما می توانید مخالف یک برنامه یک سازمان سیاسی باشید، اما مقام قاضی مافوق را هیچ سیستم و هیچ کس برای شما تفویض

نکرده است. در جهان و در تاریخ بشر، قاضیان خود سر و نمایندگان محاکم "پیروزمندان" زیاد گذشته اند. با اشعار تان تیئوری علمی نمی

توانید افاده نمائید. با احترام ، محمد عالم.